

اقتصاد ماه

روایتی نو از نظام اقتصاد ایران

جمعی از پژوهشگران

تحت اشراف دکتر حمیدرضا مقصودی

اقتصاد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

۲۲ / ۱۱ / ۱۳۵۷



5 96337 12200



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





اقتصاد ماه

جمعی از پژوهشگران

تحت اشراف دکتر حمیدرضا مقصودی





اقتصادماه

روایتی نواز نظام اقتصاد ایران

به سفارش: اداره کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی

نویسندگان: حسین عباسی فر، سید امیرحسین حسینی،

علی آب انباری و موسی محمدآبادی.

ویراستار: حسین حبیبی فهیم

شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است



فهرست

- ۲۲ ■ ۱- جمهوری اسلامی و شاخص فلاکت ...
- ۳۲ ■ ۲- از اقتصاد دنیا چه خبر؟!
- ۴۶ ■ ۳- این بود عدالت؟!
- ۵۰ ■ ۴- داستان شکاف طبقاتی
- ۵۶ ■ ۵- رابطه دولت ها و اقتصاد
- ۶۰ ■ ۶- دولت انقلابی و تورم؟!
- ۷۴ ■ ۷- ماجرای خودرو!
- ۸۰ ■ ۸- ماجرای مسکن!
- ۸۸ ■ ۹- این همه مشکل چرا؟!
- ۱۰۰ ■ ۱۰- بن بست شکن های اقتصاد



با اسکن کردن QR ما را در ارزیابی
این کتاب یاری نمایید.





درآمد

جمهوری اسلامی ایران در ادامهٔ بعثت انبیا، پرچم عدالت و معنویت را برافراشت و با این حرکت خود، دشمنی‌ها علیه نظام اسلامی شدت گرفت. علت اصلی این دشمنی نیز این است که منطق جمهوری اسلامی که الگویی برای مدیریت جامعه و جهان است در دنیا مطرح نشود. مشکل استکبار با جمهوری اسلامی این است که اگر جمهوری اسلامی، پیشرفت بکند، رونق بگیرد، جلوه کند در دنیا، منطق لیبرال‌دموکراسی دنیای غرب باطل خواهد شد؛ منطقی که غربی‌ها توانستند با آن حدود سه قرن همهٔ دنیا را غارت کنند. لیبرال‌دموکراسی بر پایهٔ نفی دین بنا شده بود، و جمهوری اسلامی بر پایه دین بنا شده؛ آنها ادّعای مردمی بودن کردند، و جمهوری اسلامی به معنای واقعی کلمه یک نظام مردمی است.

مبارزهٔ جبههٔ کفر و استکبار با جمهوری اسلامی برای این است که یک الگو به وجود نیاید. بسیاری از مشکلاتی هم که تا امروز داریم، به خاطر همین است؛ [یعنی] کارشکنی‌هایی شده برای اینکه آن الگوی جذّاب برای ملت‌ها به وجود نیاید. ما از این کارشکنی‌ها نمی‌توانیم صرف‌نظر کنیم، یا این‌ها را ندیده بگیریم؛ این‌ها وجود داشته، الان هم وجود دارد؛ بنابراین یکی از زاویه‌های دید ما نسبت به موقعیت کشور، به این قضیه برمی‌گردد که بدانیم جمهوری اسلامی درگیر یک چنین نبرد سیاسی، نبرد

فکری، نبرد نرم و جنگ نرم و احياناً برخوردهای سخت با جبهه وسیع ظلم و کفر و استکبار است.^۱

بله، نقطه مرکزی هویت تمدن غربی عبارت است از تفکیک میان دین و پیشرفت. به این معنا که اگر می‌خواهید پیشرفت کنید باید دین را کنار بگذارید. جمهوری اسلامی درست همین مرکز را نشانه گرفته و شلیک کرده و به هدف زده. جمهوری اسلامی با شعار دین وارد میدان شده، علاوه بر اینکه توانسته خودش را حفظ کند، توانسته رشد کند، توانسته این منطق را منتشر کند، توانسته ریشه‌دار کند. جمهوری اسلامی با وجود خودش، با حضور خودش هویت مرکزی تمدن غربی را ابطال کرده و به چالش کشیده است.^۲

جمهوری، یعنی مردم‌سالاری؛ اسلامی، یعنی دینی؛ بنابراین جمهوری اسلامی یعنی مردم‌سالاری دینی. حقیقت مردم‌سالاری دینی نیز این است که یک نظام باید با هدایت الهی و اراده مردمی اداره شود و پیش برود. جمهوری اسلامی، یعنی آن جایی که هدایت الهی و اراده مردمی توأم با یکدیگر در ساخت نظام تأثیر می‌گذارند. برای اثبات حقانیت این نظریه برای مردم دنیا ضروری است آن را در عمل ثابت کنیم. چالش عمده نظام جمهوری اسلامی این است.

رهبر معظم انقلاب، تلاش دشمن را برای الگوشدن نظام اسلامی این‌گونه تصویر می‌کند:

همه تلاش دشمنان جمهوری اسلامی این است که این کار اتفاق نیفتد؛ یعنی این سازندگی بر اساس نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند. این محاصره اقتصادی که می‌شنوید، برای این است. این کارشکنی‌های گوناگون در قضیه نفت و بقیه مسائل دیگری که از سوی دشمنان برای کشور ما پیش می‌آید، به خاطر این است.

۱. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۹، دسترسی در: <https://khl.ink/f/45639>.

۲. نک: بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۵ مرداد ۱۴۰۱، دسترسی در: <https://khl.ink/f/50689>.

می‌خواهند نگذارند نظام جمهوری اسلامی و کشور ایران در پرتو این نظام به نقطهٔ موردنظر خود از آبادانی و عمران و پیشرفت و ترقی و توسعه برسد، تا برای کشورهای دیگر الگو نشود و نظریهٔ سیاسی اسلام در دنیا رواج پیدا نکند.^۱

امروز چالش دشمن با جبههٔ حق آسان نیست، به همین جهت است که به جنگ نرم متوسل شده‌اند. هدفی هم که دنبال می‌کنند این است که ذهنیات مردم را نسبت به نظام اسلامی خراب کنند. برای اینکه راز پیروزی انقلاب اسلامی را دشمن فهمیده؛ رازش اعتقاد مردم و ایمان مردم است؛ می‌خواهد این ایمان را از بین ببرد. اینکه مردم را ناامید کنند، مردم را بدبین کنند، اعتماد به نفس مردم را بگیرند، آینده را تاریک نشان بدهند.

رهبر معظم انقلاب برنامهٔ دشمن را برای ضربه‌زدن به نظام اسلامی این‌گونه به تصویر می‌کشد:

با نگاه من، آن‌طور که بنده اوضاع را مشاهده می‌کنم، دشمن ملت را هدف گرفته، افکار عمومی را هدف گرفته، فکر جوان‌ها را هدف گرفته؛ میلیاردها دلار دارند خرج می‌کنند، در این اتاق‌های فکرشان - به اصطلاح خودشان اتاق‌های فکر و گروه‌های اندیشه‌ورز - دارند تلاش می‌کنند برای اینکه ملت ایران را و بخصوص جوان‌ها را از این راه برگردانند. و وسیله‌ای که آن‌ها دنبال می‌کنند فعلاً دو وسیله است: یکی فشارهای اقتصادی است، برای اینکه مردم را به تنگ بیاورند و از نظام اسلامی جدا کنند، یکی هم لجن‌پراکنی است.

عمده هم در شبهه‌پراکنی این است که القا کنند اسلام و احکام اجتماعی اسلام مانع پیشرفت جامعه است. جمهوری اسلامی نیز برای مردم ایران چیزی جز بدبختی و عقب‌ماندگی نداشته است.

۱. بیانات در دیدار مردم کاشان و آران و بیدگل، ۲۰ آبان ۱۳۸۰، دسترسی در:

<https://khl.ink/f/3093>.

از اول انقلاب، خط ثابت دشمن همین بود که به مردم ایران تفهیم کنند که بیچاره شدید، دیگر مثلاً کارتان تمام است و هیچ کاری از عهده کسی برای شما بر نمی آید، اوضاعتان خراب است و...؛ از اول انقلاب یکی از هدف‌ها همین بوده که به مردم ایران بگویند با قطع ارتباط با آمریکا، با گسستن پیوندی که بین ایران استعماری دوران پهلوی با آمریکا بود، پدر ملت ایران درآمده. این را از اول [دنبال می‌کردند]؛ الان هم همین است. امروز هم با طرح کردن صدها شبهه به دنبال ثابت کردن همین ادعایند.

بله، دشمن در لجن‌پراکنی موضوعات مختلفی را هدف قرار داده است که یکی از مهم‌ترین آن در حوزه اقتصادی است؛ یعنی تحریف حقایق نظام اقتصادی اسلام، کتمان نقاط مثبت اقتصاد اسلامی ایرانی، القای ناکارآمدی اقتصادی و... .

به همین دلیل است که سال‌هاست رهبر معظم انقلاب شعارهای سال را حول محور اقتصاد قرار داده‌اند و همیشه ملت را متوجه جنگ تمام‌عیار اقتصادی کرده‌اند. برای مقابله با این جنگ و دفع دشمن از مرزهای اقتصادی ایران، موضوع اقتصادی مقاومتی را مطرح نمودند. پس از آن در فرصت‌ها و مناسبت‌های مختلف، ابعاد آن را تبیین نموده و در پایان بهمن ۱۳۹۲ **سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به عنوان تنها راه مقابله با توطئه‌های اقتصادی دشمن، ابلاغ فرمودند.**

رهبر معظم انقلاب در مقدمه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، آن را برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلامی معرفی کرده‌اند و از دولت نیز خواسته‌اند تا به‌طور جدی اجرای آن‌ها را دنبال کند؛ ولی بارها از اجرا نشدن آن از مسئولین گله نموده‌اند.

به نظر می‌رسد یکی از علت‌های اصلی ناکامی در اجرای سیاست‌های اقتصادی مقاومتی، بی‌توجهی به ویژگی «الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام» است. این عبارت، یعنی **نظام اقتصاد اسلامی، ظرف تحقق اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های آن است** بنابراین باید تلقی روشنی از نظام اقتصادی اسلام بر اساس مبانی و معارف اسلامی وجود داشته باشد تا بتوان با توجه به شرایط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، الگویی از نظام اقتصادی اسلام را برای آن ارائه نمود و سیاست اقتصاد مقاومتی

را در چنین بستر و ظرفی دنبال کرد و با روش‌هایی که بر اساس نظام اقتصادی اسلامی استخراج می‌شوند، به مقابله با جنگ اقتصادی دشمن رفت.

اگر با روش‌های نظام اقتصاد سرمایه‌داری به مقابله با آن‌ها برویم. در زمین دشمن بازی خواهیم کرد و با شکست مواجه می‌شویم.

بر این اساس، مصمم به راهبری و جهت دهی محتواهای تبلیغی با رنگ و بوی مسائل مهم اقتصادی و پاسخ به برخی از شبهات آن در تولیدات محتوای تبلیغی شدیم.

مجموعه حاضر به سفارش «اداره کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی» و با تلاش **واحد راهبری محتوای تبلیغی**، مرکز راهبری اقتصاد مقاومتی و اندیشکده قصد تألیف شده است.

لازم است در اینجا از تمام عزیزانی که ما را در تولید این مجموعه گران‌سنگ یاری کردند، صمیمانه قدردانی کنیم: حجج اسلام: احمدعلی یوسفی، سید محسن اسداللهی، محمد امیری طیبی، جابر مهدوی باغی، سعید منیری، علی آب‌انباری، رضا زندوکیلی، موسی محمدآبادی و محمد جبهله؛ همچنین آقایان: دکتر حمیدرضا مقصودی، حسین عباسی‌فر و سید امیرحسین حسینی.

واحد راهبری محتوای تبلیغی
اداره کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی





مقدمه

چشم‌های بیدار رهبر معظم انقلاب، همیشه مواضع دشمنان انقلاب و نقشه‌های آن‌ها را رصد می‌کند و رهنمودهایی برای مقابله با دشمنان انقلاب اسلامی ارائه می‌نماید. یکی از هشدارهای ایشان جنگ تمام‌عیار اقتصادی دشمنان انقلاب، علیه ملت ایران بوده است. برای مقابله با این جنگ و دفع دشمن از مرزهای اقتصادی ایران، موضوع «اقتصادی مقاومتی» را مطرح فرمودند. پس از آن در فرصت‌ها و مناسبت‌های مختلف ابعاد آن را تبیین نموده و در پایان بهمن ۱۳۹۲ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان تنها راه مقابله با توطئه‌های اقتصادی دشمن، ابلاغ کردند. در مقدمه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی؛ آن را برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام معرفی کردند و از دولت خواستند تا به‌طور جدی اجرای آن‌ها را دنبال کند. رهبر معظم انقلاب، بارها از اجرایی‌نشدن آن از مسئولین گله کردند.

از سوی دیگر حجه نابرابر رسانه‌ای تهاجم تبلیغاتی دشمن، کشور را در مسئله اقتصاد و معیشت ناکارآمد نشان می‌دهد. این مسئله، جو به‌هم‌ریخته و ملت‌پوی را در فضای عمومی جامعه رقم‌زده است. به نظر می‌رسد دشمن این بار به دنبال برپایی فتنه ناکارآمدی نظام در حوزه اقتصادی است و جنگ روانی و و بمباران تبلیغاتی و جنگ شناختی خود را روی مسئله القائنات منفی اقتصادی به‌راه انداخته است.

راه حل این مسئله تبیین و روایت حقیقی وضعیت اقتصادی ما و دشمنان و رقبای ماست که این مطلب را می‌رساند که نه آن‌ها خیلی خوب هستند و نه ما خیلی بد و بدبخت. مردم ما دارایی‌هایی دارند که در دنیا کمیاب و یا به تعبیر دقیق‌تر نایاب است. راهکاری که ما برای مقابله و مواجهه با این مسئله داریم، دارایی‌هایمان در جمهوری اسلامی است. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که نظام خانواده، نظام اخوت و برادری، نظام همسایگی و هم‌محله‌بودن و هم‌بستگی‌ها و پیوندهای اجتماعی بسیاری از مشکلات مردم را در چهل سال گذشته برطرف کرده و بسیاری از مسائل را حل کرده و جامعه را جلو برده است.

دست برتر ما در مقابل نظام تمدن غربی، هم‌بستگی اجتماعی و نظامات اخوت و برادری و برابری است که بر پایهٔ اسلام در جامعهٔ ما برپا شده و هنوز هم این نظامات ارتباطی بین اعضای جامعهٔ ما قدرت زیادی در حل مسائل و مشکلات ما دارد.

آنچه امروز می‌تواند به مردم امید دهد، اطلاع از واقعیت‌های ایران ما و مشکلات جدی و عجیب و غریب اقتصادی و غیراقتصادی در کل دنیاست که حس بد مردم را به حس خوب تبدیل می‌کند. نشر روایت‌های درست و خوب برآمده از حقیقت جمهوری اسلامی و در کنار آن کمک‌گرفتن از مردم و نیز به حرکت‌درآوردن جریان همدلی و هم‌بستگی اجتماعی در جامعه، محل‌ها و در بین خانواده و اقوام، راهکاری برای عبور از این مشکلات، مخصوصاً مشکلات معیشتی است.

ما طلبه‌ها و شاگردان مکتب امام صادق علیه السلام با نصب‌العین قراردادن دستور واجب، قطعی و فوری جهاد تبیین که این بار روی مسائل اقتصادی متمرکز خواهد بود، می‌توانیم در میدان جنگ اقتصادی هم پیروز شویم. در فضای کنونی جامعه ضروری است که یک‌صدایی را به گوش مردم و مسئولین برسانیم و این وظیفه برای ما طلبه‌ها امری بدیهی و روشن است. ما همان طلبه‌هایی هستیم که رهبر معظم انقلاب بعد از پیروزی انقلاب و در مراسم سالگرد آقا سید مصطفی خمینی می‌فرمایند که به امام گفتیم: آقا! اگر انقلاب پیروز شد به خاطر حضور طلبه‌ها بود که مانند زنبور آمدند و شهد کلام شما را گرفتند و در جاهای مختلف رفتند و این کلام شما را منتشر کردند.

ما همان طلبه‌هایی هستیم که در ایام دفاع مقدس و ایام و عرصه‌های مختلف، پیش راه این ملت بودیم و همیشه فریاد و صدای نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به گوش مردم رساندیم. ما همان طلبه‌هایی هستیم که در ایام کرونا و همان زمان که برخی از مسئولین، دست‌وپای خود را گم کرده بودند، با صراحت گفتند: وقتی طلبه‌ها به میدان آمدند، ما مسئولین فهمیدیم چکار باید بکنیم. ما طلبه‌ها بودیم که مردم و مسئولین را به حرکت در آوردیم.

ما طلبه‌ها همیشه در جریان تبلیغ، پیش‌گام و پیش‌ران این نهضت بودیم و فریاد و ندای نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به گوش مردم رساندیم.

به نظر می‌رسد امروز باید داشته‌هایمان را در محل‌ها و در جوامع کوچک و بزرگ به مردم بازنشر و یادآوری کنیم. به مردم بگوییم که چه قدرتی داریم. یقیناً داشته‌ها و قدرت ما در مسائل مختلف کارساز است.

شروع طراحی یک عملیات محتوایی چند ساله احتیاج به یک نقشه عملیات جامع و کاربردی دارد که باید با یک فعالیت تخصصی و کار میان‌رشته‌ای در حوزه مباحث تخصصی اقتصاد و با همراهی فعالین و متخصصین حوزه تولید و فراوری محتوای تبلیغی انجام شود. در همین راستا، چندین نشست در سطح شورای مرکزی شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی، مجمع عمومی تولیدکنندگان و متخصصین اقتصاد اسلامی از حوزه و دانشگاه برگزار شد.

مباحثه فشرده و متعدد شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی، با اساتید حوزه اقتصاد اسلامی، ما را به نظام مسائل مهم حوزه اقتصاد مقاومتی رسانده و «نظام مسائل جامع» طراحی شد تا نقشه راه ما برای راهبری محتوایی مباحث اقتصاد اسلامی قرار گیرد و در مناسبت‌های پیش رو به تولید محتوایی در این حوزه پرداخته شود. کارگروه تولید محتوای اقتصاد اسلامی شکل گرفته و محتواهای پشتیبان متعدد، آماده و در اختیار مبلغین قرار خواهد گرفت.

محصول پیش رو به عنوان **محتوای پشتیبان** آماده شده و به سوالات اساسی و فراگیر مردم که همه مبلغان با آن‌ها مواجه هستند پاسخ‌های فنی و کوتاه داده

است. این محتوا به پرورش سوالات مخاطب با زبان و ادبیات خود آن‌ها پرداخته و در پاسخ، به جواب‌های علمی، کوتاه و قانع‌کننده اکتفا کرده است.

نمی‌توانیم انکار کنیم که من و شما و همهٔ طلاب و دغدغه‌مندان کشور لحظه‌به‌لحظه نسبت به همهٔ مسائل اطرافمان پاسخ‌گو نیستیم. غالب مبلغین معترفاند که کانون این پاسخ‌گویی در حال حاضر در موضوع اقتصاد است. این فشار به جایی رسیده که بعضی از طلاب دیگر جرئت حضور در فضاهای تبلیغی و طرح مسائل اجتماعی را ندارند؟

ما تصمیم گرفتیم تا به‌جای فرار از مباحث و شانه خالی‌کردن از بار مسئولیت، به دغدغهٔ مردم و مبلغین پرداخته و در حد توان، رنگ‌وبوی مسائل و شبهات و دغدغه‌های اقتصادی را در محتواهای تبلیغی خود اشراب کنیم. مهم‌ترین نکته این است که این شروع یک جریان است و تمام ماجرا نیست.

ذکر چند نکته در این رابطه ضروری به نظر می‌رسد:

۱. با کمک اداره‌کل امور مبلغین و متخصصان حوزهٔ اقتصاد، نظام مسائل اقتصادی به‌صورت حرفه‌ای استخراج شد تا در دو یا سه سال پیش‌رو به آن پرداخته شود.
۲. محتوای متناسب، به‌اندازهٔ ضرورت و به صلاح‌دید خود تولیدکنندگان و مبلغین در محتوای رمضان اشراب می‌شود.
۳. هرگز همهٔ مبلغین را به‌طرح مباحث اقتصادی در منابع مجبور نکرده و نمی‌کنیم؛ اما فرصت برای پاسخ‌گویی و پرداختن به دغدغه‌های مردم فراهم گردید.
۴. سوالات اصلی و نکات بسیار مهم و کلیدی اقتصادی که حتماً امسال و بلکه امروز، همه مبلغین و کنشگران عرصهٔ فرهنگ با آن مواجه هستند، شناسایی شده و پاسخ‌های کوتاه و طلایی آن به‌صورت کلیپ و متن محتوای پشتیبان، در اختیار مبلغین قرار خواهد گرفت.
۵. قرار نیست مبلغین به‌صورت تخصصی به همهٔ مسائل اقتصادی بپردازند، بلکه دوره‌هایی طراحی شده است که پس از مصاحبه، افرادی به‌عنوان سرباز و بعد به‌عنوان فرماندهان جنگ تبلیغاتی و شناختی در حوزهٔ اقتصاد مقاومتی تربیت شوند.

۶. باید بپذیریم که ما در جنگ هستیم و باید سنگرها را حفظ کنیم. احتیاج به طراحی عملیات و رصد و خط‌شکن داریم. باور کنیم که در سنگر نشستن و حرکت نکردن و مطابق میل و دوست‌داشتنی‌های سطحی مردم صحبت کردن، راه حل مشکلات امروز و جنگ اقتصادی نیست.

۷. برای رسیدن به آرمان‌های خود در این مسیر، احتیاج به کمک همه شما عزیزان داشته و روی آن حساب باز کرده‌ایم. احتیاج به تکثیرکردن مبلغین فعال، مطلع و جهادی میدان جهاد تبیین در حوزه مباحث اقتصادی داریم. ما در مسیر رسیدن به این لشکر در حرکتیم، باشد که شما نیز سهمی در این راستا داشته باشید.



شبکہ مسائل اقتصاد مقاومتی



۱. جمهوری اسلامی، شاخص فلاکت.....
۲. از اقتصاد دنیا چه خبر؟.....
۳. این بود عدالت؟!.....
۴. داستان شکاف طبقاتی.....
۵. رابطه دولت‌ها و اقتصاد.....
۶. دولت انقلابی و تورم؟!.....
۷. ماجرای خودرو!.....
۸. ماجرای مسکن!.....
۹. این همه مشکل چرا؟.....
۱۰. بن بست شکن‌های اقتصاد.....

پاسخ‌گشایی





۱

جمهوری اسلامی و شاخص فلاکت

واقعاً که! آخه این چه اوضاع فلاکت‌باریه که جمهوری اسلامی داره؟! چرا ما ایرانیا نسبت به شاخصه‌های رفاهی دنیا این قدر ضعیفیم؟! به نظرتون اوضاع توریست و بهداشتی مون داغون نیست؟! چرا ما مثل خیلیا نمی‌تونیم به خاج از کشور سفر کنیم؟! با این اوضاع، از نظر شاخص فلاکت، جزء بدترین کشورهای دنیاییم!. تو این کشور از رفاه و آسایش هیچ خبری نیست.



ناکارآمدی شاخص‌های جهانی برای توصیف واقعیت اقتصاد ایران

طبق آخرین شاخصی که صندوق بین‌المللی پول از اقتصاد ایران منتشر کرده، ایران را رتبه چهاردهمین اقتصاد دنیا معرفی می‌کند. در شاخص‌های اقتصادی چه مواردی را می‌سنجند؟ آیا رتبه برتر داشتن در این شاخص‌ها خوب است؟ در این شاخص‌ها، کشورها بر سر چه مواردی با هم رقابت می‌کنند؟^۱

شاخص‌های اقتصادی برای بیان روایت واقعیت اقتصاد ایران ناکارآمد هستند. مثلاً اینکه شما پدر و مادر پیرتان را روی چشم‌هایتان نگه دارید و به بهترین نحو ممکن از آن‌ها مراقبت کنید، در اقتصاد دیده نمی‌شود؛ اما در صورتی که آن‌ها را به خانه سالمندان بفرستید در اقتصاد ثبت می‌شود؛ اگر فرزندان‌تان را به بهترین نحو ممکن تربیت کنید ارزش اقتصادی تولید نکرده‌اید، اما اگر آن‌ها را به مهدکودک بفرستید هزینه‌ای که کرده‌اید به عدد تولید ناخالص داخلی اضافه می‌شود؛ اگر مادر غذا را در خانه با بالاترین کیفیت ممکن بپزد یک رفتار اقتصادی انجام نداده است اما اگر همان زن به رستوران برود و در آنجا غذا بپزد رفتار اقتصادی است و در اقتصاد ثبت می‌شود؛ اگر در سفر اربعین بهترین هتلینگ دنیا را در موبک‌های عراقی و ایرانی تجربه کنید در اقتصاد به حساب نمی‌آید، اما اگر یک شب در هتل اسکان پیدا کنید در آمار گردشگری و توریسم محاسبه می‌شود. اگر فرهنگ و خانواده و روابط اجتماعی و ... را حفظ کنید اقتصادتان کوچک می‌ماند ولی اگر آن‌ها را بفروشید و نابود شوند تازه وارد بازی اقتصاد شده‌اید و به حساب می‌آیید.

1. <https://www.farsnews.ir/news/14010425000877>



تفاوت اقتصاد ما با اقتصاد دنیا!

اقتصادمان، اقتصادی نیست که جنسش شبیه بقیه دنیا باشد؛ مثلاً در آمریکا ۲۷۰ میلیارد دلار سالانه هزینه مشروبات الکلی می‌شود (حدود ده برابر بودجه سالانه جمهوری اسلامی)، حدود ۲۷ میلیارد دلار هزینه دیسکو شبانه می‌شود (حدود یک سال بودجه جمهوری اسلامی). این عدد در انگلیس ۳۶ میلیارد پوند است و حدود ۴۶۰ هزار اشتغال برایش ثبت می‌شود. در آمار صادرات و واردات یک کشور، اگر تن فروش آمریکایی به یک توریست خارجی در خاک آمریکا خدمات جنسی ارائه بدهد، این در آمار صادرات آمریکا ثبت می‌شود؛ و اگر تن فروش خارجی باشد و به یک آمریکایی در خاک آمریکا سرویس جنسی ارائه دهد، در آمار واردات آمریکا ثبت خواهد شد.^۱

معیارهای ایران اصلاً با این کشورها قابل مقایسه نیست. در کشور ما انسانیت است که حرف اول را می‌زند و ما هیچ‌گاه نمی‌خواهیم اقتصادمان در این شاخص‌ها برتر باشد و یا اصلاً با اقتصاد این کشورها مقایسه گردد.

عدم رفاه یا توهم و احساس عدم رفاه؟

لازم است که راجع به محرومیت و فقر، مقایسه‌ای با گذشته انجام شود. بخشی از مقایسه‌ای که در اینجا انجام می‌دهیم از جنس آمار و ارقام نیست؛ بلکه از جنس رجوع به وجدان است!

در گذشته و قبل از انقلاب خانه‌هایی وجود داشت که در آن چند خانواده زندگی می‌کردند. وقتی این را به مردم می‌گوییم تصدیق می‌کنند و می‌گویند عمو، پسرعمو، پدرم و... همه در یک خانه زندگی می‌کردند.

1. <https://tabithashouseint.org/resources/statistics/>
<https://www.statista.com/topics/1752/bars-and-nightclubs/#editorsPicks>
<https://www.ibisworld.com/industry-statistics/market-size/bars-nightclubs-united-states/>
<https://www.ntia.co.uk/ntia-afem-say-new-report-shows-government-underestimates-true-value-of-club-culture-in-the-uk/>
<https://www.statista.com/topics/4238/human-trafficking/#topicOverview>
<https://prostitution.procon.org/questions/how-many-prostitutes-are-in-the-united-states-and-the-rest-of-the-world/>
<https://www.ibisworld.com/spain/industry-statistics/pubs-bars-nightclubs/3445/>
<http://data.un.org/Search.aspx?q=Sex+workers%3A+Population+size+estimate>
<https://www.ibisworld.com/germany/industry-statistics/bars-nightclubs/915/>
<https://www.ibisworld.com/eu/industry/pubs-bars-nightclubs/3445/>

در زمان شاه، خانه‌ای که با کاه‌گل درست می‌شد و هزینه‌ای نداشت را نیز مردم نمی‌توانستند بسازند. ولی در حال حاضر یکی از بیشترین نرخ‌های مالکیت مسکن در دنیا را داریم و خوشبختانه کارتن‌خواب و چادرخواب نداریم و نمی‌شنویم که چند میلیون کودک بی‌خانمان باشند و در کنار خیابان نمی‌بینیم که صدها و هزاران نفر از سرما بمیرند؛ در حالی که از این‌گونه موارد به راحتی در غرب مشاهده می‌شود. در گذشته، ما نیز شاهد این‌گونه موارد بوده‌ایم و حلبی‌آباد و کوخ‌نشین به معنای واقعی داشته‌ایم.

مردم انتظار به جایی دارند که همه می‌خواهند در ایران صاحب مسکن شوند. در ایران نه تنها باید همه خانواده‌ها صاحب‌خانه باشند، بلکه باید بیش از یک مسکن نیز داشته باشند. برای سفرهایی که می‌روند، برای مسافرینی که از کشورهای مختلف می‌آیند (مثل مسلمانان کشورهای مختلف) و

هر یک از ما باید بتوانیم خانه‌ای را در اختیار مسافرین کشورهای مختلف قرار بدهیم؛ هم به لحاظ همیاری و یاری‌گری و کمک به هم‌نوعانمان و هم از جنبه کار اقتصادی! یعنی باید بتوانیم افرادی که وارد ایران می‌شوند را پذیرایی کنیم و از این طریق کسب درآمد هم داشته باشیم. صنعت توریسم ما می‌تواند این‌گونه مردمی بشود.

محرومیت‌زدایی هم در ایران عجیب بوده است و با کشورهای دیگر قابل‌مقایسه نیست. اتفاقی که در زمینه محرومیت‌زدایی در ایران و در شرایط جنگ و تحریم افتاده است در کشورهای دیگر در ۲۰۰ الی ۳۰۰ سال نیفتاده. در صورتی که آن‌ها در شرایط جنگی و تحریم هم نبوده‌اند و حتی برای رسیدن به این موقعیت بسیاری از ارزش‌هایشان (استقلال و فرهنگ و غیرت و دین و...) را فروخته‌اند و حتی دست به غارت و استعمار و استثمار و... زده‌اند.

اما در مسئله شاخص‌های اقتصادی باید دقت کنیم. مثلاً در شاخص تعداد سفر خارجی! وقتی سفر بین‌شهری می‌رویم، اگر این سفر به کیلومتر حساب شود برای کشورهای اروپایی سفر خارجی به حساب می‌آید. بلکه بعضی از سفرهای ما برای آن‌ها سفر بین‌قاره‌ای حساب می‌شود. یعنی هرکس از ایلام به مشهد مسافرت کند، سفر بین‌قاره‌ای کرده است. اگر در اروپا چنین سفری را بخواهید بروید، از اروپا خارج

خواهید شد؛ ولی در اینجا یک سفر داخلی به حساب می‌آید. بنابراین هنگام مقایسه باید دقت کنیم چه چیزی را با چه چیزی و با کدام شاخص مقایسه می‌کنیم.

نتیجه مقایسه‌های غلط چیزی نخواهد بود به جز احساس عدم رفاه در ایران. کاری که رسانه‌ها با ذهن مردم ایران می‌کنند مقایسه‌های مغالطه‌آمیز و غلطی است که باعث می‌شود مردم احساس کنند نسبت به کشورهای دیگر دنیا بسیار عقب‌مانده‌تر هستند در صورتی که مطلقاً این‌گونه نیست.



بهداشت در غرب

تعریف ما از بهداشت اولیه در جمهوری اسلامی این‌گونه است که آیا در روستا خانه بهداشت وجود دارد یا خیر؟ آیا بیمارستان به خانه‌ها نزدیک است یا خیر؟ آیا تمام پزشکان متخصص و فوق تخصص در شهرمان موجود است یا باید به شهر دیگری سفر کنیم؟ و...

اما وزارت بهداشت آمریکا، امسال یک گزارش در مورد دسترسی مردم دنیا به بهداشت اولیه به نقل از سازمان ملل منتشر می‌کند که در آن آمده است در دنیا جمعیتی نزدیک به دو و سه‌دهم میلیارد نفر (یعنی حدود یک‌سوم مردم دنیا) از دسترسی به بهداشت اولیه محروم هستند و هیچ امکانی برای شستن دست با آب و صابون ندارند. حدود سه و شش‌دهم میلیارد نفر از سرویس بهداشتی محروم‌اند و حدود یک و هفت‌دهم میلیارد نفر هیچ امکانی برای دفع فضولات انسانی خودشان ندارند و حدود شصت میلیون نفر در دنیا اجابت مزاج باز (در خیابان و ملاء عام) انجام می‌دهند. طبق آمار رسمی یورو استات، پانزده درصد خانه‌های اروپا فاقد هرگونه سرویس بهداشتی و حمام است. این چیزی نیست که در ایران و حتی سایر کشورهای اسلامی و همسایه خودمان بتوانیم مشاهده کنیم.^۱

غرب فقیر

طبق آمار اداره سرشماری ایالات متحده، نرخ فقر ملی در سال ۲۰۱۶، ۱۲٫۷ درصد بود. ۴۰٫۶ میلیون نفر در فقر بودند.^۲

طبق آمارهای رسمی، آمریکا حدود ۷۰۰ هزار بی‌خانمان خیابان خواب دارد که در دوازده ماه سال سقف بالای سر خودشان نمی‌بینند؛ این جدای از آمارهای بدمسکن، چادرخواب‌ها، متروخواب‌ها، کمپ خواب‌ها و ماشین خواب‌ها است. هر شب تعداد قابل توجهی از افراد بر اثر سرما در خیابان‌های آمریکا و اروپا یخ می‌زنند و می‌میرند؛ مثلاً از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ شش‌هزار نفر از بی‌خانمان‌های خیابان خواب شهر بوستون آمریکا جان خودشان را از دست دادند و در شهر شیکاگو به نقل از گاردین ۶۰ هزار

1. https://www.cdc.gov/healthywater/global/wash_statistics.html.

2. <https://nationalhomeless.org/about-homelessness/>

چادرخواب وجود دارد و بر اثر سرمای اخیر، طبق گزارش گاردین بیش از هزار نفر از شهروندان انگلیس جان خود را از دست داده‌اند.^{۱/۲}



1. <https://www.theguardian.com/us-news/2022/dec/22/us-homeless-shelters-help-winter-weather>
<https://www.streetsensemedia.org/article/there-are-literally-thousands-of-people-dying-homeless-on-the-streets-of-america/#.Y9powj1BzIV>
2. <https://www.theguardian.com/us-news/2022/dec/22/us-homeless-shelters-help-winter-weather>



آخرین داده‌های گردآوری شده توسط موسسه ملی آمار اسپانیا نشان می‌دهد که تعداد افراد بی‌خانمان در ده سال گذشته ۲۵ درصد افزایش یافته است. این معضل اجتماعی از ۲۲۹۰۰ نفر در سال ۲۰۱۲ به بیش از ۲۸۵۰۰ نفر در سال ۲۰۲۲ رسیده است. میانگین سنی افراد در این وضعیت در اسپانیا ۴۲٫۷ سال است.

اعداد در سراسر اروپا خیلی بهتر به نظر نمی‌رسند. پارلمان اروپا وضعیت مخاطره‌آمیز زندگی بیش از ۷۰۰۰۰۰ نفر را که هر روز (و شب) در سراسر اروپا با بی‌خانمانی مواجه هستند، برجسته می‌کند. تنها در یک دهه ۷۰ درصد افزایش داشته است.^۱

با این حال، صرفاً برای مقایسه تفاوت بی‌خانمانی بین بریتانیا و بقیه اروپا، آمارهای سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که انگلیس تقریباً ۹۲۲۹۷ بی‌خانمان در هر شب دارد. از سوی دیگر، فرانسه ۱۴۳۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۲ و آلمان ۸۶۰۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۶ گزارش دادند.^۲

آلمان با ۶۵۰۰۰۰ نفر در هر شب بیشترین تعداد بی‌خانمان‌ها را در اروپا دارد. تخمین زده می‌شود که به ازای هر ۱۰۰۰۰ شهروند، ۳۷ بی‌خانمان وجود دارد - به این معنی که مشکل بی‌خانمانی در آلمان معادل ۰٫۳۷٪ از جمعیت است.

کشوری که بیشترین تعداد بی‌خانمان‌ها را در آسیا دارد پاکستان است. پاکستان حدود ۲۰۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت بی‌خانمان دارد. از ۲۴۲ میلیون نفر، این جمعیت ۸٫۳ درصد از کل کشور را بی‌خانمان تشکیل می‌دهد.

کشوری که بیشترین تعداد افراد بی‌خانمان در آفریقا را دارد نیجریه است. نیجریه همچنین کشوری با بیشترین جمعیت بی‌خانمان در جهان است. با جمعیت بی‌خانمان ۲۴۰۰۰۰۰۰ نفر از ۲۱۶ میلیون شهروند، نرخ بی‌خانمان در نیجریه ۱۱٫۳ درصد است.

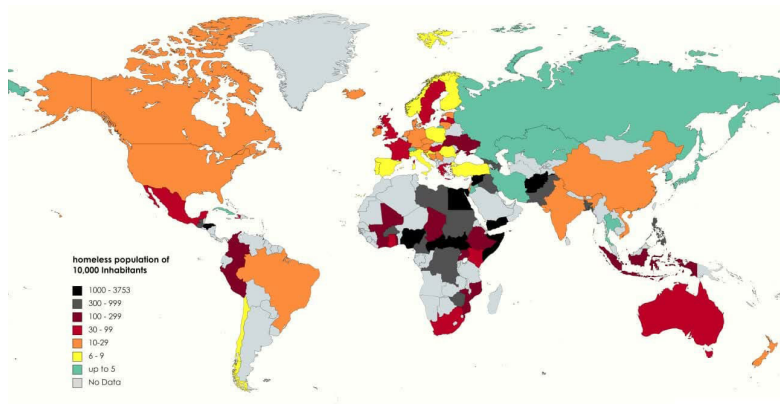
هندوراس با یک میلیون نفر جمعیت بی‌خانمان، بیشترین تعداد بی‌خانمان‌ها را در آمریکای شمالی دارد. این در مجموع ۱۲۳۵ نفر در هر ۱۰۰۰۰ نفر است که معادل ۱۲٫۳۵٪ از جمعیت است.

1. <https://phys.org/news/2022-12-homelessness-stark-impact-health-clearer.html>

2. <https://www.greaterchange.co.uk/post/does-europe-have-a-homeless-problem>

در آمریکای جنوبی، کلمبیا بیشترین جمعیت بی‌خانمان را دارد. با حدود ۴,۹۴۳,۰۰۰ بی‌خانمان در کشور و ۵۵,۸ میلیون شهروند، نرخ بی‌خانمان‌ها ۸,۹٪ از کل جمعیت است. این باعث می‌شود که بالاترین نرخ بی‌خانمانی در آمریکای جنوبی نیز باشد!^۱

ما حتی در سردترین شب‌های سالمان، این وضعیت را در جمهوری اسلامی تجربه نکرده‌ایم؛ جنس فقر در ایران فرق می‌کند. وقتی مردم از فقر حرف می‌زنند در مورد نیازهای ضروری زندگی مثل حداقل خوراک و پوشاک و بهداشت و... حرف نمی‌زنند در مورد سطح کیفی زندگی سخن می‌گویند که البته حق دارند. چون اینجا ایران است!



نقشه جهانی بی‌خانمانی نیز به خوبی گویای این وضعیت است که ایران از معدود کشورهای سبزنگ و با سطح بی‌خانمانی بسیار پایین نسبت به سایر دنیا است.

1. <https://www.greaterchange.co.uk/post/which-country-has-the-highest-rate-of-homelessness>



۲

از اقتصاد دنیا چه خبر؟!

ما چه چیزی از کشورهای پیشرفته دنیا کم داریم؟! کافیه شما یه نگاهی به کشورهای عربی دور و بر خودمون بکنید! مثلاً همین کشور قطر رو ببینید! قطرها با کمک غربی‌ها به چه پیشرفت‌هایی که نرسیدن! اما ما چی؟! به بهانه‌های مختلفی مثل استقلال و عدالت، آزادی و رفاه رو هم ازمون گرفته‌ان!.



نه به دوگانه‌های باطل و ساختگی

اگر شما بر سر یک دوراهی قرار بگیرید، آیا حتماً یکی از این دو راه را انتخاب می‌کنید؟ خیر، شاید در صورت نادرست بودن راه‌ها، راه سوم و یا راه‌های دیگری را شناسایی و انتخاب کنید و شاید هر دو راه را!

انقلاب اسلامی ایران بعد از پیروزی بر سر دوراهی قرار گرفت اما هیچکدام از دو راه باطل را انتخاب نکرد و به سراغ مسیر سوم رفت. گفت نه شرقی و نه غربی، نه سوسیالیسم و نه کاپیتالیسم.

بنابراین، گاهی باید به راه سوم فکر کنیم و آن را شناسایی کرده و راجع به آن صحبت کنیم.

سؤال: این دوگانه‌ها (اصول‌گرا و اصلاح‌طلب، سرمایه‌داری و کمونیسم، چپ و راست، عدالت و ولایت، آزادی و عدالت، برابری و عدالت، حیا و حجاب، استقلال و رفاه و...) برای چه ساخته می‌شوند؟ و چه کسانی این دوگانه‌ها را می‌سازند؟

پاسخ: کسانی که می‌خواهند یکی از دو طرف و یا هر دو طرف را ذبح کنند؛ مثلاً در زمان انتخابات می‌گویند به این حزب رأی ندهید چون اگر رأی بدهید جنگ خواهد شد. آن طرف هم همینطور. در فضاهاى علمى نیز معمولاً دوگانه‌هایی که ساخته می‌شود اساساً دوگانه نیست و هیچ تفاوتی بین‌شان وجود ندارد.

بنابراین ممکن است دو طرف این دوگانه‌ها باطل باشد مثل کاپیتالیسم و سوسیالیسم.





ممکن است اصلاً دوگانه نباشد! مثلاً وقتی راجع به عدالت و ولایت صحبت می‌کنیم اصلاً دوگانه‌ای وجود ندارد.

یکی از دوگانه‌های باطل دوگانه دولتی-خصوصی است! لیبرال‌ها می‌گویند اقتصاد را باید به چند سرمایه‌دار بسپاریم تا در دام کمونیسم نیفتیم و اقتصادمان دولتی نشود! چه کسی گفته است؟ کمونیست‌ها هم می‌گویند باید همه چیز در انحصار دولت باشد زیرا مردم توان اداره جامعه را ندارند و جامعه مانند جنگل می‌شود. و ما می‌گوییم چرا بین این دوگانه دولتی و خصوصی آن قسم سوم که

مردم‌سالاری اقتصادی است را انتخاب نکنیم؟! چرا به جای اینکه هفت تپه و هپکو و مغان و تراکتورسازی و فولاد و پتروشیمی و... در دستان دولت باشد یا در دست چند نفر، در قالب تعاونی‌های فراگیر (استانی یا ملی) به خود مردم نسپاریم؟ چرا به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که مقام معظم رهبری ابلاغ کردند عمل نکنیم؟ چرا ایده آیت‌الله شاه‌آبادی^۱ و شهید بهشتی^۲ و... را اجرا نکنیم؟!

ایران خودرو و سایپا خصوصی باشند یا دولتی؟ هیچ‌کدام. چرا این در قالب تعاونی فراگیر ملی به مردم واگذار نشود؟ چرا مثل موندراگون که ۸۶ هزار کارگر دارد در قالب یک تعاونی ملی و به صورت کارگر مالکی نباشد؟ یا چرا استقلال و پرسپولیس را به

۱. شذرات‌المعارف

۲. اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی

طرفداران و هواداران این دو تیم
واگذار نکنیم و مثل بارسلونا و رئال
مادرید مالکیتشان تعاونی نشود؟^۱

۲

چرا این دوگانه باطل کمونیسیم و
کاپیتالیسم را جلوی مردم می‌گذاریم
و آن‌ها را از اقتصاد اسلامی دور
می‌کنیم؟ این دوگانه باطل است.
جمهوری اسلامی اساساً آمده تا این
دوگانه‌های باطل را کنار بگذارد و کار
را به خود مردم بسپارد.



عدالت یا آزادی؟

بین آزادی و عدالت هیچ دوگانه‌ای وجود ندارد که لازم باشد بین این دو یکی را انتخاب کنید. عدالت است که حد آزادی را تعیین می‌کند و چون عدالت اساساً موضوع انتخاب است بدون آزادی عدالت معنا ندارد و این دو با هم معنا پیدا می‌کنند. برخی از افراد می‌خواهند یک طرف از این دو را ذبح کنند، آن‌ها یا مخالف آزادی هستند یا عدالت؛ آن‌ها سعی می‌کنند بین این‌ها دوگانه درست کنند. ولی عوام به راحتی متوجه می‌شوند که اساساً این دو با هم اختلاف ندارند. شما امام حسین علیه السلام را سرور آزادگان عالم می‌دانید که یک عدالت‌خواه به تمام معناست؛ و بین این دو هیچ تعارضی نیست.

1. <https://www.mehmews.com/news/5389599>

2. <https://b2n.ir/j50039>



استقلال یا رفاه؟

دوگانه‌ای که در این ایام (مخصوصاً ده سال اخیر) با آن مواجه شده‌ایم دوگانه استقلال و رفاه است. این هم از آن دوگانه‌هایی است که واقعیت ندارد. استقلال به معنای آزادی در گستره یک ملت است. رفاه یک ملت بدون آزادی آن‌ها چه مفهومی دارد؟ درحقیقت استقلال است که موجب رفاه می‌شود و رفاه بدون استقلال رفاه نیست. جامعه‌ای هم که بخواهد استقلال داشته باشد بدون رفاه، استقلالش هم استقلال نیست و وابستگی است. بنابراین دشمنان داخلی و خارجی در سال‌های اخیر دوگانه‌ای درست کردند که با کمک غرب به رفاه برسیم و استقلال و خودکفایی‌مان را کنار بگذاریم. هیچ کشوری در دنیا به رفاه نرسیده مگر با خودکفایی و استقلال و

هیچ کشوری نتوانسته است با بدون تقویت اقتصاد و رفاه مردمش استقلالش را حفظ کند. اگرچه در دنیای امروز هیچ کشوری نمی‌تواند دور خودش دیوار بکشد اما وقتی از رابطه با کشورهای دیگر صحبت می‌کنیم مهم نوع رابطه است. رابطه یک طرفه و استعماری هم رابطه است. رابطه دوستی و همکاری هم رابطه است. رابطه تعاملی صرف هم رابطه است. اگر دور کشوری دیوار کشیده شود به رفاه نخواهد رسید و اگر کشوری به رفاه برسد قطعاً با استقلال رسیده است.

سؤال: آیا خودکفایی را کنار بگذاریم؟ عدم خودکفایی در کالاهای استراتژیک که معنا ندارد. هیچ عاقلی نمی‌پذیرد کشورش در رابطه با کالاهایی که موجودیت جامعه‌اش به آن وابسته است خودکفایی را کنار بگذارند. تأسف‌آور است اما بدانید در سند استنفورد ۲۰۴۰ آمده است که ایرانی‌ها در مورد محصولات کشاورزی و مواد غذایی هم نباید خودکفا باشند و حتی از این واژه نباید استفاده کنند. این یعنی دشمنان شما با اینکه با شما وارد جنگ نمی‌شوند اما با یک تحریم نابودتان می‌کنند. لذا خودکفایی در کالاهای استراتژیک، امری بدیهی در مسئله پیشرفت کشورهای دنیاست.

در بخشی از سند استنفورد ۲۰۴۰ آمده است:

(۱) تولیدات کشاورزی باید به میزان قابل توجهی کاهش یابد. حتی در صورت عدم کاهش در نظر گرفته شده در کشاورزی، این احتمال وجود دارد که کمبود آب و فرسودگی خاک منجر به کاهش ناخواسته و کنترل نشده در تولید بخش کشاورزی در دراز مدت شود. برای جبران کاهش میزان غذای خانگی، ایران باید سالانه ۳۰۰ دلار اضافی برای هر نفر برای واردات مواد غذایی هزینه کند.

(۲) سیاست‌گذاران باید از شعارهای تجلیل از خودکفایی مواد غذایی دست بردارند که با توجه به محدودیت منابع طبیعی و دسترسی ایران به فناوری، تنها بار سنگینی بر دوش محیط زیست و نسل‌های آینده است. در عوض، تمرکز باید بر تضمین امنیت غذایی کشور باشد، بدون نگرانی از اینکه غذا از کجا منشأ می‌گیرد. علاوه بر این، سیاست‌های جمعیت که به دنبال افزایش نرخ باروری کل هستند (که در حال حاضر نزدیک به سطح جایگزینی است) باید کنار گذاشته شود.^۱

1. <https://iranian-studies.stanford.edu/iran-2040-project/publications/national-adaptation-plan-water-scarcity-iran>

Initiatives

Bitu Prize for Persian Arts	+
Stanford Festival of Iranian Arts	+
Stanford Iran 2040	-
Charts	+
Publications	
Contact	

A National Adaptation Plan for Water Scarcity in Iran

August 2018

Author(s)
Pooya Azadi
Mohsen MesgaranPublisher
Stanford Iran 2040 Project[Download Full Paper](#)

Iran's water crisis is entering a new paradigm where its impacts



نکته قابل توجه آن است که در دولت دوازدهم این اسناد در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ترجمه و به مدیران ابلاغ می‌گردد.^۱



مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری
CENTER FOR STRATEGIC STUDIES

خانه بررسی‌ها - انتشارات - رویدادها - سازمانها - کارنامه - مطالعات کرونا - اندیشه‌های جهان جستجو

خانه / اندیشه‌های جهان

بروزه ایران ۲۰۴۰ دانشگاه استنفورد

برنامه سازگاری ملی برای کمیابی آب در ایران

در طول چند دهه گذشته، به دلیل حجم بالای استفاده از آب برای کشاورزی، مصرف آب در ایران همواره از حد آستانه اولیه تنش آبی (یعنی یک چهارم کل آب تجدیدپذیر) به اندازه تقریباً چهار برابر تجاوز کرده است. در نتیجه این تفاوت زیاد بین تقاضا و عرضه پایدار آب، ایران در حال حرکت به سمت یک بحران اجتماعی-زیست‌محیطی تمام عیار با اثرات جدی و قطعی بر رفره نسل‌های جاری و آینده است.



۲۰۵۵ مقاله سیاسی / اندیشه‌های جهان / شنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۷

مطلب مرتبط

بررسی تجارب برنامه احیای دریاچه ارومیه

طرح شورین‌سازی و انتقال آب خزر به فلات مرکزی

برنامه ستاد احیای حوضه آبریز زاینده رود (گاوچونی)

نقش بررسی مسائل رودخانه‌های فرامرزی و منابع

ردیف	فعالیت	عنوان
۱۳	پیشنهاد نشست	پیشنهاد نشست حساب‌های انتقالات ملی
۱۴	تهیه پیش‌نویس	تهیه پیش‌نویس نامه جهت برگزاری نشست "اداره مهاجرت"
۱۵	تهیه گزارش	تهیه گزارش از "تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران"؛ و با توجه به جلسات برگزار شده در ۳ آذر ماه و ۸ اسفند ماه ۱۳۹۷؛ و گزارش‌های دریافتی از وزارت بهداشت؛ مرکز آمار ایران و سازمان حفاظت محیط زیست، جهت اصلاح، ویرایش و به روز رسانی گزارش توسط موسسه مطالعات جمعیت.
۱۶	تهیه نامه	تهیه نامه به موسسه مطالعات جمعیت جهت ویرایش جدید گزارش جمعیت
۱۷	ارزیابی گزارش	ارزیابی گزارش ترجمه «پویایی جمعیت ایران و فرصت پنجره جمعیتی» پروژه ایران ۲۰۲۰ استنفورد پلتفورد دانشگاهی برای پژوهش در زمینه «توسعه پایدار دوازدهم ایران».
۱۸	ارزیابی مقاله	ارزیابی علمی مقاله "جمعیت‌شناسی سیاسی: بررسی نتایج سیاسی تغییرات جمعیتی در سطح ملی و بین‌المللی" مجله مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی.



کد گزارش: ۹۷-۱۱۳

یک برنامه سازگاری ملی برای کمیابی آب

در ایران

پروژه ایران ۲۰۴۰ دانشگاه استنفورد

حال به سؤال اصلی بازگردیم. آیا خودکفایی در کالاهای غیراستراتژیک خوب است یا خیر؟

برای پاسخ باید گفت اولاً در حال حاضر کالای غیراستراتژیک نداریم؛ مثلاً در دنیای کنونی، دستمال کاغذی هم یک کالای استراتژیک است. یعنی با کمبود دستمال کاغذی در یک کشور بحران اجتماعی و امنیتی به وجود می‌آید. ثانیاً نکته بسیار مهم این است که هیچ کالایی پیدا نمی‌شود که آمریکایی، چینی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و یا ژاپنی‌اش نباشد؛ یعنی این چند کشور خودشان همه کالاها را تولید می‌کنند و به سایر کشورها می‌گویند فقط مصرف‌کننده باشید. به ایران هم که می‌رسند می‌گویند نهایتاً نفت خام تولید کنید و به ما بدهید.^۱

خودکفایی در نقش تَبَر

ضرب بالی خودکفایی غذایی در ایران به چه معناست؟

ایران به لحاظ جمعیتی در رتبه ۱۸ جهان قرار دارد اما در تولید ۲۱ محصول کشاورزی رتبه‌های تکرر کمی را بین کشورهای جهان به خود اختصاص داده است.

رتبه ایران در زمینه تولید بیشتر غذا و چای ۱۱، سیبزمینی ۱۳، جو و گندم ۱۵، کنجد ۱۶، سبزیجات ۱۹ و زیتون و توت‌فرنگی ۲۰ اعلام شده است.

در حالی که شیراز و اسفهان دچار کمبود شدید آب است، برخی کشاورزان اقدام به کشت نیارمندترین محصول به آب یعنی برنج کرده‌اند و هیچ اقدامی برای جلوگیری از کشت برنج در نزدیکی زاینده رود نشده است. کشت برنج در مناطق شهری اسفهان آن هم با آب‌های زیرزمینی در حالی انجام می‌گیرد که در برخی مناطق چاه‌های آبیاری فوئای سبز شهری خشک شده است.

گره‌ها دیگر نماینده فائو: گسترش بیش از حد کشاورزی در حوزه دریاچه ارومیه طی چند دهه اخیر به افزایش مصرف آب کشاورزی در منطقه انجامید و نهایتاً در کاهش سطح آب دریاچه و خشک شدن آن موثر بوده است. این نمونه‌ای از تلاش برای رسیدن به خودکفایی است که ضررش را خود منطقه می‌بیند.

رتبه جهانی
۹ انگور
لیمو
پرتقال

رتبه جهانی
۷ قارچ
گوچه‌فرنگی

رتبه جهانی
۶ سیب درختی
اسفنج

رتبه جهانی
۵ هلو
پياز
بادامجان

رتبه جهانی
۴ خیار
انجیر
کیوی

رتبه جهانی
۳ کیلیس / خربزه / هندوانه / گردو / بادام / زردآلو

رتبه جهانی
۲ خرما
پسته

اینفوگرافیک: علیرضا تاجیک

1. <https://iranian-studies.stanford.edu/iran-2040-project/home>

۴۶۰
 سال اقتصاد جهانی در ۱۰۰
 تصویر





تجارت در اسارت

بسیار کمترین میزان تجارت آزاد به عنوان مثال دارد

اقتصاد ایران در شرایطی که در آن هیچ نوعی تسهیل اقتصادی برای باز و بسته شدن تجارت
 بین‌المللی وجود ندارد، بر روی بسته شدن بازار بین‌المللی و کاهش سرمایه‌گذاری در کشور
 اقتصادی بسیار آسیب‌زا است. در حالی که کاهش سرمایه‌گذاری در کشور، اقتصاد ایران را در
 این شرایط و در آستانه کاهش نرخ تولید ناخالص داخلی قرار می‌دهد. یکی از دلایل عدم
 آسودگی اقتصادی کشور، عدم وجود هیچ نوعی تسهیل اقتصادی برای تجارت آزاد است.
 به همین جهت، دولت باید تسهیل‌های اقتصادی را تسهیل کند.

<p>اگر بزرگترین کشور جهان بود</p> <p style="font-size: small;">تعدادی از بزرگترین کشورهای جهان</p>	<p>اگر کوچکترین کشور جهان بود</p> <p style="font-size: small;">تعدادی از کوچکترین کشورهای جهان</p>	<p>اگر بزرگترین اقتصاد جهان بود</p> <p style="font-size: small;">تعدادی از بزرگترین اقتصادهای جهان</p>
---	---	---





۲۰۶



کشت آخر

آیا به پایان کشاورزی در ایران نزدیک شدیم؟

بخش کشاورزی کشور، سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی را دارد و به عنوان یکی از بخش‌های مهم اقتصادی کشور شناخته می‌شود. با توجه به تغییرات اقلیمی و افزایش هزینه‌های تولید، بخش کشاورزی با چالش‌های متعددی مواجه شده است. این مقاله به بررسی وضعیت فعلی بخش کشاورزی ایران و چالش‌های پیش رو آن می‌پردازد و راهکارهای ممکن برای بهبود عملکرد این بخش را ارائه می‌دهد.

گردآوری: آرزو رحمانی	مستندسازی و مصاحبه: سحر رحمانی	ویراسته شده از: آرزو رحمانی
مشاوره تخصصی: دکتر سحر رحمانی	تصویر: سحر رحمانی	طراحی: سحر رحمانی



مقایسه ایران و قطر

گاهی سؤال می‌شود که آقا! شما کشور اسلامی هستید قطر و کویت و امارت هم اسلامی هستند! سلامتی که شما برای ما آورده‌اید بدبختی ایجاد کرده است و اسلامیت قطر برای آن‌ها رفاه آورده است؟!

این را در نظام سنجه قرار می‌دهیم و با توجه به امکانات و موانع و اهدافش، اقتصادش را بررسی می‌کنیم.

قطر، سومین ذخایر گازی دنیا را دارد و این در حالی است که بیش از سه میلیون نفر، جمعیت ندارد و مانع اقتصادی خاصی هم ندارد. اگر کشوری چهارده درصد گاز دنیا را داشته باشید و سه میلیون نفر جمعیت داشته باشد، باید همه اقتصادش دانش‌بنیان باشد و علم و دانشگاه را هم بالا بیاورند. کشوری که با دنیا ساخته است و از برخی ارزش‌هایش هم پایین آمده است و با این امکانات و با این وضعیت اقتصادی تک‌محصولی ایجاد کرده است که هیچ چیزش وابسته به تولید داخلی نیست و در یک افق ۵۰ ساله اقتصادش معلوم می‌شود، الان مثل گاو شیردهی است که اگر شیرش تمام شود تازه معلوم می‌شود مملکت قطر کجا ایستاده است.

الان وضعیت دانش، وضعیت تولید مبتنی بر دانش بنیان قطر چطور است؟ آیا در همین ورزشگاه‌هایی که ساخته‌اند یک مهندس قطری کار کرده است؟! خیر؛ قطر نگهداری ورزشگاه‌ها را هم با انگلیس بسته است؛ یعنی حتی دانش تعمیر و نگهداری هم ندارد. قطر با این امکانات و با این جمعیت و بدون داشتن مانع الان چه کار می‌کند؟ آن وقت عده‌ای به ما می‌گویند: بیا و قطر شو!

اقتصاد آمریکا

بیباید اقتصاد آمریکا را که بعد از ۳۰۰ سال در دوران ثبات خودش است بسنجیم. در این سنجش باید اهداف، موانع و امکانات امریکا را با هم در نظر بگیریم و اقتصاد آن را بررسی کنیم.

امکانات اقتصاد آمریکا:

۱. غارت منابع کشورهای دیگر

غارت‌هایی که آمریکا در دوران استعمار و همچنین الان انجام می‌دهند، غارت ذهن‌ها و غارت نخبگان است. از وزیر انرژی عراق نقل شده است که ایشان گفته است که ما همین الان نمی‌دانیم که چقدر نفت استخراج می‌کنیم و چقدر می‌فروشیم! چون آمریکایی‌ها هستند که نفتمان را استخراج می‌کنند و می‌فروشند و سهم ما را می‌دهند. در سوریه و افغانستان و شمال آفریقا منابع بسیاری را غارت می‌کنند؛ البته این وضعیت فعلی اوست اما اینکه در دوران استعمار چقدر دزدیده است، بماند! به واسطه قدرت دلاری بسیاری از ذهن‌ها را غارت کرده است: در سال گذشته (۲۰۲۱) ۹ درصد مقالات ISI آمریکایی را ایرانی‌ها نوشته‌اند.

۲. قوت نظامی

با اینکه فی‌الحال، آمریکا در حال افول است ولی چند سال پیش، آن زمانی‌که ژاپن با کاهش ارزش پول خود، قصد افزایش صادرات و درقبال آن کسب سود و درآمد بیشتری داشت، آمریکا ورود نظامی کرد و ژاپن را رسماً تهدید کرد.

۳. ارز معیار بین‌المللی

آمریکا به وسیله دلار، تورم را به دنیا صادر می‌کند؛ این عبارت یعنی برای آمریکا پول پشتوانه‌دار معنا ندارد و پول می‌زند و نظام پولی‌اش هم دنیا است و تورمش را هم صادر می‌کند.

۴. علم و فناوری

در یک هکتار سه میلیون تن برداشت گندم دارد، در حالی که شاید در ایران حدود ۶۰۰ هزار تن باشد یعنی یک پنجم آمریکا؛ چراکه دانش برداشت دارد و میزان هدر رفت را کاهش می‌دهد.

۵. دستگاه تبلیغاتی

که برای همه قدرت آن روشن است.

این امکانات اقتصادی آمریکا است، اما تنها مانع آمریکا، رقابت با بلوک شرق است؛ یعنی فقط یک مانع، جلوی راه اقتصادی آمریکا می‌باشد.

هدف آمریکا بر اساس نظام ارزشی‌اش حداکثری کردن رفاه در جامعه است؛ اما با این سطح از امکانات و تنها فقط با یک مانع:

چرا حدود ۳۰ درصد از مردمشان امنیت غذایی ندارند؟!

چرا صفوف غذایی آمریکا در زمان کرونا آن قدر طولانی بود؟!

دلیل زیاد بودن بی‌خانمان‌ها در کشور آمریکا برای چیست؟

چرا ثروت‌ها غیرمتوازن در آمریکا توزیع شده است؟!

چرا اوضاع دو - سه ایالت آمریکا از برخی از کشورهای آفریقایی نیز بدتر است؟!

چرا وضعیت زیرساخت‌های آمریکا در مترو و جاده‌ها خوب نیست؟

چرا وضعیت خدمات‌رسانی ضعیف است؟

آیا می‌توانیم در ایران تصور کنیم که در یکی از استان‌های ایران برف بیارد و

به خاطر نبود زیرساخت‌های صحیح، مردم بمیرند؟!

اخیراً در ایالت تنسی آمریکا، جمعیتی نزدیک به ۳۰۰ نفر در بخشی از شهر ماندند

و به خاطر مشکلات ساختارها، تمام آن ۳۰۰ نفر مردند!

این است وضعیت اقتصاد آمریکا! این است آن بهشت زیبای غرب!



۳

این بود عدالت؟!!

آهای بچه انقلابی‌ها! آهای مسئولین! ظاهراً شما دلیل انقلابمون رو فراموش کردین؟! کجاست اون عدالتی که سال ۵۷ براش انقلاب کردیم؟! این بود عدالت؟! اگه واسه برپایی عدالت قیام کردیم، پس چرا این همه عقب‌ماندگی داریم؟! چرا این همه ظلم و تبعیض؟



هدف همه انبیاء «لِيُقَوِّمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» بوده است. اتفاقی که امیرالمؤمنین (ع) برای آن شهید شد، عدالت است. ما هم برای عدالت قیام کردیم، پس چرا در این حوزه عقب ماندگی داریم؟ آیا به این خاطر است که کارهایی را باید انجام می دادیم و انجام نداده ایم، یا اینکه نخواستیم به سمت عدالت برویم؟ یا اینکه حرکت کرده ایم ولی موانعی وجود داشته است؟ پاسخ همه موارد است!

چرا بی عدالتی؟

آنچه مردم عدالت می نامند، بسیاری از اساتید اقتصاد لیبرال آن را عدالت نمی دانند. مثلاً مردم می گویند عدالت در این است که شکاف طبقاتی نباشد، اقتصاددان ها می گویند وجود شکاف طبقاتی، لازمه رشد و عین عدالت است. باید جامعه جنگل باشد و ما زندگی مان را بکنیم. این گروه از اقتصاددانان وضعیت جنگل را عادلانه می دانند. بله، وضعیت جنگل وضعیت عادلانه ای است، ولی برای حیوانات عادلانه است نه برای انسان ها. اینجاست که امام خمینی رحمته الله علیه می فرماید الاغ همه زیربنایش اقتصادش است.^۱

وقتی اقتصاد را این گونه معنا کردیم، نتیجه اش این می شود که عده ای از گرسنگی می میرند و عده دیگر از شدت پرخوری بیمار می شوند! این گونه است که در سال

۱. «حیوان هم همه چیزش فدای اقتصادش است. زیربنای همه چیزش [است] الاغ هم زیربنای همه چیزش اقتصادش است. اینها انسان را شناختند اصلاً که چه هست» (صحیفه امام خمینی، ج ۹، ص ۴۵۰).



گذشته آمار گرسنگی هم‌زمان با چاقی افزایش پیدا کرد. اگر قرار باشد در یک جامعه عده‌ای بمیرند و عده‌ای هم از خوردن چاق شوند، این اقتصاد حیوانات در جنگل است و انسانی که فقط به فکر چریدن باشد انسان نیست. ولی اگر قرار است برادری و برابری و عدالت حاکم شود، آن وقت است که در شأن انسان‌ها در حال حرف زدن هستیم و باید برای سیاست‌هایی که تجویز و اجرا می‌کنیم پیوست عدالت وجود داشته باشد؛ یعنی قبل از انجام هر نوع سیاست اقتصادی با هدف رشد اقتصادی، کاهش بیکاری، کاهش تورم و... باید بررسی کنیم مثلاً آیا این سیاست فقر و شکاف طبقاتی را زیاد می‌کند یا کاهش می‌دهد؟

فرض کنید در یک جامعه بانک خصوصی تولید کردید و این بانک خلق پول کرد و ایران‌مال را ساخت. اگر دیدیم با این مصالحی که در آنجا استفاده شده است می‌توانستیم تعداد قابل توجهی خانه برای مردم بسازیم و می‌توانستیم قیمت ساختمان و مسکن را پایین بیاوریم و نیاز محرومین را تأمین کنیم، یعنی پیوست عدالت رعایت نشده است و باید آن کار دیگر را انجام می‌دادیم تا به قیمت له شدن یک عده‌ای زیر چرخ‌های توسعه، یک تصویر هالیوودی در پایتخت ایران اسلامی به نام ایران‌مال نمی‌ساختیم.





داستان شکاف طبقاتی

چرا توی ایران، این قدر شکاف طبقاتی داریم؟! وضعیت شکاف طبقاتی توی ایران خیلی خرابه! مشکل ما توی ایران فقر نیست، تبعیضه! واقعاً چرا همه یه جوهره و یکسان نیستن؟! جداً این عدالته؟! چرا یه عده با صرف زمان و هزینه کم به درآمدهای بالا می‌رسن ولی عده‌ای هم شبانه‌روزی چون می‌کنن ولی بازم هشت‌شون گِروُ نُه‌شونه!؟



به این اعداد دقت کنید! ۲۶ نفر به اندازه ۳/۸ میلیارد نفر ثروت دارند؛ در حقیقت قارون می‌تواند در برابر این اتفاق دم از برابری و عدالت بزند. عجیب و خنده‌دار است اگر کسی بخواهد در مورد عدالت در آمریکا و اروپا صحبت کند. در ایران بعد از انقلاب اتفاق بزرگی افتاد: یک طبقه محروم و مستضعف از زمین کنده شد و بالا آمد. انقلاب اسلامی ایران، انقلابی در حوزه مالکیت و شکاف طبقاتی به وجود آورد و یکباره بخش عظیمی از طبقات پایین، طبقه متوسط شدند. امروز در ایران، فقیر داریم و به هیچ‌وجه وجود فقرا و مستضعفین در ایران قابل دفاع نیست. بله، ما نسبت به وضعیت مطلوبمان عقب هستیم؛ اما در مقام مقایسه، نسبت به وضعیت سیاه عدالت که در نتیجه توسعه غربی به وجود آمده است، فرسنگ‌ها جلوتریم.^۱

امام خمینی رحمته‌الله علیه در رابطه با وضعیت تبعیض و شکاف طبقاتی در جامعه اسلامی می‌فرماید: اسلام مالکیت را قبول دارد، ولی قوانینی در اسلام هست که مالکیت را تعدیل کند. اگر به قوانین اسلام عمل شود هیچ‌کس دارای زمین‌های بزرگ نمی‌شود. مالکیت در اسلام به صورتی است که تقریباً همه در یک سطح قرار می‌گیرند. و وقتی این چنین باشد چرا پای دولت را به میان کشیم و زمین‌ها و صنایع را به دست مردم نسپاریم.^۲

دکتر علی سعیدی: شهید صدر در انتهای جلد اول اقتصاددانا که اقتصاد اسلامی را تبیین می‌کند، یکی از اصول اقتصاد اسلامی را اصل عدالت اجتماعی معرفی می‌کند و توضیح می‌دهد که عدالت اجتماعی یعنی در جامعه نوعی توازن برقرار باشد و عدالت به معنای مساوات مطلق نیست که همه به یک میزان کاملاً یکسان بهره‌مند باشند اما

1. <https://www.mehrnews.com/news/4520027/%DB%B2%DB%B6>

۲. صحیفه امام، ج ۵، ص: ۲۹۲

تفاوت‌ها در معیشت مردم باید متوازن باشد یعنی به‌گونه‌ای نباشد که طبقات اجتماعی و شکاف دهک‌های ثروتمند و فقیر داشته باشید.^۱

شهید صدر: ریزش و انتقال ثروت از طبقات بالاتر به طرف طبقات محروم آن قدر ادامه خواهد یافت تا این سرازیری پر گردد و شکاف مسدود شود و تعادل در سطح زندگی این طبقات ضعیف با سطح عادی مردم حاصل شود و به اصطلاح روایت ابی بصیر «حتی یلحقهم بالناس».

همچنین شهید مطهری نیز در این رابطه می‌نویسد: از نظر سرمایه‌داری می‌تواند اختلاف افراد در ثروت و مالکیت خیلی فاحش باشد. از نظر اسلام، اختلاف فاحشی که منتهی به فقر طبقه دیگر - نه به واسطه بیماری، بلکه به واسطه بیکاری با قلت مزد - بشود، ممکن نیست، جز از طریق ظلم و استثمار^۲.

شهید صدر یک قدم جلوتر می‌رود و از استثماری دیگر سخن می‌گوید. استثمار کارگران و منابع کشورهای فقیر برای جلوگیری از اعتراض کارگران کشورهای سلطه‌گر. ایشان می‌نویسد: این بار غربی‌ها یک تضادی به مراتب بزرگ‌تر از تضاد بین کارگر و سرمایه‌دار به وجود آوردند. در این تضاد عظیم تاریخی سرمایه‌دار و کارگر غربی در یک طرف قرار دارند، اما طرف دیگر چه؟ طرف دیگر این تضاد کشورهای فقیر جهان سومی در آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین هستند. در تضاد جدیدی که دنیا آن را به خود می‌بیند، کشورهای غربی میدان جنگ و بهره‌کشی را از درون سرزمین خودشان به سرزمین‌های فقیر کشاندند و از راه استعمار و بهره‌کشی ملت‌های فقیر، کمی به اوضاع کارگران‌شان سامان دادند. این نعمت‌های سرشار غرب نه از عرق جبین کارگران‌شان بلکه از نفت آسیا و الماس آفریقا و انگور الجزایر است.

و البته مهم‌تر از این تضادها و اختلاف‌ها و به عبارت دیگر ریشه تضادهای بیرونی، تضاد درونی انسان‌هاست که جز از طریق خودسازی و تقوا اصلاح نخواهد شد:

تضاد بین دو طبقه کارگر و سرمایه‌دار به یک تضاد خیلی بزرگ‌تر برمی‌گردد و آن جدال و تضاد درونی یک انسان است. این ابزارها

1. <https://bahmannews.ir/00023s>

۲. مطهری، ۱۳۶۸ الف، ج ۲، ص ۲۲۹.

نیستند که اختلاف طبقاتی ایجاد می‌کنند بلکه انسان‌ها هستند که در آتش این اختلاف‌ها می‌دمند. اشکال نظریه مارکس این است که از تضاد درونی انسان که منشاء این تضاد طبقاتی است، غافل شده است. اگر درصدد اصلاح انسان بریباییم و سعی کنیم انسان را در آن جنگ درونی خودش موفق کنیم، دیگر از جنگ‌ها و تضادهای طبقاتی خلاص می‌شویم.^۱

نکته بسیار مهم این است که هرگاه بخواهیم از شکاف طبقاتی حرف بزنیم و به وجود بی‌عدالتی و تبعیض‌های ناروا اعتراض کنیم عده‌ای می‌گویند این نظرات کمونیستی است و هر انتقادی که به سرمایه‌داری شود را با برچسب کمونیستی بودن رد می‌کنند. این ماجرا سر درازی دارد تا جایی که بارها امام خمینی در این رابطه سخن می‌گویند و می‌نویسند:

نمی‌شود به خواست عده‌ای طرفدار زمین‌خواران به همان منوال بماند. جنابعالی (آیت الله گلیپایگانی) مطمئن باشید که خطر در این طرف بسیار است و در آن طرف خطری نیست بلکه به حکم ثانوی شرع محدودیت‌هایی صورت می‌گیرد؛ که با ترک آن خطرهای عظیمی در کار است. و جنابعالی مطمئن باشید که نه مجلسیان به حسب نوع و نه دولت متمایل به چپ است و نه اعمالی که می‌شود چپی است و من امیدوارم که با نظارت علمای اعلام بلاد چیزی که بر خلاف احکام شرع باشد چه احکام اولیه پس از موارد مذکور و چه احکام ثانویه، خطری پیش نیاید.

ای کاش طرز رفتار و افکار سرمایه‌داران بزرگ و نیز زمین‌خواران غیر مشروع و دارندگان آپارتمان‌های بسیار، که بی‌تعهد به احکام اسلام به طور نامشروع به دست آورده‌اند و امروز با حساب دقیق، ملک طلق اسلام است که باید صرف مصالح اسلام و مسلمین شود و به مستمندان که با عسرت و ذلت به سر می‌برند باید رسیدگی شود، به سمع مبارک می‌رساندند تا معلوم شود چه مصیبت‌هایی بر اسلام و مسلمین می‌گذرد. اکثر قریب به تمام مساکین اجاره‌ای از این قشر است که با رسیدگی فقهی باید از آن‌ها مصادره شود، و کم کسی است که معتقد به اسلام و متعهد به آن باشد

۱. سنت‌های تاریخ در قرآن، شهید صدر، ص ۲۸۹.

و حاضر شود در سرمای زمستان و گرمای طاقت فرسای تابستان، یک عده زن و بچه بی‌پناه را برای سودجویی هر چه بیشتر از خانه بیرون براند و در معرض تلف اطفال آنان گذارد. آن قشر که این اعمال غیرانسانی را به اسم اسلام جلوه می‌دهند، آن‌ها هستند که یا به اسلام عقیده ندارند، یا عمل به احکام نکرده‌اند، و با تشبث به اسلام و قانون می‌خواهند به اعمال فاسد خود ادامه دهند.

از نظر شهید صدر کنترل انگیزه‌های شخصی نه در نظام سرمایه‌داری ممکن است و نه در نظام‌های مارکسیستی!

تنها دین است که می‌تواند این انگیزه‌ها را کنترل و در مسیر درست هدایت کند:

«اگر انگیزه شخصی می‌تواند در جامعه سرمایه‌داری خود را به شکل مالکیت خصوصی و تضاد طبقاتی نشان دهد، همچنین می‌تواند خود را در جامعه مارکسیستی به شکل اداره خصوصی، مرکزیت قدرت و تضاد حزبی به منصف ظهور برساند، چنانکه تاریخ تجربه مارکسیستی جدید گواه این حقیقت است.

بنابراین، انگیزه شخصی، حقیقتی است که نمی‌توان آن را از طریق قانونی در روابط اجتماعی از بین برد و همچنین نمی‌توان به تضاد بین آن با منافع اجتماعی کردن نهاد. نظام اسلامی مشکل این تضاد را با ایجاد پیوند و سازگاری بین دو قطب متضاد برطرف می‌کند؛ نظام اسلامی بدون آنکه در پی متزلزل کردن انگیزه شخصی باشد یا به نابودی آن فکر کند، با استفاده از دین به این انگیزه، مفهوم تربیتی جدیدی می‌دهد که با منافع اجتماعی و ارزش‌ها و آرمان‌های آن هماهنگی کامل دارد.»^۱

اما قطعاً برای مردم عجیب است که بدانند برخی از اقتصاددانان لیبرال (به‌ویژه آنارکو-کاپیتالیست‌ها و لیبرترین‌ها) اعتقاد دارند که اساساً شکاف طبقاتی و تبعیض و... می‌تواند عین عدالت باشد. این‌ها می‌گویند در بازار آزاد رها شده که در آن انسان‌ها به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام بر سر دریدن لاشه دنیا با هم رقابت می‌کنند هرکسی قارون شد نوش جانش و هرکسی فقیر ماند تقصیر خود اوست. در منظومه فکری اینها حتی مالیات گرفتن از ثروتمندان نیز ظلم است و اساساً چیزی به نام حکومت و دولت نباید وجود داشته باشد. نکته تأسف‌آورتر این است که در دنیای امروز حتی این بازار آزاد رقابتی هم

۱. شهید صدر، ص ۱۳۳

وجود ندارد و فقط تعداد اندکی انحصارگر در این بازار آزاد! جولان می‌دهند. نتیجه این تفکر باعث شده که در آمریکا تا سال ۲۰۱۶، خانواده‌های با درآمد بالا ۷/۴ برابر بیشتر از خانواده‌های با درآمد متوسط و ۷۵ برابر بیشتر از خانواده‌های کم درآمد ثروت داشتند در حالی که در ایران در بدترین حالت این عدد حدود ۲۰ برابر است.^۱

بررسی گزارش مرکز آمار، درباره نسبت هزینه‌ای پردرآمدترین و کم‌درآمدترین بخش جمعیتی در سال ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۹ حاکی از آن است که نسبت هزینه ۱۰ درصد پردرآمدترین به ۱۰ درصد کم‌درآمدترین جمعیت ایران از ۱۳۰۶۹ به ۱۳۰۹۶ افزایش یافته است.^۲

البته همین حد از شکاف طبقاتی هم برای نظام جمهوری اسلامی ایران مناسب نیست و میراث ساختارهای ظالمانه قبل از انقلاب و نفوذ لیبرال‌ها در بدنه حاکمیت و تصمیم‌سازی جمهوری اسلامی است.

از نظر استادان اقتصاد اسلامی در ایران شکاف طبقاتی و فاصله طبقاتی مطلوب نیست. باید این جمله شهید بهشتی رحمت الله علیه را به خاطر داشت که می‌فرمودند جامعه‌ای که در یک طرف آن گرسنگان و در طرف دیگر سیران باشند، اگر آن جامعه با قرآن هم پوشانده شود باز هم لجن است.

اما آیا جامعه جمهوری اسلامی کنونی همان جامعه لجن است؟ قطعاً خیر. درست است که شکاف طبقاتی در ایران وجود دارد ولی در این وضعیت نسبت به بسیاری از کشورهای دنیا وضعیت بهتری داریم. به عنوان مثال در اواخر دوره اول ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد ضریب جینی به ۰/۳۶ رسید، یعنی جزو بهترین کشورها در مسئله شکاف طبقاتی و اجتماعی شدیم. این اتفاق در ایرانی افتاده است که درگیر یک جنگ تمام عیار اقتصادی بوده است. البته در دولت ریاست جمهوری روحانی این ضریب بالا آمد، ولی سیر ضریب جینی و شکاف طبقاتی در ایران از اول انقلاب کاملاً نزولی بوده و در همین مدت در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته ضریب جینی افزایشی بوده است.^{۳/۴}

1. <https://www.pewresearch.org/social-trends/2020/01/09/trends-in-income-and-wealth-inequality/>
2. <https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1389/zarib/20jini-89-94.pdf>
3. <https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1392/tozi/20daramad88-92.pdf>
4. <https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1389/zarib/20jini-89-94.pdf>
4. <https://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1392/tozi/20daramad88-92.pdf>



رابطه دولت‌ها و اقتصاد

به نظرتون تفاوتی بین دولت‌ها توی جمهوری اسلامی هست؟! اصلاً مگه فرقی هم می‌کنه کدوم دولت سرِ کار باشه؟! واقعاً نقش دولت‌ها توی اقتصاد چیه؟ اصلاً فرقی نمیکنه کی رئیس جمهور باشه؟ هر کی که میاد اوضاع همون اوضاع قبلیه! ما که تفاوتی احساس نمی‌کنیم! تازه بدتر هم شده. بگید ما نمیتونیم و خلاصمون کنید!



یکی از اساسی‌ترین گفته‌های مردم این است که هر رئیس‌جمهوری که بیاید این مشکلات را داریم. بنابراین، دیگر به پای صندوق‌های رأی نمی‌آییم و رئیس‌جمهور برای خودمان انتخاب نمی‌کنیم.»

سخن این است که به هر دولتی نقد وارد است و مشکلاتی را تجربه می‌کنیم، ولی رئیس‌جمهور چه کسی باشد خیلی فرق می‌کند. به‌عنوان مثال، در تجربه سه دولت اخیر، در دولت نهم و دهم خودکفایی گندم را جشن گرفتیم، اما در دولت یازدهم و دوازدهم وضعیت افت پیدا کرد؛ و اولین جراحی اقتصادی دولت سیزدهم به واردات گندم و نهادهای دامی مربوط بود. در دولت نهم و دهم مسکن مهر برای مردم خانه ساخت و مردم خانه‌دار شدند، در دولت یازدهم و دوازدهم حتی یک مسکن هم توسط شخصی مثل آخوندی برای مردم ساخته نشد و با شروع دولت سیزدهم ساخت چهار میلیون مسکن برای مردم آغاز شد. در دولت نهم و دهم، نزدیک به دو میلیون گردش خودرو داشتیم، این عدد در دولت یازدهم و دوازدهم به هفتصد هزار کاهش پیدا کرد؛ اما با تغییر رئیس‌جمهور در دولت سیزدهم به یک میلیون خودرو رسید.

خیلی فرق می‌کند رئیس‌جمهور چه کسی باشد. وقتی دولت عوض می‌شود، فقط با عوض شدن رئیس‌جمهور و رویکرد دولت‌ها مثلاً رتبه‌بندی معلم‌ها انجام می‌شود، یک میلیون شغل در سال ایجاد می‌شود، پیمان‌های بین‌المللی بزرگ و دستاوردهای استراتژیک سیاسی بین‌المللی مثل شانگهای و توافق با چین و روسیه اتفاق می‌افتد، میزان فروش نفت تغییر پیدا می‌کند، حقوق و دستمزد کارگرها تغییر می‌کند، میزان



یاران‌ها تغییر می‌کند، بهداشت و درمان و بیمه همگانی تغییر می‌یابد، ناوگان‌های عمومی ما در عرصه درون‌شهری و برون‌شهری تغییر پیدا می‌کند.

تهران دولت نهم و دهم را با دولت یازدهم و دوازدهم و همین‌طور با دولت سیزدهم مقایسه کنید! نظام شهرسازی تغییر پیدا می‌کند و واقعاً فرق می‌کند رئیس‌جمهور چه کسی باشد. هر وقت مردم رویکرد انقلابی را در انتخابات اتخاذ می‌کنند این تغییر را حس کرده‌اند. لازم به ذکر است که، با این حال مشکلات اقتصادی را هم تجربه می‌کنیم که باید دست به دست هم دهیم و با مطالبه درست به دولت‌ها این مشکل را حل کنیم.

اقتصاد ایران در دوران همه دولت‌ها و با تغییر همه دولت‌ها مسیر پیشرفت خودش را داشته است و فقط تغییر دولت‌ها توانسته در سرعت پیشرفت ایران تأثیر بگذارد یا گاهی اوقات موانعی را برای پیشرفت از سر راه بردارد یا یک مقداری موانع را زیاد کند.

علت اینکه چرا با تغییر دولت‌ها این پیشرفت ادامه داشته است، این است که اساساً اقتصاد ایران اقتصادی مردمی است و دولت هم یک دولت مردمی است؛ یعنی ما مثلاً از سه میلیون نفر افرادی که در دولت فعالیت می‌کنند، وقتی دولت‌ها تغییر می‌کنند، تعداد محدودی از آن‌ها ممکن است جابه‌جا شوند اما در اصل بدنه اصلی دولت، مردم و کارمندان خوب ما هستند و مدیران خوب بخش‌های میانی هستند؛ آن‌ها هستند که کار را پیش می‌برند.

اما بخش غیردولتی یعنی مردم، با وجود سختی‌ها و عدم وجود این‌ها در دولت‌های مختلف کار را پیش می‌برند؛ فلذا جمهوری اسلامی در ۴۴ سال گذشته دائماً در حال پیشرفت بوده، ولی حالا ممکن سرعتش کم‌وزیاد شده باشد؛ اما حقیقتاً تغییر دولت‌ها در سرعت پیشرفت تأثیر داشته است.

مثلاً آقای احمدی‌نژاد می‌آید و مسکن مهر را می‌سازد و رابطه خارجی ایران را با کشورهای غیر سلطه‌گر بهتر می‌کند یا در دوران ریاست‌جمهوری آقای روحانی، همه اقتصاد گره‌زده می‌شود به مسئله برجام و رابطه با آمریکا. این دو تا واقعاً متفاوت‌اند

و شما می‌بینید دستاورد متفاوتی دارند، اینکه در دولت آقای رئیسی اتفاقات بسیار خوبی می‌افتد، اینکه در رابطه با ارتباط با کشورهای همسایه و صادرات نفت و در رابطه با برگشت ارز صادراتی به کشور در رابطه با فقرزدایی و محرومیت‌زدایی، در رابطه با ساخت مسکن و خودرو اتفاقات خوبی می‌افتد، این‌ها یعنی بودونبود تغییر دولت‌ها کاملاً تأثیرگذار است؛ البته این‌ها در سرعت پیشرفت تأثیر دارند نه در اصل پیشرفت.





۶

دولت انقلابی و تورم؟!

ما به این دولت رأی ندادیم که مشکلات اقتصادی و تورم رو دوباره تجربه کنیم! این چه وضع تَورمه؟! چرا سفره‌های ما روز به روز کوچک‌تر می‌شه؟! مگه دولت جدید، مخالف دولت قبلی نیست؟! پس چرا این همه تورم و گرونی ادامه داره?!



مردم می‌گویند: «به این دولت رأی ندادیم که مشکلات اقتصادی و تورم را تجربه کنیم. این چه وضع تورم است؟ وقتی این قبیل مسائل و مشکلات را می‌بینید، تعجب می‌کنید و به دنبال پاسخ این سؤال هستید که چرا در دوران ریاست جمهوری آقای رئیسی، این اتفاقات همچنان پابرجاست؟! فرض کنید شما به جای آقای رئیسی باشید، مشکلات اقتصادی را چگونه حل می‌کنید؟ تنها پاسخی که مردم به این سؤال می‌دهند این است که به سراغ اقتصاددان می‌رویم. بله، آقای رئیسی نیز به سراغ اقتصاددان‌ها رفته است. این گفته اقتصاددان‌هاست که نان و بنزین و... باید گران شود، ارزش ترجیحی و یارانه‌ها باید حذف شود، دستمزدها متناسب با تورم بالا نرود و صدها حرف دیگر که آقای رئیسی به برخی از این راهکارهای کارشناسان و متخصصان عمل کرده است.

برخی فکر می‌کنند که اقتصاددان‌ها می‌گویند دلار باید ده هزار تومان شود. خیر، بلکه آن‌ها مدعی هستند که دلار باید ۵۰، ۶۰ و یا ۷۰ تومان باشد. مردم می‌گویند اما با بالا رفتن دلار زندگی‌ها بدتر و سفره‌ها کوچک‌تر می‌شود و حرفشان هم درست است اما علم اقتصاد همین را است و اقتصاددان‌ها همین را می‌گویند. ۳/۲/۱

نکته این است که بدنه کارشناسی دولت به این راحتی قابل تغییر نیست؛ دولت نمی‌تواند فلان دانشگاه یا دانشکده اقتصادی را تعطیل کند. البته آقای احمدی‌نژاد در یک دوره از ریاست جمهوری این کار را کرد و با همین کار توانست چهار میلیون مسکن بسازد!!!

1. <https://www.tabnak.ir/fa/news/1082613>
2. <https://www.khabaronline.ir/news/1711912>
3. <https://www.mardomsalari.ir/news/187790>

یکی از موانع جدی رویکردهای انقلابی و عملکرد انقلابی دولت، بدنه کارشناسی است؛ یعنی من و شما که محصل دانشگاه هستیم و استاد دانشگاه شده‌ایم، وارد یک ساختار کارشناسی می‌شویم و می‌گوییم که نان ارزان است و باید گران شود، انرژی و برق و بنزین ارزان است و مردم خیلی اسراف می‌کنند و این‌ها هم باید گران شود. نرخ دلار پایین است و باید بالا برود و... وقتی یک اقتصاددان می‌گوید که علم اقتصاد نشان داده که باید قیمت‌ها جهانی شود می‌گوییم: اولاً این چنین چیزی در اقتصاد وجود ندارد که باید قیمت‌ها جهانی شود! و این حرف یک حرف کاملاً ایدئولوژیک است نه حرف علمی. ثانیاً، مگر شما نمی‌گفتید من علم هستم و کاری به «باید»‌ها ندارم! چرا یک دفعه حرف‌های نتولیرال‌ها را مثل آیات قرآن و وحی منزل آورده‌اید و در مورد آن بحث و از آن حمایت می‌کنید؟ ثالثاً جهانی‌شدن قیمت‌ها یعنی چه؟ کدام قیمت در دنیا جهانی است؟ قیمت جهانی یعنی قیمت کجا؟

اگر همه قیمت‌ها یکسان شود که تجارتي شکل نمی‌گیرد! این تفاوت قیمت‌ها علت اصلی تجارت است. این تفاوت قیمت‌ها برای کشور مزیت ایجاد می‌کند و اگر بخواهیم این تفاوت را از بین ببریم و مواد اولیه را به قیمت‌های جهانی به تولیدکننده داخلی بفروشیم در حقیقت او را نابود کرده‌ایم و به نفع تولیدکنندگان کشورهای دیگر عمل شده است.

علم اقتصاد یا اقتصاد علم‌نما؟

دعوای علم و ایدئولوژی از قدیم‌الایام وجود داشته است. برخی از افراد در جاهای متفاوت از جمله حوزه و دانشگاه ادعا می‌کنند حرفشان علمی است و ایدئولوژیک نیست؛ به خصوص در علم اقتصاد (در حوزه علوم انسانی) این سخن بسیار پُر تکرار و پُر کاربرد است. آیا اقتصاد یک علم تجربی محض (پوزیتیویستی) است و گزاره‌های اثباتی دارد و هیچ مبنای ایدئولوژیکی پشت آن قرار ندارد؟ البته که این سخن اشتباهی است که هیچ‌کدام از اقتصاددانان بزرگ دنیا هم آن را قبول ندارند؛ بلکه به تأثیر ارزش‌ها و مبانی ایدئولوژیک در ساختار دانش اقتصاد را اعتراف دارند.

در صورتی که بخواهیم کمی دقیق‌تر راجع به این موضوع صحبت کنیم، باید گزاره‌ها را به دو دسته گزاره‌های اثباتی و گزاره‌های هنجاری تقسیم کنیم:

- مادر تمام گزاره‌های اثباتی امتناع اجتماع نقیضین است؛ یعنی همان‌که می‌گوییم جمع نقیضین محال است و اگر در مراحل استدلال منطقی، این اصل نقض شود، می‌گوییم این حرف منطقی نیست و نادرست است؛ مگر اینکه سوفسطایی باشیم.

- مادر تمام گزاره‌های هنجاری حسن عدالت و قبح ظلم است؛ یعنی هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که مخالف عدالت هستم و ظلم خوب است، ولو اینکه خودش ظلم کند. در اصل، این‌گونه است که امیرالمؤمنین علیه السلام، امام حسین علیه السلام و حاج قاسم می‌گویند عدالت؛ معاویه و شمر نیز می‌گویند عدالت. اگر از هر فرد ظالمی علت ظلم کردن او را بپرسید، در جواب می‌گوید من ظلم نمی‌کنم. هیچ‌کس قبول نمی‌کند که ظالم است. فرد محکوم در دادگاه به قاضی نمی‌گوید چرا عادلانه با من برخورد می‌کنی. حتی آن فرد مجرم نیز برای اعتراض می‌گوید که حکم قاضی ناعادلانه است. لذا تمام انسان‌ها حسن عدالت و قبح ظلم را قبول دارند و هیچ مصداق خلافی ندارد. فردی که ظلم می‌کند نیز آن را توجیه می‌کند و همین توجیه سند اعتقاد او به حسن عدالت است.

حال سؤال اینجاست که آیا علوم انسانی و علوم اجتماعی دنبال هدفی به غیر از عدالت است؟

اگر شما یک اقتصاددان و یا وزیر اقتصاد باشید، مثلاً می‌گویید باید فلان سیاست را اعمال کنیم. وقتی از شما می‌پرسند چرا؟ سعی می‌کنید بر اساس نظریه عدالت خودتان آن سیاست را توجیه کنید. مثلاً می‌گویید: چون ۱۰ درصد تورم را پایین می‌آورد و البته یک درصد ضریب جینی^۱ را بالا می‌برد. حال فرض کنید یک حالت دیگری هم وجود دارد که ۵ درصد تورم را بالا می‌برد و ۱ درصد ضریب جینی پایین می‌آید و شکاف طبقاتی کم می‌شود. انتخاب بین این دو سیاست یک انتخاب ارزشی و ایدئولوژیک است؟ ممکن نیست اقتصاددانی بگوید فلان کار را باید انجام دهیم و

۱. ضریب جینی شاخص شکاف طبقاتی است.

بعد بگوید حرف من ایدئولوژیک نیست، بلکه علمی است. خیر، حرف او ایدئولوژیک است. فلذا این ادعای علم بدون ایدئولوژی معنا ندارد و هیچیک از اقتصاددانان بزرگ دنیا نیز اعتقاد ندارند که اقتصاد، علم خالی از مبانی ارزشی است. این همان چیزی است که مرحوم آیت‌الله حائری شیرازی می‌گوید که علم اقتصاد سرمایه‌داری در حقیقت رساله عملیه یهود است که خود را پشت واژه علم پنهان کرده است.^۱

واژه economy در قرن پانزدهم از فرانسوی وارد انگلیسی شده است و به معنای «تدبیر منابع مادی» است که پیش از آن از واژه oikonomia به معنای تدبیر منزل گرفته شده است.

متفکران فرانسوی با افزودن واژه political به ابتدای آن، علم «اقتصاد سیاسی» را پایه‌گذاری کردند که در واقع به دنبال «تدبیر منابع مادی ثروت در سطح یک شهر یا دولت ملت (کشور به معنای مدرن)» است.

بعدها اقتصاددانان لیبرال برای فرار از انتقادهای مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌ها، تلاش کردند اقتصاد سیاسی را به دو شاخه اقتصاد سیاسی محض و اقتصاد سیاسی اجتماعی تقسیم کنند و با تشبیه اقتصاد سیاسی محض به علوم طبیعی، چیزی به نام #علم-اقتصاد را ابداع کردند که با تکیه بر ریاضیات و آمار، مبانی ارزشی و هنجاری خود را پنهان کنند.

اگرچه امروزه با تطوراتی که در مباحث علم‌شناسی رخ داده است، امکان و ضرورت

۱. علوم انسانی، در واقع «رساله» است. این رساله عملیه است که از غرب می‌آید و در داخل شما اسمش را می‌گذارید کتاب جامعه‌شناسی و فکر و خیالتان راحت می‌شود! خیر، اینها رساله عملیه هستند. بانکداری‌تان علم بانکداری است یا رساله عملیه بانکداری؟ شما رساله‌ها را آرم علم زده‌اید و نفس این عمل اشتباه است. رساله که علم نیست. رساله فتوی است و علوم انسانی هم فتوی است. اینکه در روایات داریم که مسلمان‌ها در آخرالزمان احکامشان را از علمای یهود و نصارا می‌گیرند، معنایش همین است. آیا شما منتظرید که یک رساله از طرف آن‌ها بیاید که اسمش توضیح المسائل باشد؟! این‌طور نیست! رساله آمده است! سال‌هاست که آمده و دارد اجرا می‌شود. همین علوم انسانی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، رساله عملیه آنهاست. اینکه وزارت اقتصاد ما، وزارت کشور ما، وزارت ارشاد ما، مسائل را بر مبنای علوم انسانی آن‌ها حل می‌کنند، این همان رساله عملیه آنهاست. رساله عملیه هرکسی متناسب با خودش است. مفتی آن‌ها هم دانشمندان علوم انسانی هستند.

چیزی به نام «علم محض» که عاری از هر گونه ارزش و قضاوت باشد از بین رفته است و هیچ عالم و فیلسوفی در دنیا از آن دفاع نمی‌کند، اما همچنان در کتاب‌های درسی اقتصاد و به‌ویژه در پژوهش‌های اقتصادی به زبان فارسی، چنین تلقی #علم-زده‌ای از دانش اقتصاد سیاسی وجود دارد!

متأسفانه این تلقی علم‌زده، در میان سیاستمداران هم رسوخ کرده است و عده‌ای اقتصاد‌نخوانده یا مهندسان اقتصاد‌خوانده تصور می‌کنند آنچه به عنوان #علم-اقتصاد در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، مانند علوم طبیعی، قواعدی جهان‌شمول و فارغ از ایدئولوژی و تاریخ و جامعه ارائه می‌دهند و اگر این قواعد و نظریات را در هر کشوری به کار ببندیم، آن کشور به بهترین نحو اداره خواهد شد!

در مقابل هرچه استدلال بیاورید که این نظریات اقتصادی مشحون از تعلقات و باورها و ارزش‌هاست، جز بی‌اعتنایی و تمسخر چیزی عایدتان نمی‌شود، اما همین‌که از دایرهٔ زبان فارسی و کتب درسی اقتصاد خارج می‌شوید، متوجه می‌شوید که این تلقی چقدر مضحک و منسوخ است!^۱

آیا اقتصاد اسلامی علم است؟

بیش از شصت-هفتاد سال است (از زمان نگارش اقتصادنا توسط شهیدصدر) که جامعهٔ روشنفکران غرب‌زده گاه‌وبیگاه سوآلی تکراری را مطرح می‌کنند و با گل‌آلودکردن آب، ماهیگیری می‌کنند: آیا چیزی به نام «اقتصاد اسلامی» داریم؟ کاری به اغراض سیاسی یا منافع اقتصادی مطرح‌کنندگان این شبهه ندارم، اما به محض مطرح‌شدن این شبهه، تعداد زیادی از متفکران در سطوح مختلف سعی در پاس‌خگویی به این شبهه می‌کنند و هر کدام به نحوی از انحا تلاش می‌کند نشان دهد که بله، چیزی به نام اقتصاد اسلامی داریم؛ حالا این «چیز» ممکن است از جنس «علم» نباشد اما قطعاً از جنس مکتب است، همان‌طور که مکتب سرمایه‌داری و سوسیالیسم داریم. اما هیچ‌کس نمی‌پرسد که آیا اساساً چیزی به نام #علم-اقتصاد داریم؟ این چیز کجاست؟ کدام #علم؟

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، شما را به مطالعه مقالهٔ زیر از دونالد مک‌لاسکی ارجاع می‌دهم:

<http://ensani.ir/fa/article/262859> /خطابه-علم-اقتصاد

در نگاه اول، کسانی که این سؤال برایشان عجیب است، در ذهن خود آنچه در دانشگاه‌ها و کلاس‌های درسی تحت عنوان اقتصاد خرد و اقتصاد کلان و اقتصادسنجی تدریس می‌شود را «علم» اقتصاد می‌دانند و لذا جواب سؤال برایشان روشن است: بله، علم اقتصاد داریم و منظور از آن، #اقتصاد اثباتی است!

برای این‌که بحث روشن‌تر شود، باید به چند سؤال پاسخ دهیم: اولاً منظور ما از علم چیست؟

اگر علم یعنی معرفتی که از هست‌ها و واقعیت‌های مشاهده‌شده (facts) سخن می‌گوید، باید به‌عنوان مدرس دانشگاه که سال‌هاست اقتصاد خوانده و تدریس کرده‌ام بپرسم که در اقتصاد خرد و اقتصاد کلان از کدام «واقعیت» و از کدام «هست» سخن می‌گوییم؟ آیا واقعیت‌های مشاهده‌شده و به‌اصطلاح هست‌های اقتصادی به‌صورت لخت و عریان در صحنه عینیت حضور دارند و ما کافیست چشمان را باز کنیم تا آن‌ها را ببینیم یا اینکه این واقعیت‌ها آن چیزهایی هستند که «ما می‌بینیم» نه آنچه در خارج هست. همواره «ما» به همراه تمام تعلقات و باورها و ذهنیت‌هایمان به‌عنوان حد واسط آنچه درواقع وجود دارد و آنچه به‌عنوان گزاره‌ای علمی یا اثباتی (positive) از آن یاد می‌شود، قرار داریم. به بیان ساده‌تر، هیچ گزاره‌ای اثباتی در اقتصاد فارغ از باورها و تعلقات و ذهنیت‌های اقتصاددان نیست. البته منشأ این باورها و تعلقات هر چیزی می‌تواند باشد: جامعه، تاریخ، طبقه اجتماعی، فرهنگ و البته دین الهی.

کسی که اندک مطالعه‌ای در ساحت فلسفه اقتصاد یا فلسفه علم یا معرفت‌شناسی داشته باشد می‌داند که واقع‌بما هو واقع قابل‌شناخت و تبیین بدون هرگونه جهت‌گیری اخلاقی و هنجاری نیست، یا لاقلاً در آن تردیدها و مناقشات و مناظرات فراوان و بنیادینی وجود دارد.

ثانیاً موضوع مطالعات اقتصادی چیست؟ نباید این واقعیت را انکار کرد که گزاره‌ها و آموزه‌های اقتصادی، به‌تبع گزاره‌ها و آموزه‌های انسانی و اجتماعی، محصول مشاهدات و گزارش‌ها و روایت‌های تاریخی و جامعه‌شناختی است و گمان می‌کنم برای خوانندگان محترم اینقدر بدیهی باشد که این گزارش‌ها و روایت‌ها چقدر

می‌تواند جهت‌دار و بعضاً متعارض یا متناقض باشد که دیگر نیازی به توضیح در این باره نباشد.

ثالثاً بیابید به جای این‌که به دنبال اثبات وجود چیزی به نام اقتصاد اسلامی باشیم، سؤال بنیادین‌تری پرسیم و آن اینکه مگر ما چیزی به نام علم اقتصاد داریم؟ یعنی آیا گزاره‌های بنیادین مکتب لیبرالیسم «علمی» اند؟ مثلاً اینکه «بازار آزاد یا رقابت کامل می‌تواند بیشترین کارایی را برای اقتصاد فراهم کند» گزاره‌ای حاکی از واقع و عاری از هرگونه قضاوت هنجاری است؟ یا مثلاً نظریهٔ مقداری پول که حجم پول در گردش را با سطح عمومی قیمت‌ها مرتبط می‌کند، گزاره‌ای اثباتی و فارغ از هرگونه دعاوی هنجاری و ایدئولوژیک است؟ یا نظریهٔ عمومی کینز یا تعادل عمومی والراس یا نظریهٔ مطلوبیت نهایی یا نظریهٔ رفتار مصرف‌کننده یا نظریهٔ رفتار تولیدکننده یا نظریات رفاه؛ کدامشان از کدام «واقعیت عینی» سخن می‌گویند؟

آیا جز این است که تمامی این نظریاتی که در کلاس‌های اقتصاد می‌خوانیم و درس می‌دهیم هر کدام به نحوی به دنبال تنظیم امور اقتصادی هستند؟ و آیا جز این است که هر کدام از این‌ها از نوع #حکم و #فتوا هستند و امری را #حلال و عمل بر خلاف آن را #حرام می‌کنند؟ مگر نه این است که از نگاه طرفداران اقتصاد رایج، رسیدن به نقطهٔ کارای پارتویی #واجب است؟ مگر نه این است که در مواقع تراحم میان برابری و کارایی، از قواعد رفع تراحم استفاده می‌شود؟ و مگر غیراز این است که تمام اقتصاد خرد، فقه استدلالی برای اثبات کارایی بازار کاملاً رقابتی در توزیع «بهینه» کالاهای خصوصی است و نهایتاً فتوای آقای آلفرد مارشال را در وجوب رساندن اقتصاد به نقطهٔ تعادل عرضه و تقاضا مستدل و مستند می‌کند؟ به بیان صریح و ساده، تمام آنچه به عنوان «علم اقتصاد» تبلیغ و ترویج می‌شود، چیزی نیست جز فتوای فقهی علمای لیبرال دربارهٔ تعاملات اقتصادی جامعه خودشان و سلطه بر کشورهای دیگر؟!

بزک‌کردن تئوری‌های لیبرالی یا نئولیبرالی و خوراندن آن به اسم «علم اقتصاد» و «عقلانیت اقتصادی» بیش از صد سال است که مشکلی از اقتصاد بیمار ما را حل نکرده است؛ این واقعیتی است که منکران حقایق تاریخی و تجارب اجتماعی،

نمی‌خواهند بپذیرند و از این نظر، اتهامی که به خودشان وارد است به سمت دیگران منحرف می‌کنند!

جنگ با نظام سرمایه داری، همینه دیگه!

برای توضیح نظام سرمایه‌داری، ابتدا باید بدانیم در مقابل چه نظامی قیام کرده‌ایم. به قول مقام معظم رهبری ما یک ملت معترض هستیم. در بین کشورهای دنیا که یک عده سلطه‌گر و یک عده سلطه‌پذیر هستند، جمهوری اسلامی یک حکومت معترض است. به چه چیزی اعتراض می‌کند؟ حضرت آقا می‌فرمایند: «دنیای امروز دنیای بدی است... دنیای حاکمیت بی‌قیدوشرط سرمایه است.»

بیباید برای شناخت و تجسم سیستمی تحت عنوان کاپیتالیسم از یک نقطه این سیستم شروع کنیم. مثلاً نقطه رسانه! اگر شما به یک صفحه اینترنتی نگاه کنید اتفاق خاصی در جامعه نمی‌افتد. اما اگر جمعیت انبوهی (مثلاً یک میلیارد نفر) به همان صفحه نگاه کنند، آنوقت این نگاه‌ها تبدیل به یک قدرت رسانه‌ای در اختیار مالک آن صفحه می‌شود!

وقتی آن شخص قدرت رسانه‌ای پیدا کرد، می‌تواند از آن کسب درآمد کند. چگونه؟! مالک رسانه توجه مردم را به بنگاه‌های اقتصادی می‌فروشد. در ادامه وقتی که رسانه‌های جمعی^۲، یعنی رسانه‌های با مخاطب انبوه به وجود آمد، این رسانه‌ها با تبلیغات فروشی مصرف انبوه را رقم می‌زنند. حالا شما با مصرف انبوه یک برند خاص مواجه هستید و تقاضای عظیمی برای خرید یک کالای خاص به وجود آمده است. تصور کنید میلیاردها انسان خواستار خرید یک کالا هستند که نام و نشان آن روی پیراهن یک بازیکن خاص فوتبال در جام جهانی نقش بسته است. در ادامه این شما باید برای تولید میلیاردها عدد از یک برند خاص، تولید انبوه^۳ داشته باشید. ساختار تولید انبوه برای یک کالا در اینجا به وجود می‌آید. اینجاست که برای ساختار

۱. مانند زاکربرگ (مالک فیسبوک) آنقدر قدرت پیدا می‌کند که می‌تواند صفحه رئیس‌جمهور رسمی آمریکا را ببندد. این قدرت خیلی قدرتی بزرگی است و در حکمرانی کاملاً دخالت دارد.

2. Mass media

3. Mass Production

تولید انبوه به تأمین مالی انبوه نیاز دارید. ساختارهای تأمین مالی انبوه، مانند بانک، بورس و... در اینجا وارد عرصه می‌شوند و این سیستم کاپیتالیستی را شکل می‌دهد.

تداول ثروت که خداوند متعال از آن منع کرده است و در قرآن می‌فرماید: «لَا يَكُونُ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»^۱ یکی از اصول اساسی نظام سرمایه‌داری است. یعنی پول از دست مردم خارج شده و در دست تعداد محدودی از افراد قرار می‌گیرد. در شکل فجیع‌تر این ماجرا این انباشت و تکاثر ثروت فقط از طریق تجمیع سرمایه‌های خرد مردم نیست و بانک‌های خصوصی مستقیماً خلق پول می‌کنند. در نهایت تعداد معدودی از افراد کارخانه‌های بزرگی تأسیس کرده و افراد بسیاری را اجیر می‌کنند. افرادی که مجبور و مضطر به کار کردن با حداقل دستمزد در این بنگاه‌های بزرگ اقتصادی هستند. تولید انبوه شکل می‌گیرد و این تولید انبوه به وسیله رسانه‌های پرنسبازی شده و به مصرف انبوه مردم می‌رسد. سود حاصل از این انحصار از طریق ساختار بانک دوباره بین اغنیاء می‌چرخد و نصیب مردم از این چرخه فقر و تبعیض است. نتیجه این چرخه چیست؟ شکاف طبقاتی عظیمی که در دنیای امروز وجود دارد. این شکاف طبقاتی به هیچ‌وجه قابل‌مقایسه با گذشته نیست و میوه تلخ و فاسد نظام سرمایه‌داری است.

یک اقتصاد

حتماً شنیده‌اید که می‌گویند به جای توزیع یک اقتصاد بین افراد جامعه، باید یک اقتصاد را بین عده‌ای خاص تقسیم کنیم تا آن را بزرگ کنند و سپس سایر افراد جامعه از سرریز آن بهره‌مند شوند. آیا این نظریه درست است؟ این نظریه شاید بنیادی‌ترین نظریه اقتصادی باشد که امروز ساختار اقتصادی دنیا بر اساس آن شکل گرفته است. نظریه‌ای که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به بیان‌های مختلف با آن مخالفت شده و راهکار عادلانه تولید و توزیع ثروت در اصول اقتصادی قانون اساسی طرح شده است.

همان‌طور که بیان شد در نظام سرمایه‌داری تداول ثروت بین اغنیاء را نتیجه ظلم

۱. حشر، آیه ۵۹.

نظام سرمایه‌داری می‌دانیم و اگر مثلاً راجع به بانک صحبت می‌کنیم، باید بدانیم این‌گونه نیست که با اسلامی کردن تعدادی از عقود و قراردادهای درون بانک، یک بانک اسلامی شود. این اشتباه است! بانک می‌تواند ربا نداشته باشد و خلق پول و بنگاه‌داری هم نکند، ولی باز بانک سرمایه‌داری باشد.

اینجاست که شهید مطهری می‌فرماید باید ذیل نظام و ساختار این‌ها را بررسی کنیم. یعنی ابتدا مجتهد باید کل ساختار را اجتهاد کند و سپس پدیده‌های ذیل آن را بررسی نماید.^۱

اقتصاد دستوری؛ اسم رمز بحران

دائماً اقتصاددان‌ها می‌گویند اقتصاد دستوری بد است. در دانش اقتصاد وقتی صحبت از اقتصاد آزاد و عدم قیمت‌گذاری می‌شود، به آن بازار آزاد رقابتی می‌گویند. در تعریف بازار رقابتی^۲ افرادی که با یکدیگر رقابت می‌کنند باید بسیار زیاد باشند و هیچ‌کدام سهم عمده‌ای از بازار را نداشته باشند. اما این حرف در بازار و اقتصاد امروز دنیا حرف مضحکی است. تقریباً در تمام کالاها و خدمات انحصار وجود دارد. به عنوان مثال ۶۰ درصد از تولید زپ در دنیا (نه در یک کشور) در انحصار یک شرکت است.^۳

۱. فقهای عصر از مسائل بانک و بیمه و چک و سفته به عنوان مسائل مستحدثت کم و بیش بحث‌هایی کرده و می‌کنند ولی توجه ندارند که رأس و رئیس مسائل مستحدثه خود سرمایه‌داری است، زیرا ابتدائاً چنین تصور می‌رود که سرمایه‌داری یک موضوع کهنه و قدیمی است که شارع اسلام برای آن حدود و موازینی مقرر کرده است؛ تجارت، اجاره، مستغلات، مزارعه، مضاربه، مساقات، شرکتها، همه اینها سرمایه‌داری است که در اسلام برای آن‌ها احکام و مقرراتی تعیین شده است، اما اینکه مقدار سرمایه کمتر یا بیشتر باشد ربطی به مطلب ندارد. ولی حقیقت مطلب این طور نیست؛ سرمایه‌داری جدید یک پدیده جداگانه و مستقل و بی‌سابقه‌ای است و جداگانه و مستقلاً باید درباره آن اجتهاد کرد. (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۰، ص ۴۸۰)

۲. بازار رقابت کامل بازاری است که تعداد زیادی تولیدکننده و مصرف‌کننده بر سر یک کالای همگن و خاص به دادوستد می‌پردازند. در این نوع بازار سهم هر تولیدکننده از تولید آن کالای خاص اندک است و هیچ‌یک از تولیدکننده‌ها درصد بالایی از سهم بازار را در اختیار ندارند.

۳. شرکت ژاپنی YKK

در اقتصاد سه ساختار انحصاری تعریف می‌شود:

۱. مونوپولی یا انحصار مطلق: اگر صد درصد تولید یک کالا در انحصار یک شرکت باشد، مونوپولی یا انحصار مطلق نامیده می‌شود.

۲. دواپولی یا انحصار دوگانه: اگر انحصار تولید یک کالا برای دو شرکت باشد، دواپولی نامیده شکل گرفته است.

۳. الیگوپولی یا انحصار چندگانه: اگر بیش از دو شرکت یک کالا را تولید کنند اما تعدادشان محدود و مشخص باشد، الیگوپولی یا انحصار چندگانه نامیده می‌شود.

قطعاً به چنین شرایطی نمی‌توان گفت بازار آزاد رقابتی و این عبارت هم مثل بسیاری از شعارهای تمدن غرب از جمله آزادی و حقوق بشر و حقوق زن و دموکراسی و صلح و ... دروغ محض است. در ایران نیز این ساختار انحصاری از قبل انقلاب در برخی از بازارها به وجود آمد و هنوز هم ادامه دارد. اما ویژگی خاص انحصار در ایران این است که دولت ورود کرده است و قطعاً انحصار دولتی از انحصار یک یا چند نفر سرمایه‌دار متفاوت است. تصور کنید اگر در برخی کالاها انحصار دولتی نبود، به محض اینکه کشور با جنگ یا تحریم مواجه می‌شد سرمایه‌داران اموال و دارائی‌هایشان را جمع می‌کردند و از کشور خارج می‌شدند. در مورد رفع انحصار دولتی هم راهکار قطعاً واردات نیست. یعنی اگر در کنار ایران خودرو و سایپا چند شرکت خارجی هم بیایند، باز هم انحصار از بین نمی‌رود و منافع مردم تأمین نخواهد شد. بلکه راهکار فقط و فقط آزادسازی تولید و رفع انحصار است. یعنی اجازه بدهند هرکسی در جامعه توانست خودروی استاندارد تولید کند آن را به مردم بفروشد و شماره‌گذاری شود.

برخی می‌گویند پیامبر گرامی اسلام با قیمت‌گذاری مخالف کرده‌اند و امروز هم دولت نباید در قیمت‌گذاری دخالت کند. اما نمی‌گویند آنجایی که قیمت‌گذاری (تسعیر)^۱ به حکم اولیه حرام است، بازار عادلانه با تعداد زیادی تولیدکننده و

۱. تسعیر در لغت به معنای نرخ گذاشتن و یا ارزش تعیین کردن برای یک کالا یا واحد پول می‌باشد؛ البته در برخی موارد در معنای گران قیمت شدن و ارزش یافتن نیز به کار می‌رود.

فروشنده است نه یک بازار انحصاری! در بازار انحصاری عدم دخالت دولت معنا ندارد؛ بستن دست دولت در بازار انحصاری یعنی سگ را رها کنیم و سنگ را ببندیم. کدام عقل سالمی می‌گوید در بازار انحصاری دست دولت را باید ببندیم و دست انحصارگر را باز بگذاریم که هر کاری دلش می‌خواهد بکند! باید انحصار را از بین برد. پیامبر (ص) حتی جای افراد را در بازار تغییر می‌داد تا یک نفر برای مدت زیادی در یک جای خوب قرار نگیرد. زمانی که انحصار وجود دارد اگر دست دولت را کوتاه کنیم، یعنی یک عده زیر چرخ‌های توسعه له شوند.

در حقیقت کلیدواژه «اقتصاد دستوری» اسم رمز دشمن خارجی و لیبرال‌های داخلی برای فتنه‌انگیزی در کشور است. نمونه‌اش آبان ۹۸ یا حوادث سال ۱۴۰۱ که می‌خوانند «برای این اقتصاد دستوری».

در جواب آن‌ها که از این کلیدواژه استفاده می‌نمایند باید پرسید آیا قیمت‌گذاری توسط دولت برای حمایت از مردم غیرعلمی و بد است ولی قیمت‌گذاری چند سرمایه‌دار در جهت منافع خودشان کاری علمی و شایسته و خوب است؟

اقتصاددان‌ها، مانع و گره‌بان علمی پیشرفت اقتصاد ایران

سال ۱۴۰۱ بعد از سال‌ها که دستمزد کارگران به اندازه تورم افزایش پیدا نکرده بود و سفره و معیشتشان کوچک و کوچک‌تر شده بود، این دستمزد افزایش پیدا کرد و سیاست افزایش ۵۷ درصدی حداقل حقوق کارگران اجرا شد. اقتصاددان‌های لیبرال، سرمایه‌داران ذینفع و رسانه‌های اقتصادی‌شان به شدت با این سیاست مخالفت کردند و آن را باعث ورشکستگی گسترده کارخانه‌ها، افزایش بیکاری، ایجاد تورم و تعدیل نیروی کار گسترده و... دانستند، که کشور را وارد یک بحران اقتصادی خواهد کرد. اما یک سال از اجرای آن سیاست گذشت و دستاوردهای آن سیاست قابل مشاهده است. در بررسی عملکرد این سیاست، می‌بینیم که وعده یک میلیون شغل رئیس‌جمهور با اجرای این سیاست محقق شده است، امسال پایین‌ترین نرخ بیکاری ۱۸ سال اخیر را با نرخ حدود هشت و نیم درصد تجربه کرده‌ایم، پایین‌ترین نرخ بیمه بیکاری را امسال تجربه کرده‌ایم،^۱ یکی از بالاترین نرخ‌های بیمه تأمین اجتماعی را

1. nirooyekar01-3.pdf (amar.org.ir)

امسال تجربه کرده‌ایم، یکی از بیشترین نرخ‌های مشارکت نیروی کار را امسال تجربه کرده‌ایم و می‌بینیم که این سیاست چقدر موفق بوده است! در اینجا لازم است که به اقتصاددان‌ها، رسانه‌های اقتصادی و اتاق بازرگانی و... گفت که مگر نمی‌گفتید این سیاست باعث بحران اقتصادی می‌شود! آیا بعد از مشاهده اثرات مثبت این سیاست نباید کمی نسبت به داشته‌های ظاهراً علمی‌مان شک کنیم؟

مطالبه از دولت آقای رئیسی

آیا آقای رئیسی یا روحانی یا احمدی‌نژاد و... این حرف‌ها را متوجه نمی‌شوند؟ نکته اینجاست که این سؤال معنا ندارد. وزیر اقتصاد و کارشناسان اقتصادی به ریاست جمهور می‌گویند که این کار درست است و باید آن را انجام داد. شما اگر به جای آقای رئیس جمهور باشید، چه می‌کنید؟

البته، شاید نقدی به آقای رئیس جمهور وارد باشد که مردم به شما رأی داده‌اند تا از جریان کارشناسی که تجربه شده هستند و سیاست‌های نئولیبرالی را مطرح می‌کند استفاده نکنید. مردم از شما توقع دارند که به سمت اقتصاد مقاومتی حرکت کنید. اگر از نظرات کارشناسان لیبرال و نئولیبرال استفاده کردید و آن سیاست‌ها اجرایی شد توجیه ندارد. این مطالبه را می‌توانیم در برخی جاها داشته باشیم که دولت فعلی باید به سراغ اساتید اقتصاد اسلامی برود و از آن‌ها راهکار بخواهد. البته راهکار آن‌ها غیر از راهکارهایی که در قانون اساسی وجود دارد و سیاست‌هایی که آقا در بحث اقتصاد مقاومتی بیان کردند اساساً چیز دیگری نخواهد بود.

برای دانلود کتاب در مسیر پیشرفت اسکن کنید.





ماجرای خودرو!

این چه وضعیه واسه خودرو؟! قیمت‌ها که بالاست! حتی از کشورهای همسایه هم بیشتره! قیمت‌گذاری‌ها هم که دستوری شده! مافیا و انحصار خودرو هم که وجود داره! از کیفیت هم که خبری نیست! شما که ادعاتون می‌شه موشک می‌سازین، چطور نمی‌تونین خودرو بسازین؟!!



راه حل: نه انحصار نه واردات! آزادسازی تولید!

یکی از مسائلی که مردم با آن درگیر هستند و گاهی به آن اعتراض می‌کنند، مسئله خودرو (کیفیت، قیمت و...) است. مشکل فعلی صنعت خودرو از ۴ سال پیش شروع می‌شود که تولید خودرو را به یک سوم کاهش دادیم و تقاضا روزه‌روز افزایش پیدا کرد و با یک سیل تقاضای انباشته شده چندین ساله مواجه شدیم. اقتصاددان‌ها برای حل این مشکل دو راهکار می‌دهند؛ آزادسازی قیمت و آزادسازی واردات. اما بدانیم که ذی نفع هیچ‌کدام از این راه‌حل‌ها عموم مردم نیستند و آن چند میلیون تقاضای انباشته هیچ نفعی از این سیاست‌ها نمی‌برند و سود آن فقط به جیب دلان و مافیا و خودروسازان انحصارگر رفته و دودش به چشم مردم می‌رود.

صنعت خودروسازی در کشور ما، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی همواره در زمره صنایع مادر و استراتژیک بوده و دومین شاخص مهم اقتصاد ملی پس از صنعت نفت و گاز به حساب می‌آید که همواره مورد توجه و حمایت سیاست‌گذاران بوده است. اما تصمیمات و سیاست‌های غیرکارشناسی و کوتاه‌مدت باعث شده است که در حال حاضر این صنعت استراتژیک با مشکلات جدی و وضعیت نامطلوبی مواجه باشد.

صنعت خودروی هر کشوری به دلیل ارزش و جایگاه ویژه آن در شبکه تولید صنعتی و خدمات پس از فروش، یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی محسوب می‌شود. این صنعت، به لحاظ ارتباط گسترده با زنجیره‌هایی از صنایع قبل و بعد خود، صنعتی کلیدی محسوب شده و دارای پتانسیل بالایی در اشتغال‌زایی و نقشی مؤثر در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره ایفا می‌کند.



خودروسازی از اجزای مهم و لاینفک تجارت و صنعت جهانی است. صنعت خودرو به دلیل ارتباط با بیش از ۶۱ صنعت دیگر به لوکوموتیو صنایع معروف است. در ساخت خودرو، مجموعه‌ای از تکنولوژی رشته‌های مختلف صنعتی (فلزی، پالستیک، شیمیایی، پارچه، عایق، شیشه، الکترومکانیک، برق، متالوژی و...)، طراحی، مدیریت و اقتصاد به کار رفته است و به همین دلیل این صنعت را به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی به حساب می‌آورند.

برخی از مصائب و مشکلاتی که صنعت خودروسازی ایران با آن مواجه است و مانع از پیشرفت این صنعت می‌شود، شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. شرایط غیر رقابتی بازار خودرو
۲. وابستگی به نرخ ارز
۳. عدم استفاده از ظرفیت‌های داخلی
۴. واردات بی‌رویه قطعات خارجی
۵. عدم هماهنگی سیاست‌های صنعت خودرو با چشم‌انداز برنامه ۱۴۰۴ و اقتصاد مقاومتی در صنعت خودروسازی
۶. انحصار چندجانبه بازار خودرو توسط تعداد محدودی از خودروسازها

از منظر اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی یکی از دغدغه‌های موجود، آن است که صنعت خودرو از لحاظ مشارکت مردم، وضعیت قابل قبولی ندارد؛ چراکه بازار خودرو در شرایط غیر رقابتی و حاکمیت انحصار چند جانبه بسر می‌برد. وجود انحصار در بازار خودرو سبب ایجاد و حفظ فضای رانتی و فساد در اقتصاد و صنایع می‌شود؛ چراکه تولید کننده انحصاری مطمئن می‌باشد که هر خودرویی با هر کیفیت و قیمتی را که تولید نماید، متقاضی مجبور به خرید آن است که با این روند تغییری در وضعیت این صنعت حاکم نخواهد شد. از سوی دیگر خودروساز توان تولید خودرو به اندازه رفع نیاز داخل را ندارد. این امر باعث می‌شود عرضه و تقاضا با هم همخوانی نداشته باشند و فقط عده‌ای محدود صاحب خودرو شوند. بنابراین علت اصلی مشکلات صنعت خودرو، انحصاری بودن ساختار آن است و زمانی از انحصار خارج می‌شود که بستر و سیاست‌های لازم برای ورود چندین خودروساز مهیا شود و خودروسازان فعلی

تعیین‌کننده تولید و بازار نباشند. اما در شرایط فعلی، وجود مجوزهای انحصاری مانعی بر سر راه آحاد مردمی است که نمی‌توانند به صورت آزادانه به تولید خودرو در هر مقیاسی بپردازند. ورود چند خودروساز خارجی به بازار خودرو ایران و آزادسازی واردات نیز کمکی به مردم نخواهد کرد و فقط مانع بیشتری بر سر راه آزادسازی تولید قرار خواهد داد.

هر چند ما به تعداد انگشتان دست تولیدکنندگان خودرو در اروپا را می‌شناسیم اما واقعیت این است که در حال حاضر ۳۰۱ کارخانه خودروسازی در اروپا فعال است که از این تعداد، ۱۴۵ کارخانه در اروپا خودروهای سواری تولید می‌کنند، ۳۸ کارخانه خودروهای تجاری سبک، ۵۸ کارخانه خودروهای سنگین، ۵۸ کارخانه اتوبوس و ۷۱ کارخانه موتور تولید می‌کنند.^{۲/۱}



1. www.acea.auto/press-release-cc/298-automobile-factories-operating-across-europe-new-data-shows/
2. <http://www.esca-online.eu/>



Our members are

responsible for

some of the world's

most recognisable,

iconic and innovative

brands, breaking

the mould in the

automotive industry.



Koenigsegg



Rimac



Wiesmann



Goupil



Bugatti



Pagani



RUF



Ineos Automotive



Donkervoort



Alpina



KTM



Praga Cars



Aston Martin-Lagonda



McLaren Automotive

وجود تعاونی یکی از مواردی است که می‌تواند بی‌عدالتی را به شکل منطقی و اصولی سد کند و کشور را به لحاظ اقتصادی نجات دهد. به همین خاطر باید در صنعت خودرو که نقش موثری در توسعه اقتصادی دارد، از ظرفیت مردم به ویژه در بخش‌های تأمین مالی، مدیریت و تصمیم‌گیری استفاده نمود و فرصت تولید خودرو حتی در مقیاس‌های کوچک را هم در اختیار افرادی که توانایی و مشارکت انجام این کار را دارند؛ قرار داد.

بنابراین وقتی پرسیده می‌شود که راهکار برای نجات صنعت خودرو چیست؟ برخلاف کسانی که قائل به آزادسازی قیمت و آزادسازی واردات هستند، معتقد به آزادسازی تولید هستیم. تولید خودرو در ایران توسط مردم ممنوع است. ما قانونی داریم که تولید خودرو زیر ۱۰۰ هزار عدد را در عمل ممنوع کرده است. با وجود این قانون، هیچ‌کدام از مهندسان و نخبگان و مکانیک‌های باتجربه ما که توان ساخت خودرو دارند، نمی‌توانند وارد این عرصه بشوند و انحصار صنعت خودرو را بشکنند. باید با استفاده از تجربیات روز دنیا که این سیاست را اجرا کردند، به نخبگان، جوانان، مهندسین و مکانیک‌ها و تعمیرکارهای باتجربه کشور اجازه بدهیم تا خودروی متناسب با توان مالی مردم بسازند و مشکل صنعت خودرو را حل کنیم. کافی است قانونی در مجلس تصویب شود که دولت را موظف کند تا هرکسی خودرو استاندارد ساخت پلاک شود.



ماجرای مسکن!

این چه وضع مسکنه؟ قیمتا که روزبه روز داره می ره بالا!
کیفیت هم که تعطیل! الآن هم جوری شده که داشتن
یه وجب خونه واسه ما شده آرزو! خدایی توی مملکت به این
بزرگی، یه جا پیدا نمی شه برامون خونه بسازن؟! بقیه کشور
هم اینجورین؟! خودمونیم، واقعاً جمهوری اسلامی نمی تونه
یه برنامه واسه این مشکل بریزه؟



زیست شهر مولد راهکار پیشرفت مسکن

یکی از مشکلاتی که مردم دائماً با آن درگیر هستند و باید حل شود، مسئله مسکن است. البته برای شناسایی دقیق این مشکل باید وضعیت ایران را با سایر کشورهای جهان مقایسه نمود. میزان مالکیت مسکن و کیفیت مسکن مورد استفاده از جمله شاخص‌های مهمی است که باید بررسی گردد.

با بررسی وضعیت اتحادیه اروپا در حوزه مالکیت مسکن درمی‌یابیم که این عدد از ۵۰ تا ۹۶ درصد متغیر است. البته کشورهای اروپایی از لحاظ جمعیت و مساحت قابل مقایسه با ایران نیستند اما کشورهای مطرحی مثل آلمان، فرانسه، پرتغال، دانمارک، سوئد و .. در بازه بین ۵۰ تا سقف ۷۷ درصد هستند که اکثر آن‌ها در سنین بالا و بعد از بازنشستگی (بعد از رفتن به سراغ شغل دوم و ...) صاحب‌خانه می‌شوند!

این عدد در آسیای شرقی نیز قابل بررسی است. برای مثال کشور ژاپن، در شاخص مالکیت مسکن، ۶۱ درصد مردم را پوشش داده است. نسبت مالکیت مسکن در جمهوری اسلامی طبق آخرین آمار سرشماری مرکز ملی آمار در سال ۱۴۰۰، ۷۷ درصد می‌باشد.



Countries with the **most** homeowners

KEY:

🏠 Home ownership rate 🏠 Average house price per m2 📅 Average rent per month (USD)

Country	Home ownership rate	Average house price per m2	Average rent per month (USD)
1 Romania	96.1%	\$1,443	\$399
2 Slovakia	92.3%	\$2,335	\$628
3 Croatia	91.3%	\$2,569	\$518
3 Hungary	91.3%	\$1,883	\$473
5 Lithuania	88.6%	\$2,507	\$592
6 Poland	85.6%	\$2,221	\$563
7 Bulgaria	84.3%	\$1,064	\$354
8 Malta	81.9%	\$3,378	\$1,151
9 Estonia	81.4%	\$2,548	\$641
10 Latvia	81.2%	\$1,617	\$460
11 Norway	80.8%	\$5,576	\$1,355
12 Czech Republic	78.9%	\$3,820	\$728
13 Portugal	77.3%	\$2,413	\$808
14 Spain	75.1%	\$2,823	\$830
15 Slovenia	74.6%	\$3,080	\$696
15 Greece	74.6%	\$1,726	\$494
17 Belgium	71.1%	\$3,416	\$998
18 Finland	70.7%	\$4,392	\$1,006
19 Netherlands	69.1%	\$4,267	\$1,401
20 Cyprus	68.6%	\$1,841	\$865
21 Luxembourg	68.4%	\$11,364	\$2,316
22 Sweden	64.5%	\$4,618	\$1,002
23 France	64.0%	\$5,313	\$991
24 Denmark	59.3%	\$4,900	\$1,299
25 Austria	55.3%	\$5,039	\$1,056
26 Germany	50.4%	\$5,276	\$1,080

۸ ماجرای مسکن!

۱-۱- درصد خانوارهای مسکونی بر حسب نحوه تصرف مسکن در هر بند از گروه‌های هزینه سالانه ۱۳۰۰										
نوع مسکن	کل	بند ۱۰۰۰۰۰ هزار ریال و کمتر	بند ۱۰۰۰۰۰۰ هزار ریال	بند ۱۰۰۰۰۰۰۰ هزار ریال	بند ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ هزار ریال	بند ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ هزار ریال	بند ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ هزار ریال	بند ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ هزار ریال	بند ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ هزار ریال	بند ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ هزار ریال و بیشتر
مجموع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
ملکیت عرصه و اعیان	۶۷٫۶۶	۶۷٫۷۰	۶۷٫۸۹	۶۷٫۵۶	۶۷٫۵۶	۶۷٫۵۶	۶۷٫۵۶	۶۷٫۵۶	۶۷٫۵۶	۶۷٫۶۶
ملکیت اعیان	۰٫۶۸	۰٫۷۲	۰٫۷۲	۰٫۷۲	۰٫۷۲	۰٫۷۲	۰٫۷۲	۰٫۷۲	۰٫۷۲	۰٫۷۲
اجاره	۱۲٫۸۸	۱۲٫۸۲	۱۲٫۸۲	۱۲٫۸۲	۱۲٫۸۲	۱۲٫۸۲	۱۲٫۸۲	۱۲٫۸۲	۱۲٫۸۲	۱۲٫۸۲
رهنبند	۸٫۳۸	۸٫۳۸	۸٫۳۸	۸٫۳۸	۸٫۳۸	۸٫۳۸	۸٫۳۸	۸٫۳۸	۸٫۳۸	۸٫۳۸
در برابر خدمت	۱٫۲۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
رایگان	۷٫۲۲	۷٫۲۲	۷٫۲۲	۷٫۲۲	۷٫۲۲	۷٫۲۲	۷٫۲۲	۷٫۲۲	۷٫۲۲	۷٫۲۲
اساس	۰٫۲۲	۰٫۲۲	۰٫۲۲	۰٫۲۲	۰٫۲۲	۰٫۲۲	۰٫۲۲	۰٫۲۲	۰٫۲۲	۰٫۲۲

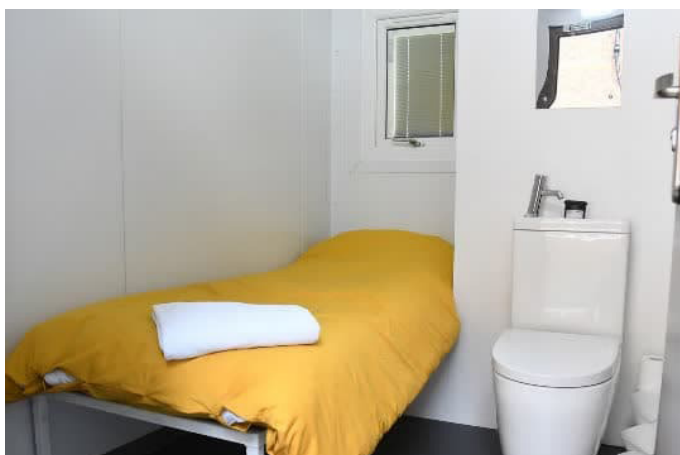
شاخص بعدی کیفیت مسکن مورد استفاده توسط افراد است. یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده کیفیت مسکن، میانگین متراژ مسکن می‌باشد. عموماً در کشورهای غربی میانگین متراژ مسکن بسیار پایین و بین ۲۵ تا ۶۰ متر متغیر است. برای مثال کشور انگلستان بنابر دو شاخص رسمی متفاوت میانگینی بین ۲۵ تا ۴۴ متر مربع را برای مساحت مسکن مورد استفاده مردم معرفی می‌نماید.^۱



متأسفانه وضعیت نامناسب اقتصادی در غرب باعث گردیده است بدمسکنی رواج گسترده داشته و مسکن‌های ۵ متری، کانکسی، فلت‌های اسکان، خانه‌های چرخی، خانه‌های مشترک و... نیز رواج پیدا کند.

1. <https://www.labc.co.uk/news/what-average-house-size-uk>





اما طبق آخرین آمار منتشرشده رسمی توسط مرکز ملی آمار در سال ۱۴۰۰، میانگین متراژ مسکن در ایران حدود ۱۶۰ متر بوده و ۹۰ درصد واحدهای مسکونی در ایران بیش از ۵ متر و ۷۰ درصد واحدهای مسکونی ایران بیش از ۷۵ متر مساحت دارند.^{۱/۲}

۱. درگاه ملی آمار < سرشماری عمومی نفوس و مسکن > نتایج سرشماری (amar.org.ir)
2. <https://www.statista.com/statistics/321097/distribution-of-home-owners-in-england-uk-by-type-of-home-financing-and-age/>

نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۹۰

۳-۱ - واحدهای مسکونی معمولی بر حسب نوع، مساحت زیرینا و تعداد خانوار ساکن در آن‌ها (کل)

تعداد خانوار در واحدهای مسکونی معمولی آپارتمانی و غیرآپارتمانی	جمع	۵۰ مترمربع و کمتر	۵۱-۷۵ مترمربع	۷۶-۸۰ مترمربع	۸۱-۱۰۰ مترمربع
کل	۲۲۸۳۰۰۰۳	۲۱۱۶۵۹۱	۴۱۵۰۶۶۶	۲۱۴۹۵۹۷	۵۲۴۳۵۴
۱ خانوار	۲۲۲۰۴۱۴۷	۲۰۲۶۷۳۹	۴۸۵۵۰۶۷	۲۰۹۱۳۱۱	۵۲۱۱۱۸۲
۲ خانوار	۵۲۸۷۳۹	۷۱۰۹۳	۸۳۷۲۷	۵۱۰۹۴	۱۲۴۲۹۷
۳ خانوار	۷۸۴۴۳	۱۲۸۲۳	۹۸۴۴	۶۰۰۹	۱۵۲۲۰
۴ خانوار و بیشتر	۱۸۶۲۴	۳۹۹۴	۲۰۲۸	۱۱۸۳	۲۸۵۵
آپارتمانی	۸۱۹۵۱۲۸	۶۰۵۴۰۰	۱۵۰۶۸۲۱	۸۲۳۵۴	۲۴۲۲۲۷۷
۱ خانوار	۸۹۱۱۳۷۹	۶۰۰۶۳۳	۲۴۹۴۶۴۴	۸۱۷۴۴۶	۲۴۰۶۰۷۶
۲ خانوار	۵۵۸۶۷	۴۱۶۶	۱۰۹۰۹	۴۸۷۷	۱۴۷۴۸
۳ خانوار	۶۳۷۷	۴۷۴	۱۰۱۸	۵۱۴	۱۶۰۲
۴ خانوار و بیشتر	۱۵۱۵	۱۲۷	۲۵۰	۱۱۷	۳۱۱
غیرآپارتمانی	۱۴۶۳۸۶۵	۱۵۰۹۱۵۱	۲۴۴۳۸۴۵	۱۳۲۶۶۴۳	۲۳۳۰۸۱۷
۱ خانوار	۱۳۲۹۲۷۶۸	۱۲۴۶۱۰۶	۲۳۶۰۴۲۳	۱۲۷۲۸۶۵	۳۳۱۵۱۰۶
۲ خانوار	۴۷۲۸۷۲	۶۶۹۲۷	۷۲۸۱۸	۴۶۲۱۷	۱۰۹۵۴۹
۳ خانوار	۷۲۰۶۶	۱۲۳۵۹	۸۸۴۶	۵۴۹۵	۳۴۱۸
۴ خانوار و بیشتر	۱۷۱۵۹	۳۸۶۷	۱۷۷۸	۱۰۶۶	۳۵۴۴

تعداد خانوار در واحدهای مسکونی معمولی آپارتمانی و غیرآپارتمانی	۱۰۱-۱۵۰ مترمربع	۱۵۱-۲۰۰ مترمربع	۲۰۱-۳۰۰ مترمربع	۳۰۱-۵۰۰ مترمربع	۵۰۱ مترمربع و بیشتر	اظهار نشده
کل	۵۲۳۳۷۷۲	۱۵۸۸۴۵۰	۶۴۱۹۵۲	۱۶۲۸۸۸	۳۲۸۹۶	۹۱۵۶۷
۱ خانوار	۵۱۶۹۴۷۷	۱۵۳۲۷۳۱	۶۱۸۹۷۲	۱۵۹۰۹۷	۳۲۵۰۷	۹۷۰۶۴
۲ خانوار	۱۳۰۷۱۷	۴۴۴۶۳	۱۷۳۲۳	۳۶۵۱	۲۷۷	۱۸۸۸
۳ خانوار	۱۹۶۱۵	۸۹۶۴	۲۳۰۴	۱۲۳۳	۷۶	۳۳۵

این مقایسه‌ها نشان می‌دهد در این چهل سال جمهوری اسلامی زحمت بسیاری در بحث مسکن کشیده شده و اتفاقات خوبی افتاده است و نسبت به جهان وضعیت پیشرفته‌تری دارد اما با این حال کافی نیست.. یک راهکار اساسی وجود دارد؛ آقای دکتر جهان‌بخش ایده «زیست شهر اسلامی» را داده است. شهری با معماری ایرانی اسلامی و البته مدرن که علاوه بر تناسب با فرهنگ و سبک زندگی اسلامی مولد نیست هست. شهری با خانه‌های ویلایی بزرگ که قابلیت تولید انواع کالاها را دارد. ایران یکی از غنی‌ترین کشورها در مسئله زمین است. تا به حال فقط دو درصد از زمین‌ها در ایران مسکونی شده است. زمین زیاد داریم و این زمین‌ها برای مردم است. با عدد و ارقام ثابت کردیم که ویلایی‌سازی ارزان‌تر از آپارتمان‌سازی است. اگر زمین رایگان است، پس اجازه بدهیم مردم با پول‌های خودشان در این زمین‌ها خانه بسازند. سازه‌های محکم و ارزانی وجود دارد که مردم می‌توانند از این سازه‌ها استفاده کنند. ولی مافیای سیمان، آسانسور، فولاد و... برایشان نمی‌صرفد که مردم

پیش‌ساخته‌هایی که در دنیا صدا کرده‌اند و حتی مخترعینش ایرانی هستند، خانه بسازند. انبوه‌سازها ضرر می‌کنند و در اینجا تعارض منافع جدی وجود دارد. راهکارش این مسئله در قانون اساسی وجود دارد و باید بر اساس آن عمل کنیم. طبق اصل ۴۳ دولت هم وظیفه دارد برای مردم مسکن تأمین کند و هم باید ابزار تولید را در اختیار مردم قرار دهد که یکی از این تولیدها مسکن است. یک دولت اگر مسکن را تأمین نمی‌کند، باید ابزار تولید مسکن را در اختیار مردم قرار دهد تا مردم برای خودشان مسکن بسازند. ۱/۲



1. <https://www.aparat.com/v/GjmgC>
2. <http://zistshahr.com/>



۹

این همه مشکل چرا؟

این چه وضع اقتصاده؟ خب قبل از انقلاب هم که همین مشکلات رو داشتیم؛ پس واسه چی انقلاب کردیم؟! چرا توی غرب این مشکلات نیست؟ کاش ما هم بهشت غرب رو داشتیم! آقایون انقلابی، این همون وضعیت ایدئالیه که ازش حرف می‌زدین؟! واقعاً دلیل این همه مشکلات چیه؟



وقتی در مورد مشکلات صحبت می‌شود، باید وضعیت امروز را با گذشته، غرب و وضعیت مطلوب مقایسه کنیم.

- گذشته: بدیهی است که نسبت به اوایل انقلاب پیشرفت‌های زیادی داشته‌ایم؛ بنابراین، به هیچ‌وجه نیازی به مقایسه با گذشته نیست. کسانی که پیشرفت‌های ایران را نسبت به گذشته نمی‌بینند قطعاً از سر ندانستن و جهل نیست، بلکه تعمد دارند تا حقیقت را پنهان کنند.^۱
- غرب: تصور و توهمی که نسبت به غرب داریم و بهشتی که از آن ساخته‌ایم، باید اصلاح شود و باید با آمارهای واقعی کشورهای غربی مواجه شویم. باید با تصاویر واقعی مواجه شویم نه تصاویر هالیوودی؛ تصاویری که هالیوود از غرب نشان می‌دهد، واقعیت ندارد. به عنوان مثال، تعداد افراد بی‌خانمان^۲ موجود در کشورهای غربی و اروپایی را با ایران مقایسه کنید. در فیلم‌ها و اخبار نیز هزاران بی‌خانمان را در کنار خیابان‌های غرب می‌بینید که در سرمای زمستان و گرمای تابستان هیچ پناهگاهی ندارند. و البته خوشبختانه هیچ‌یک از این صحنه‌ها در ایران مشاهده نمی‌شود.
- وضعیت مطلوب: وضعیت قبل و غرب، نسبت به آنچه برخی تصور می‌کنند

۱. از باب تمسخر و قابل‌قیاس نبودن دستاوردهای جمهوری اسلامی با زمان پهلوی از ذکر تفاوت‌ها خودداری کرده و شما را به کتاب صعود چهل ساله حجت الاسلام راجی ارجاع می‌دهیم.

2. homeless

بسیار بدتر است. بنابراین ایران را باید با وضعیت مطلوب خودش مقایسه کنیم.

بدیهی است که نسبت به وضعیت مطلوب عقب‌ماندگی داریم. مثلاً در حوزه مسائلی مانند عدالت و شکاف طبقاتی، تورم، اشتغال، تولید و... یک سری مشکلات داریم. برای این مشکلات چند دلیل عمده را می‌توان ذکر کرد:

جنگ اقتصادی

- ما درگیر یک جنگ بی‌سابقه اقتصادی شده‌ایم. جنگ و تحریم اقتصادی که برای کشورهای دیگر اصلاً قابل‌تصور نیست و اگر این جنگ حتی علیه کشورهایی که ما را تحریم کرده‌اند رخ می‌داد، بدون شک از روی نقشه حذف می‌شدند. ایران ده سال است که توسط همه کشورها در همه عرصه‌های اقتصادی تحریم شده است؛ ولی ما سرپا ایستاده‌ایم، هر چند این دشمنی‌ها مشکلاتی را برای ما به وجود آورده است. برای آنکه متوجه تأثیر تحریم و جنگ بر یک کشور غیرمقاوم بشویم کافی است به ماجرای روسیه نگاه کنیم. روسیه تنها برای مدت کوتاهی همه کشورهای اروپایی و غربی را فقط در یک کالا (گاز) تحریم کرد که آن هم تحریم صددرصدی نبود. کافی است نگاه کنیم چه اتفاقی برایشان افتاد؟ چه تعداد از مردمشان از سرما کشته شدند و چه تعداد از کشورهای غربی دچار مشکلات بزرگ شدند. اگر تصور کنید این تحریمی که علیه ما شد، علیه آن‌ها صورت می‌گرفت تصدیق خواهید کرد که این کشورها نابود می‌شدند. لذا جنگ اقتصادی و تحریم را باید دقیق درک کرده و در تحلیل‌هایمان در نظر بگیریم.

شدت تحریم

حجم و شدت تحریم‌ها و جنگ اقتصادی که در ده سال گذشته علیه جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت برای فروپاشی کل جهان کافی بود! همانطور که می‌بینید فقط به خاطر درگیری نظامی دو کشور روسیه و اوکراین، یکی از فلاکت‌بارترین

تحریم‌های دامنه‌دار

از ابتدای انقلاب اسلامی تا امروز ۵۶ عنوان مصوبه تحریمی از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد، کنگره آمریکا، رئیس‌جمهور آمریکا، وزارت خزانه‌داری آمریکا^۱ و اتحادیه اروپا^۲ علیه جمهوری اسلامی ایران تصویب و اجرا شده است. هرکدام از این مصوبات و قطعنامه‌ها با ده‌ها بند و تبصره، بخش‌های مختلف اقتصاد ایران را تحریم کرده‌اند. تحریم‌ها شامل این حوزه‌هاست: نفت و انرژی، علم و فناوری، پول و بانک، تجارت خارجی، مبادلات ارزی، انواع کالا و خدمات و همچنین تحریم اشخاص، شرکت‌ها، نهادهای دولتی و انقلابی و تسلیحات.

۱. مرکز تحقیقات کنگره آمریکا:

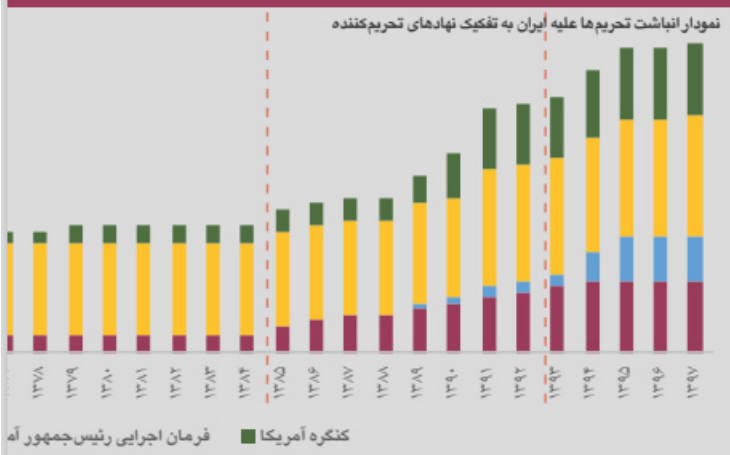
Iran Sanctions (2018), Congressional Research Service, <https://crsreports.congress.gov/RS20871>.

۲. وزارت خزانه‌داری آمریکا (صفحه تحریم‌های ایران):

<https://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/programs/pages/iran.aspx>.

۳. اتحادیه اروپا:

http://ec.europa.eu/archives/docs/top_stories/pdf/iran_implementation/information_note_sanctions_jepoa_en.pdf.



شرایط اقتصادی در اروپا و شرق آسیا رخ خورده است. تورم و گرانی‌های بی‌سابقه، افزایش گسترده فقر و بی‌خانمانی، ورشکستگی کارخانجات، تعدیل نیروهای گسترده، عدم توان تأمین انرژی در زمستان سخت اروپا بخشی از بحرانی است که این کشورها صرفاً ناشی از جنگ دو کشور دیگر و بدون آنکه تحریم گسترده‌ای بر آن‌ها وضع گردد، تجربه می‌کنند. اما کشور قدرتمند جمهوری اسلامی ایران از محدود کشورهای بود که علیرغم بی‌سابقه‌ترین تحریم‌های وضع شده علیه خود علاوه بر آنکه آسیب

چندانی از این جنگ ندید بلکه توانست با استراتژی صحیح، منافع و قدرت اقتصادی خود را نیز ارتقا بخشد.

اگر بنا دارید عملکرد اقتصاد ایران در جنگ اقتصادی را بسنجید، وضعیت کشورهای بحران دیده از جنگ اوکراین را به تصویر کشیده و تصور کنید اگر به اندازه تحریم‌های جمهوری اسلامی در حال حاضر، این کشورها نیز تحریم گردند چه وضعیت ناگوار و غیرقابل تحملی را تجربه خواهند کرد؟!

برای دانلود کتاب ما پیشرفته‌ایم اسکن کنید.



ساختارهای زمان پهلوی باقی است و اصلاح نظام اقتصادی زمان می برد

- انقلاب اسلامی نتوانسته تمام ساختارهای زمان پهلوی را کنار بگذارد؛ مثلاً نظام کارشناسی، سازمان برنامه و بودجه، وزارت اقتصاد، بانک‌ها و روابط و بروکراسی‌های زمان شاه هنوز باقی مانده است. این ساختارها را باید آرام آرام حذف کنیم. چهل سال زمان زیادی نیست. چهل سال فقط تربیت یک نسل از متخصصین است که بتوانند وجود این مشکلات را درک کنند. ما در این چهل سال تعدادی نیروی متخصص و متعهد در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد تربیت کرده‌ایم، درحالی‌که تمدنی که در مقابلش ایستاده‌ایم، حداقل سیصد سال سابقه دارد!

اساساً اولین و مهم‌ترین کار انقلاب اسلامی تربیت نیرویی متخصص و متعهد است. ابتدا باید نیروی متخصص تمدن‌ساز، به مرز دانش امروز برسد. اعتقاد مقام معظم رهبری در موضوع آفرینش عملی بر این است که رسیدن به مرز دانش امروز دنیا، قدم اول و کف ماجرای تولید علم آفرینش علمی است. در حقیقت وقتی ما از آفرینش علمی صحبت می‌کنیم این مسئله در راستای تمدن‌سازی معنا پیدا می‌کند.

بنابراین ماجرا این است که باید دانشمندانی تربیت کنیم که تمدنی فکر کرده و مثلاً برای استفاده از ظرفیت‌ها و منابع طبیعی کشور محیط‌زیست را نابود نکنند. دانشمندانی که تجویزشان برای پیشرفت کشور فرایندهای غیر اسلامی و غیر عادلانه نباشد.

- ما در این چهل سال می‌توانستیم برای همه مردم خانه‌هایی به سبک خانه‌های کوچک آپارتمانی و مجردخانه‌های غربی بسازیم؛ اما امروز خوشحالیم که عده‌ای از دانشمندان، اساتید و نخبگانمان به زیست شهر اسلامی فکر می‌کنند. به خانه‌سازی ویلایی فکر می‌کنند و معترض آپارتمان‌سازی هستند. این اتفاق، اتفاق خوبی است؛ این اتفاق یعنی مردم باید به داشتن خانه‌های ویلایی متناسب با سبک زندگی اسلامی در آینده‌ای نزدیک امیدوار باشند.

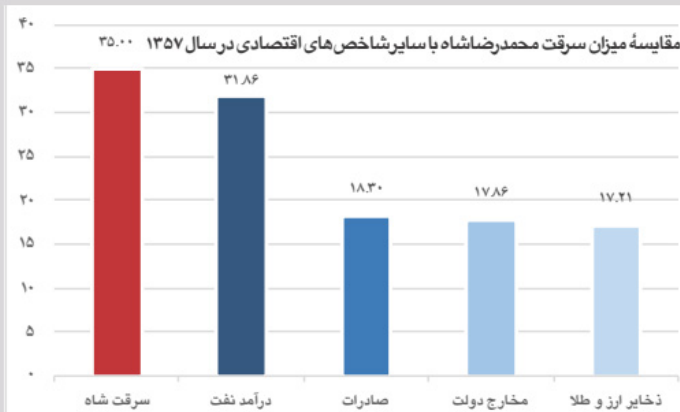
اقتصادی را که از پهلوی تحویل گرفتیم؟!

اقتصادی که انقلاب اسلامی از پهلوی تحویل گرفت، اقتصاد یک کشور سی‌میلیون نفری با فروش نفتی بیش از فروش نفت امروز بود و البته امروز به هشتادوپنج میلیون نفر با درآمدهای نفتی بسیار کمتر از آن موقع رسیده‌ایم. اقتصاد که تحویل گرفتیم اقتصادی بود که چهل و چهار سال است در حال ساختن آن هستیم و محرومیت‌زدایی می‌کنیم. تمام این سال‌ها را بسیج، اردوهای جهادی، سپاه، ارتش، کمیته امداد، بهزیستی، بنیاد مستضعفان و ستاد اجرایی امام، مدرسه، مسجد، خانه، سرویس بهداشتی، خانه بهداشت و... می‌سازند، اما هنوز آن محرومیت تمام نشده است. یک چنین اقتصادی را ما تحویل گرفتیم و به چنین جایگاهی رسیده‌ایم که مردم در مورد برخی از محرومیت‌ها و مشکلات اساساً حرفی نمی‌زنند. دیگر کسی از خان و ارباب و رعیت حرف نمی‌زند. دیگر کسی از زندگی چند خانواده در یک خانه سخن نمی‌گوید. دیگر کسی از حلبی‌آباد و مرگ ناشی از گرسنگی و فقر و بیماری‌های ساده سخن نمی‌گوید. قطعاً تمام مشکلات رفع نشده است و هنوز بخش کوچکی از جامعه مشکلاتی دارند که باید به سرعت رفع شود اما وضعیت امروز مطلقاً قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست.

بزرگ‌ترین دزدی تاریخ در ایران!

اگر بخواهیم وارد عدد و ارقام بشویم که چه اقتصادی را تحویل گرفته‌ایم، طبق اسناد بین‌المللی بزرگ‌ترین دزدی تاریخ بشریت را در ایران تجربه کرده‌ایم و محمدرضا شاه پهلوی ۳۵ میلیارد دلار از ایران دزدیده است (این فقط رقم دزدی محمدرضا بود، نه اعوان و انصار و وزیر و وکیل او). این عدد دو برابر رقم بودجه سال ۵۷ بود. تقریباً به اندازه درآمد نفتی جمهوری اسلامی و تقریباً به اندازه دو برابر ذخایر طلای کشور، فقط محمدرضا برد.^{۲/۱}

اگر بخواهیم ارزش دارایی‌های خارج شده از کشور توسط محمدرضا شاه را به خوبی درک کنیم، می‌توانیم آن را با برخی از شاخص‌های اقتصادی کشور در سال ۱۳۵۷ مقایسه کنیم. برای مثال، درآمد نفتی کشور در این سال **۳۱/۸۶ میلیارد دلار**، صادرات **۱۸/۳۰ میلیارد دلار**، مخارج دولت **۱۷/۸۶ میلیارد دلار** و ذخایر ارز و طلای کشور **۱۷/۲۱ میلیارد دلار** بوده است!



جریان نفوذ

- جریان نفوذ، همان جریان تربیت‌شدگان شرق و غرب است که امام خمینی رحمته‌الله‌علیه دستانشان را بالا می‌گرفتند و التماس می‌کردند که ما را از دست

1. <https://www.farsnews.ir/news/14001106000038>

2. <https://kayhan.ir/fa/news/258861>

این‌ها نجات بدهید. البته به علت ساختار مردم‌سالاری در ایران باعث شده است که گاهی اوقات انتخاب افراد غرب‌زده توسط خود مردم نیز در تشدید این مشکلات نقش داشته باشد. اما اگر بخواهیم با دقت به ریشه مشکلات نگاه کنیم، نه به اسلام برمی‌گردد، نه به انقلاب و نه به مردم. ریشه مشکلات در اندیشه‌ها و تفکرات معتقدان و مؤمنین به ساختار سرمایه‌داری است. لیبرال‌هایی که حضرت امام خمینی رحمته‌الله به مقابله با آنان پرداخته و این‌گونه از آن‌ها شکایت می‌کنند:

«من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعضی تصمیمات اول انقلاب در سپردن پست‌ها و امور مهم کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی‌رود، گر چه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاح‌دید و تأیید دوستان قبول نمودم و الآن هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و هر حرکت به سوی امریکای جهان‌خوار قناعت نمی‌کنند، درحالی‌که در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادعا هنری ندارند. امروز هیچ تأسفی نمی‌خوریم که آنان در کنار ما نیستند چراکه از اول هم نبوده‌اند. انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروه‌ها و لیبرال‌ها می‌خوریم، آغوش کشور و انقلاب همیشه برای پذیرفتن همه کسانی که قصد خدمت و آهنگ مراجعت داشته و دارند گشوده است ولی نه به قیمت طلبکاری آنان از همه اصول، که چرا مرگ بر امریکا گفتید! چرا جنگ کردید! چرا نسبت به منافقین و ضد انقلابیون حکم خدا را جاری می‌کنید؟ چرا شعار نه شرقی و نه غربی داده‌اید؟ چرا لانه جاسوسی را اشغال کرده‌ایم و صدها چرای دیگر. و نکته مهم در این رابطه اینکه نباید تحت تأثیر ترحم‌های بیجا و بی‌مورد نسبت به دشمنان خدا و مخالفین و متخلفین نظام، به‌گونه‌ای تبلیغ کنیم که احکام خدا و حدود الهی زیر سؤال بروند. من بعضی از این موارد را نه تنها به سود کشور نمی‌دانم که معتقدم دشمنان از آن بهره می‌برند، من به آن‌هایی که دستشان به رادیو-تلویزیون و مطبوعات می‌رسد و چه بسا حرف‌های دیگران را می‌زنند صریحاً اعلام می‌کنم: تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به

دست لیبرال‌ها بیفتد، تا من هستم نخواهم گذاشت منافقین اسلام این مردم بی‌پناه را از بین ببرند، تا من هستم از اصول نه شرقی و نه غربی عدول نخواهم کرد، تا من هستم دست ایادی امریکا و شوروی را در تمام زمینه‌ها کوتاه می‌کنم و اطمینان کامل دارم که تمامی مردم در اصول همچون گذشته پشتیبان نظام و انقلاب اسلامی خود هستند...»^۱

بچه‌های شیکاگو

شاید پرسید چه کسانی در ایران نظریات اقتصاد سرمایه‌داری را طرح کرده، تبدیل به سیاست و در نهایت اجرا می‌کنند؟ اگر در قانون اساسی و در کلام رهبران و بزرگان جمهوری اسلامی ایران از اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی بحث می‌شود پس چرا در ادبیات بسیاری از استادان اقتصاد کشور هیچ نشانه‌ای از این مباحث نمی‌بینیم؟

برای هیچ کس در ایران شکی نیست که ما در دهه گذشته درگیر یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی بودیم. یکی از نکات مهمی که در جنگ اقتصادی باید در نظر بگیریم بحث نفوذ اقتصادی در دستگاه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است که از طریق مجرای علمی و دانشگاهی وارد این عرصه می‌شود. مقام معظم رهبری در سال‌های ۹۴ و ۹۵ مکرراً در مورد نفوذ علمی هشدار دادند.

مقام معظم رهبری: الان هم شروع کرده‌اند و برنامه‌ریزی کرده‌اند برای نفوذ؛ انواع و اقسام طرق را - من محاسبه می‌کردم با خودم، دیدم شاید حدود ده راه مهم را- برای نفوذ در کشور پیدا کرده‌اند و دارند عمل می‌کنند؛ همین حالا دارند عمل می‌کنند. یکی‌اش راه علمی است؛ از طریق ارتباط با دانشگاه‌ها، ارتباط با دانشمندان، ارتباط با استاد، ارتباط با دانشجو - کنفرانس‌های به‌ظاهر علمی [ولی] در باطن برای نفوذ- افراد امنیتی را اینجا می‌فرستند؛ این یکی از راه‌ها [است]. یکی از راه‌ها، راه‌های فرهنگی و هنری است. مأمور مستقیم دستگاه‌های امنیتی را به‌عنوان یک فرد صاحب‌هنر برای، فرض کنید، جشنواره موسیقی معین می‌کنند که بفرستند؛ که البته خوشبختانه وزارت اطلاعات فهمید، زودتر جلوی‌اش را گرفت. یعنی به‌عنوان حضور

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۶.

در یک جشنواره هنری - مثلاً جشنواره موسیقی - کسی را انتخاب می‌کنند که این آدم، صد درصد سیاسی و امنیتی است؛ به عنوان [فرد] هنری اینجا می‌فرستند. خوب، برای چه می‌فرستند؟ نفوذ اقتصادی یکی [از راه‌های] دیگر است. انواع و اقسام گوناگون، راه‌های نفوذ دارند؛ ما بایستی مراقب باشیم، باید مواظب باشیم.»^۱

یکی از کشورهایی که نفوذ علمی را تجربه کرده و زمین‌خورده است، ماجرای مقابله اقتصادی آمریکا و کشورهای آمریکای لاتین است که معروف‌ترین آن‌ها ماجرای شیلی بود که آمریکا با تربیت اقتصاددانانی تحت عنوان پسران شیکاگو اقتصاد شیلی را زمین زد و فاجعه شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی در شیلی را رقم زد. ما هم باید به دنبال بچه‌های شیکاگوی اقتصاد ایران باشیم. باید ببینیم آن سیاست‌های اقتصادی که برآمده از گفتمان اقتصادی انقلاب اسلامی نیست، از کجا می‌آید، توسط چه کسانی تئوریزه و تجویز می‌شود. باید بدانیم کدام اقتصاددانان پشت‌پرده گران کردن بنزین در آبان ۹۸ بودند. همچنین است سایر سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد و مبتنی بر ارزش‌های لیبرال سرمایه‌داری. باید مراقب دستگاه تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و نفوذ علمی در محیط‌های حوزوی و دانشگاهی‌مان باشیم تا از مجرای نفوذ علمی ضربه نخوریم.

استفاده نکردن از ظرفیت‌ها

ما رتبه اول عدم استفاده از ظرفیت‌هایمان را در دنیا داریم، یعنی هنوز از ظرفیت‌هایمان استفاده نکرده‌ایم. عدم استفاده از ظرفیت‌ها دو دلیل دارد:

- یکی از دلایل عدم استفاده از ظرفیت‌ها، ضعف است. به عبارت دیگر ما از ظرفیت‌ها و منابع کشورمان یک جاهایی باید استفاده می‌کردیم ولی نکردیم. مسئولین و کارشناسان و ساختارها و قوانین دست‌وپاگیر و... اجازه استفاده نداده‌اند. اما به نظر می‌آید که مهم‌ترین دلیل عدم استفاده از ظرفیت‌ها منطق انقلاب اسلامی است که توسعه به سبک غربی را نپذیرفته است. در حقیقت ما نمی‌خواهیم با نابودی محیط‌زیست توسعه پیدا کنیم. نمی‌خواهیم یک عده زیر چرخ‌های توسعه له شوند. نمی‌خواهیم تولید ناخالص داخلی

۱. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index-old?tid=12492#58612>.

(GDP)^۱ کشورمان از این طریق بالا برود؛ بلکه می‌خواهیم عادلانه پیشرفت کنیم تمدن بسازیم. اما برای ساخت تمدن و پیشرفت عادلانه به دانش نیاز داریم و هنوز دانش تمدنی استفاده از ظرفیت‌هایمان را نداریم.

خسارت‌های جنگ تحمیلی به اقتصاد ایران

فقط خسارت‌هایی که ناشی از جنگ تحمیلی به اقتصادمان وارد شد، بین چهارصد تا هزار میلیارد دلار بود؛ یعنی بیش از رقمی حدود بیست برابر بودجه جمهوری اسلامی!

تنها گناهمان هم این بود که نمی‌خواستیم زیر سلطه باشیم. ما این اقتصاد را تحویل گرفتیم و امروز در این جایگاهی که هستیم ایستاده‌ایم.

۱. تولید ناخالص داخلی (GDP) (Gross Domestic Product) مهم‌ترین متغیری است که در تجزیه و تحلیل‌ها و ارزیابی‌های اقتصاد کلان از آن استفاده می‌شود و در ایران برابر با کل ارزش ریالی محصولات نهایی تولیدشده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین (سالانه یا فصلی) است.



۱۰

بن بست شکن های اقتصاد

جدای از همه مشکلات و ایراداتی که هست، ما ایرانی ایم و کشورمون رو دوست داریم. واقعاً راه حل مشکلاتمون چیه؟ آیا حل شدنیه یا نه؟! واقعاً راه حلی هم داریم؟!



شعار اصلی اقتصاد جمهوری اسلامی

انقلاب اسلامی یک شعار اقتصادی اساسی دارد «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی»، این شعار به این شکل در ذهن‌ها شکل گرفته است که نه به آمریکا و نه به شوروی. در بررسی بیانات آقا و امام رحمتهما علیهما این یک شعار فکری است نه شعار جغرافیایی. این شعار یعنی نه به لیبرالیسم غربی و نه به سوسیالیسم شرقی، و نه به تبعات این دو تفکر. یعنی ما نه می‌خواهیم لیبرال باشیم و نه کمونیست؛ بلکه می‌خواهیم با رأی مردم و دین مبین اسلام یک حرف سومی را در دنیا منتشر کنیم. ما اصول اقتصادی انقلاب اسلامی را در قانون اساسی پیدا کردیم. به طور مثال، حقوق اقتصادی در اقتصاد ما، بر اساس اصل ۴۳ قانون اساسی بنا شده است.

آیا اقتصاد اسلامی داریم؟

آیا در صورتی که به زبان ریاضی (و با نمودار و آمار) سخن بگوییم، سخنان علمی می‌شود؟ آیا در این صورت دیگر هیچ نظریه ارزشی و ایدئولوژیک پشت آن وجود ندارد؟ این حرف قطعاً نادرست است.

شما می‌توانید نظریات مارکس را بر اساس مدل‌های ریاضی بیان کنید (همانند موریشیما که این کار را کرده است) و کتاب و مقاله بنویسید و دقیقاً با همان ایدئولوژی مارکسیسم اقتصادسنجی و مدل‌سازی و ریاضی هم داشته باشید. آیا با یک ایدئولوژی دیگر نمی‌توان این کار را انجام داد؟ بله، مثلاً ایدئولوژی سرمایه‌داری را نیز می‌توانیم با ریاضی بیان کنیم. ریاضی یک زبان است؛ اما مفهوم و محتوا و مسئله و دستگاه

تحلیلی از بیرون می‌آید و از آن ارزش‌هایی نشئت می‌گیرد که در یک جامعه و در ذهن اندیشمندان آن جامعه وجود دارد.

سؤال: آیا اسلام در حوزه اقتصاد هیچ حرفی ندارد؟ آیا امکان دارد اسلامی که سیاست و فرهنگ دارد و در مسائلی مثل سبک زندگی و آموزش و تربیت و امنیت و روابط فردی و اجتماعی حرف دارد، در حوزه اقتصاد حرفی نداشته باشد؟! این سخن بسیار عجیب است که اسلام با همه حوزه‌ها کار داشته باشد به جز اقتصاد!

پروفیسور مسعود درخشان که تحصیل‌کرده بزرگ‌ترین و معتبرترین دانشگاه‌های دنیا هستند، کتابی با عنوان «فریب بزرگ، علم اقتصاد یا اقتصاد علم‌نما» نوشته‌اند که اخیراً چاپ شده؛ کتابی که شاید حاصل پنجاه سال زحمت و مجاهدت ایشان است. چکیده این کتاب در چند جمله این‌گونه است:

از روزی که تمدن غرب با پیشرانی نظام اقتصادی‌اش (کاپیتالیسم) شکل گرفت، همواره برای پیشبرد اهداف خود نیاز به توجیحات علمی داشته است. حکمرانان و دولتمردان برای توجیه سیاست‌هایشان از قبیل برداشتن پشتوانه طلا از پول، چاپ چند تریلیون دلار در یک سال، سپردن برخی از وظایف دولت به بخش خصوصی و یا دخالت دولت در بعضی از حوزه‌های اقتصادی و... نیاز به توجیه مردم و نیز سایر نخبگان جامعه داشتند. اقتصاددانان به بهترین شکل ممکن این کار را انجام داده‌اند. در حقیقت در تمام مسائل اجتماعی که نظام سلطه با آن مواجه است، همین‌گونه عمل می‌کند و کار اصلی دانشمندان غربی توجیه رفتار حکمرانان و دولت‌مردانشان بوده است. به این افراد اصطلاحاً اپالوژیست گفته می‌شود یا همان ستایشگران و مداحان پادشاه در گذشته.

با این توضیحات به این سؤال که آیا اقتصاد اسلامی داریم یا خیر این‌گونه پاسخ می‌دهیم که اگر فقه داریم باید اقتصاد اسلامی داشته باشیم. اگر عقل داریم باید اقتصاد اسلامی داشته باشیم. اگر ایمان داریم باید اقتصاد اسلامی داشته باشیم و اگر درکی از صحنه تقابل حق و باطل داریم باید اقتصاد اسلامی داشته باشیم. نمی‌شود اقتصادمان کاپیتالیستی یا سوسیالیستی باشد و به دنبال فرهنگ اسلامی بگردیم! و این همان است که امام، مقام معظم رهبری و قانون اساسی بر آن تأکید می‌کنند: فرهنگ زیربنای اقتصاد است.

اقتصاد بازار یا اقتصاد فرهنگی؟

اقتصاد چیست؟ هرگاه صحبت از اقتصاد می‌شود، به یاد پول، بانک، معامله، عرضه و تقاضا و... می‌افتیم و ذهن‌مان در یک سری اتفاقات که از جنس بازار و پول است محصور می‌شود و اگر در جایی عرضه و تقاضا و بازار و پول نباشد، به آن اقتصاد نمی‌گوییم.

باید تعریف بهتری از اقتصاد ارائه دهیم. اقتصاد یعنی تأمین نیازهای واقعی. یعنی به کار کردن یک مادر در خانه (به‌جای کار در رستوران) و تربیت فرزندان در خانه (به‌جای مهدکودک) هم اقتصاد بگوییم؛ باینکه مادر دستمزد نمی‌گیرد و این کارها در خانه انجام می‌شود (رابطه بازاری بین کودک و مادر نیست) به این هم اقتصاد گفته شود. با این تعریف از اقتصاد، مقایسه‌ها با اقتصاد غرب عوض می‌شود. دیگر باید علاوه بر بازار ایران، باید به نابازار (فضایی که بازاری نیست) هم نگاه کنید. به همین علت است که برعکس غربی‌ها کارتن‌خواب و یا صف‌های طولانی برای گرفتن غذا نداریم. صف غذای امام حسین علیه السلام فرق می‌کند؛ فقیر و غنی در آن صف می‌ایستند. اما اگر بگویند اینجا صف غذای کمیته امداد است، کسی نمی‌ایستد؛ چون کرامت انسانی وجود دارد. البته که کمیته امداد امام خمینی رحمت الله علیه هم مثل کشورهای غربی صف غذایش را در خیابان شکل نمی‌دهد و کرامت افراد نیازمند را حفظ می‌کند. ساختار نابازار خانواده‌ها، ارحام، همسایگان، دوستان، همکاران، روابط اجتماعی و فرهنگی مؤمنین و ساختار حاکمیت ولایتی اقتصادی را شکل می‌دهد که می‌توانیم نام آن را اقتصاد فرهنگی بنامیم. اقتصادی که در غرب چیزی از آن باقی نمانده است. وقتی مردم صدقه می‌دهند و نمی‌شناسند کسی را که به او کمک می‌کند و یا ساختار حاکمیت اسلامی که کمیته امداد، بهزیستی، گرم‌خانه، بنیاد مستضعفان و... دارد و یا خانواده از اعضای خود حمایت می‌کند بدون هیچ چشم‌داشت مادی یعنی اساساً ساختارهای اصلی اقتصاد ما بازاری و پول محور نیست. این ساختارها به این راحتی به شما اجازه نمی‌دهند بشکنید. ولی در ساختار اقتصاد سرمایه‌داری، اگر شخصی بخواهد بشکند، نه تنها دیگران، بلکه ساختار حاکمیتی تلاش می‌کند که زودتر بشکند. سرمایه‌داران مثل گرگ منتظرند تا کسی را در حال

زمین خوردن ببینند. صنعت بیمه و بانک و بورس و... دور او را می‌گیرند اما نه برای حفاظت! بلکه برای دریدن!

به‌خاطر همین است که کرونا در ایران جمع می‌شود ولی در آمریکا بیش از یک میلیون کشته می‌دهد. این ساختار جذاب فرهنگی اجتماعی که محصول تمدن هزاران ساله ماست در اقتصاد غرب وجود ندارد. ما ۱۰ درصد از اقتصادمان بازار و ۹۰ درصد آن نابازار و اقتصاد فرهنگی است. اقتصاددان‌ها نمی‌خواهند این ۹۰ درصد را ببینند و می‌گویند باید تمام نابازارها بازار شود؛ یعنی «کل ارض بازار و کل شیء کالا»؛ زن کالا بشود، عشق، زندگی، رابطه زناشویی، علم، آرامش و... همه کالای بازاری بشوند. ما با رفتن به حرم امام رضا به آرامش می‌رسیم و پولی هم نمی‌دهیم؛ ولی در غرب مردم باید پول پرداخت کنند و یوگا و... بروند تا مثلاً به آرامش برسند!

تفاوت در اینجاست که آن‌ها می‌خواهند کل ارض بازار باشد و ما می‌خواهیم «کل ارض اربعین» باشد.

جایگزین بانک در نظام اقتصادی اسلامی چیست؟

جایگزین بانک در نظام اقتصاد اسلامی چیست؟ این سؤال نادرستی است؛ زیرا لزومی ندارد یک پدیده غلط جایگزین داشته باشد. اصلاً ممکن است بانک در نظام اقتصادی اسلام هیچ جایگاهی نداشته باشد. پدیده‌ای که با یک هدف ذیل یک سیستم کار می‌کند، در یک سیستم دیگر ممکن است به وجودش نیازی نباشد.

خودرویی را در نظر بگیرید که مبنای آن تبدیل انرژی گرمایی به انرژی مکانیکی است و با بنزین کار می‌کند. این سیستم به یک زیرسیستم به اسم موتور نیاز دارد. موتور هم خودش به سیلندر، پیستون، سوپاپ، شمع و کاربراتور احتیاج دارد. حال اگر این سیستم (خودرو) به یک خودروی برقی (با مبنای تبدیل انرژی خورشیدی به انرژی مکانیکی) تبدیل شود، دیگر این زیرسیستم (موتور و اجزایش) را لازم ندارد. فلذا مکانیکی که از خودرو برقی سر در نمی‌آورد نمی‌تواند بگوید چون این خودرو موتور ندارد اصلاً خودرو نیست!

بنابراین اجزایی که در نظام سرمایه‌داری وجود دارد، ممکن است در نظام اقتصادی اسلام وجود نداشته باشند. این مغالطه، مغالطه جایگزین است که حتماً باید جایگزینی برای هر چیزی پیدا کنیم.

مثلاً فردی را در نظر بگیرید که می‌خواهد خودش را از بالای ساختمانی پرت کند. اگر به او بگویید خودت را پایین نیندازد اگر بگوید راهکار جایگزین شما چیست به او می‌گویید راهکار جایگزین من همین ترک عمل اشتباه است.

اهتمام اصل ۴۳ قانون اساسی

در اینجا به بررسی دو بند اصل ۴۳ قانون اساسی می‌پردازیم که اقتصادمان قرار بوده به چه شکلی باشد و هم‌اکنون چگونه است و باید چه چیزی را مطالبه کنیم؟

طبق بند اول اصل ۴۳ قانون اساسی، دولت موظف است نیازهای اساسی مردم مثل خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، مسکن، آموزش و پرورش و نیازها و امکانات تشکیل خانواده برای همه مردم ایران را تأمین کند؛ و در بند دوم اصل ۴۳ قانون اساسی آمده است که دولت موظف است امکانات و شرایط لازم را برای هر شخصی که می‌خواهد شاغل شود، تهیه کند؛ از راه‌های مشروعی چون راه‌اندازی تعاونی‌ها و یا اعطای وام‌های بدون بهره.

وظیفه ما این است که اصول اقتصادی قانون اساسی را بشناسیم، حقوق اقتصادی خودمان را بدانیم و برای ساخت اقتصاد انقلاب اسلامی و نجات از مشکلاتی که پیش‌روی اقتصادمان است اقدام کنیم و اجرای سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری را پیگیری و مطالبه نماییم.

تعاونی، نقطه بن بست شکن اقتصاد

ساختار دوگانه‌ای در ذهن مردم وجود دارد با عنوان بخش خصوصی و دولتی. وقتی گفته می‌شود بخش خصوصی، شما یاد تعدادی از افراد یا شرکت‌هایی می‌افتید که صاحب سرمایه‌های کلانند و توان تولید انبوه و بزرگ‌مقیاس را دارند. شما هیچ‌گاه به کارگاه کوچک نجاری یا تولید لبنیات خانگی که در آن یک فرد در حال تولید است، بخش خصوصی نمی‌گویید اما به کارخانه تولید لبنیات یا کارخانه تولید خودرو که یک

یا چند نفر مالک آن هستند و آن را مدیریت می‌کنند، بخش خصوصی می‌گویید. بخش دولتی هم که مشخص است.

اما ساختار دیگری هم وجود دارد که نه دولتی است و نه خصوصی: تعاونی. این ساختار، هم در ایران سابقه طولانی داشته و هم در دنیا نمونه‌های بسیار موفقی دارد و یک ساختار کاملاً مردمی است. در حقیقت ساختار مردمی به دو بخش تقسیم می‌شود: خصوصی و تعاونی؛ در قانون اساسی ما هم همین تقسیم‌بندی وجود دارد. اصل ۴۴ قانون اساسی اقتصاد را به سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی تقسیم کرده است.

اما تفاوت ساختار تعاونی با بخش خصوصی و دولتی در چیست؟ در ساختار تعاونی، هم مالکان یک بنگاه یا کارخانه یا تولیدی یا نهاد اقتصادی و هم مدیریت آن با خود مردم است؛ حالا چه به صورت نمایندگی و چه به صورت شورایی یا هر روش دیگر.

اگر بخواهیم مثالی بزینم شرکت «مُندراگون» در اسپانیا توسط یک کشیش اسپانیایی و چند دانشجو و مهندس شروع به کار کرد و الان ۸۶ هزار کارگر، کارمند، متخصص و مهندس دارد و همه ۸۶ هزار نفر به صورت کارگر مالکی در آنجا مشغول به کار هستند؛ یعنی هیچ مالکی بالای سر این شرکت وجود ندارد که بقیه اجیر او باشند، بلکه همه مالکند و باهم از سود آن شرکت بهره‌مند می‌شوند. محصولات آن شرکت نیز به صورت بین‌المللی به فروش می‌رسد.

نمونه دیگر، تیم‌های فوتبال رئال مادرید و بارسلونا، از بهترین باشگاه‌های دنیا هستند. در حال حاضر بیش از صد سال است که این دو باشگاه به صورت تعاونی اداره می‌شوند؛ یعنی مالک این دو باشگاه، خود مردم هستند؛ طرفداران و بازیکنان و هرکسی که با این دو باشگاه در ارتباط اند. همه، آن تیم را مال خودشان می‌دانند. همه این‌ها مالک باشگاهند و برای مدیریت باشگاه هم رأی‌گیری می‌کنند؛ یعنی لیونل مسی و طرفداران باشگاه در صف می‌ایستند و رأی می‌دهند و مدیر باشگاه را این‌گونه انتخاب می‌کنند.

اما در مورد گذشته خودمان رجوع کنید به کتاب آقای دکتر مرتضی فرهادی که کتاب سال جمهوری اسلامی هم شد. کتابی است با عنوان «واره». ایشان در این کتاب اشاره به ساختاری می‌کند که حدود صد سال پیش در ایران وجود داشته است و هنوز هم بقایای آن در جاهایی وجود دارد: تمام لبنیات ایران را، دو میلیون زن ایرانی در قالب سیصد هزار تعاونی تولید و توزیع می‌کردند و تولیدات این مجموعه عظیم از تعاونی‌ها برای جمعیت ده بیست میلیونی آن زمان، از تولید امروز کارخانه‌های بزرگ فعلی بیشتر بوده است؛ این اتفاق در کشور ما در چند دهه پیش بوده و متأسفانه الان از بین رفته است. بحث تعاونی علاوه بر اینکه در قانون اساسی آمده است، رهبر معظم انقلاب نیز بارها بر آن تأکید کرده‌اند.

تعاونی، در تاریخ ایران و همچنین دنیا سوابق بسیار خوبی دارد؛ اما امروز اگر بخواهیم بگوییم دولت‌ها موظف به چه کاری در حوزه تعاونی هستند، اجرای بند (ب) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است که اشاره دارد به اینکه ۲۵ درصد اقتصاد ایران باید به صورت تعاونی باشد و سهم تعاونی در اقتصاد به همین بیست و پنج درصد برسد. سند توسعه تعاون هم، بر اساس سیاست‌های کلی نوشته شده و قانون اجرایی آن نیز در مجلس تصویب شده است و اکنون لازم‌الاجراست. اینکه دولت‌های مختلف این کار را انجام نداده‌اند و الان سهام تعاونی در ایران سه درصد است یعنی کم‌کاری یا ترک فعل شده است؛ البته امیدواریم دولت آقای رئیسی این نقیصه را جبران کند؛ و امر زمین‌مانده رهبر معظم انقلاب که ۱۷ سال است اجرا نشده، بالاخره اجرا شود.

بند (ج) و (د) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ می‌گوید: از محل درآمد حاصل از واگذاری دارایی‌های دولت باید ۳۰ درصد به سه دهک پایین و بیکاران در قالب تعاونی‌های فراگیر ملی اختصاص داده شود؛ لذاست که تعاونی علاوه بر اینکه به لحاظ فضای مادی و سود و منفعت دنیایی به نفع مردم بخصوص طبقه‌های محروم و بیکاران است، تعاونی به شدت می‌تواند در حوزه گسترش عدالت و کاهش بیکاری به ما کمک کند؛ البته تعاون بسیار رابطه فرهنگی‌تر و بهتری است نسبت به روابط بازاری و رقابتی که در نظام‌های مادی وجود دارد.

رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولین وزارت تعاون در سال ۷۷ فرمودند:

اساس در همه کارها، عدالت است. آن چیزی که در تمام دوران مسؤولیت ما به نگرانی من بوده، این است که خدای نکرده ما سیاستی را در مسائل اقتصادی اتخاذ کنیم که این سیاست، مسئله «عدل» را نادیده بگیرد. ... وقتی در وضع کشور خودمان نگاه می‌کنم، می‌بینم یکی از چیزهایی که می‌تواند جلو این بی‌عدالتی را به شکل منطقی و اصولی سد کند، همین کار تعاونی است. به همین خاطر است که من به تعاون اعتقاد دارم ... به نظر من، یکی از راه‌حل‌ها و اساسی‌ترین و منطقی‌ترین و بنیادی‌ترین کارهایی که می‌تواند در این کشور برای استقرار عدالت انجام گیرد، «تعاون» است. همین تعاون می‌تواند کشور را - بخصوص امروز- از لحاظ اقتصادی نجات دهد... نقطه بن‌بست شکن اقتصادمان، عبارت است از ایجاد اشتغال .. و «تعاون» می‌تواند یک بازوی قوی در این راه باشد.^۱

کارخانه یا کارخانه؟

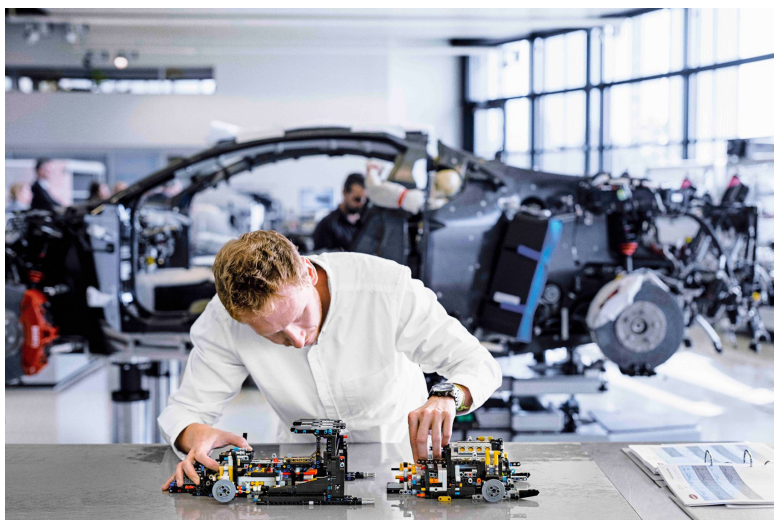
حتماً تاکنون این‌گونه حرف‌ها را شنیده‌اید: «قاعدتاً کالاهای تولید شده در کارخانه‌های بزرگ کیفیت بالا و قیمت پایینی دارند و تولیدات کارگاه‌های کوچک و دست‌ساز به صرفه نیست و فاقد کیفیت می‌باشند؛ چون دستگاه‌های پیشرفته موجود در کارخانه‌ها کیفیت بهتری ارائه می‌دهند.» این حرف‌ها همه غلط است و اتفاقاً برعکس درست است. یعنی اساساً کیفیت در کوچک‌مقیاس‌ها، کارگاه‌های کوچک و دست‌سازها انحصار دارد.^۲ بهترین دوربین‌های فیلم‌برداری هالیوود، بهترین ساعت‌هایی که سرزمین ساعت یعنی سوئیس می‌سازد، بهترین دوچرخه‌هایی که در

۱. دیدار مسئولین وزارت تعاون با رهبر انقلاب، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۷، دسترسی در:

<https://khl.ink/t/18070>.

۲. اصطلاحاً به تولیداتی که در خانه، کارگاه، فضای کوچک و با دست ساخته می‌شود HAND MADE و HOME MADE می‌گویند.

ایتالیا ساخته می‌شود، بهترین خودروهای دنیا، بهترین توپ‌های فوتبال جام جهانی، این‌ها همه دست‌ساز است. اساساً نمی‌توانیم در تولید کارخانه‌ای و بزرگ مقیاس، تولید باکیفیت داشته باشیم و اگر بخواهیم باکیفیت‌ترین تولید را داشته باشیم باید دست‌ساز باشد.







سؤال: باینکه پنیر محلی و لبنیات محلی کیفیت بهتر و قیمت ارزان‌تری دارد، چرا در ذهن ما این‌گونه تولیدات کوچک‌مقیاس و خانگی و کارگاهی نمی‌صرفد؟ چه کسی این را در ذهنمان کاشته است که تولید فقط باید کارخانه‌ای باشد؟ چه کسانی در ذهن ما این را کاشته‌اند که تولید در کوچک‌مقیاس فاقد کیفیت است و شما باید مصرف‌کننده باشید، یا بهترین حالت این است که اجیر و مزدور کارخانه‌های بزرگ

بشوید؟ چه کسی گفته است که زمین‌های کوچک تجمیع شوند و زمین‌های بزرگ در دست یک عده باشد و بقیه کارگر آن‌ها باشند؟ چه اتفاق و ماجرای رخ داد که به اینجا رسیدیم؟

به نظرم پاسخ روشن است؛ تمام این ماجراها ذی‌نفعانی دارد که مانع از رفتن مردم به سمت تولید و کارگاه‌های کوچک تولیدی می‌شوند. آن‌ها با توجیحات علمی (که عموماً به وسیله اقتصاددان‌ها ساخته می‌شود) دولت را متقاعد می‌کنند که به جای اینکه پول در دست مردم باشد و کارگاه تولیدی کوچک داشته باشند، باید پول در کارخانه‌ها متمرکز شود و مردم نیز در آن کارخانه‌ها اجیر شوند.

یکی از مواردی که انقلاب اسلامی و قانون اساسی ایران در اصل ۴۳ و ۴۴ با آن مخالفت می‌کند همین است که نباید این اتفاق بیفتد. فقه شیعه نیز مخالف است و بارها علمای بزرگ شیعه فرموده‌اند که اجیر شدن کراهت دارد. البته کسانی که برای دولت و حاکمیت کار می‌کنند، قصه‌شان فرق می‌کند و موضوع فعل آن‌ها واجبات نظامیه است که کراهتی ندارد بلکه واجب است.

این جمله علامه جوادی آملی به آقای رئیسی است که گفتند: «پیامبر دست اجیر را نبوسید! دست کارگر، کسی که آقای خودش بود را بوسید.»^۱

اگر ۱۱ میلیون نفر از افراد جامعه‌مان مجبور هستند اجیر باشند، آن‌ها گناهی ندارند؛ بلکه این ساختار غلط اقتصادی است که آن‌ها را مجبور کرده است اجیر دیگران باشند.

امید در میانه جنگ!

در زمان جنگ، در صورتی که دشمن پیشروی کند، تمام افراد جامعه ناراحت می‌شوند و اگر دشمن یکی از شهرها را تصرف کند تقریباً به مرز ناامیدی می‌رسند. دو دسته افراد هنگام جنگ ناامید نمی‌شوند.

- یک دسته آن‌ها که اهل قیام‌اند و شمشیر می‌کشند و می‌گویند ما می‌جنگیم. این‌ها اهل ناامیدی نیستند و حاضرند در این راه خون خود را هم بدهند.

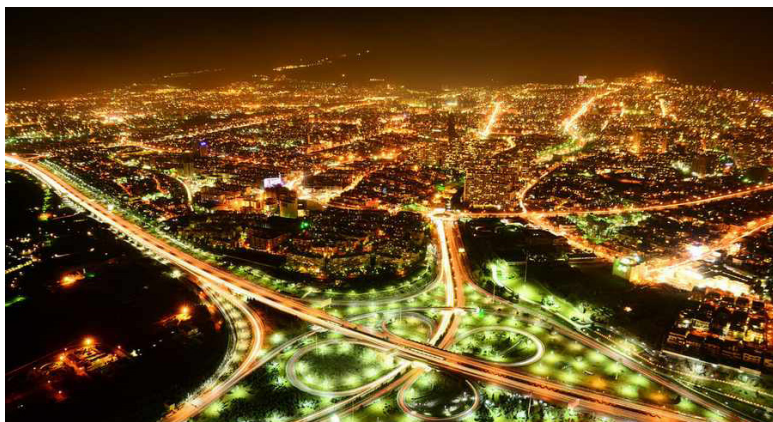
1. <https://aftabnews.ir/fa/news/746114>.

- دومین دسته از افراد که ناامید نمی‌شوند، کسانی هستند که اگرچه خودشان اهل قیام نیستند اما افراد اهل قیام را می‌بینند و به آن‌ها و نصرت خدا ایمان دارند. مردم اگر در زمان جنگ ببینند اتوبوس‌ها به سمت جبهه می‌روند، امیدوار خواهید شد. ولی اگر ببینید مردم منفعل هستند و کسی به جبهه نمی‌رود ناامید می‌شوند.

در میانه جنگ اقتصادی نیز همین گونه است. اندیشمندان و فعالان اقتصاد مقاومتی که در حال جنگیدن با دشمن هستند نه تنها خودشان ناامید نمی‌شوند بلکه دیگران را هم از ناامیدی برحذر می‌دارند.

معرفی این رزمنده‌ها و افسران جنگ اقتصادی و فعالیت‌های ایشان به مردم امید می‌دهد. البته بدیهی است که تنها راهی که می‌توان به مردم امید مطلق داد این است که امیدمان به خداوند را از دست ندهیم و این تنها مسیری است که ناامیدی در آن معنا ندارد.

نشانه‌های امید پیروزی در جنگ اقتصادی، تربیت یک نسل اقتصاددان انقلابی است؛ یعنی متخصصین و متعهدینی که در حوزه اقتصاد نظر دارند. دشمن را می‌شناسند، دسیسه‌های او را می‌دانند و راهکارهای دقیق برای مقابله با آن طراحی کرده‌اند. وقتی که این افراد را به مردم نشان دهیم، آن‌ها امیدوار می‌شوند؛ چون این افراد به دنبال گرفتن حق مردم هستند. یک عده جوان، دانشمند، استاد دانشگاه و عالم در حوزه علمیه و در اقصی نقاط کشور پیگیر حق مردم‌اند و در این حوزه تخصص هم دارند. تربیت این نسل از افراد و انقلابیون که در حوزه اقتصاد می‌جنگند، دستاورد بزرگی برای انقلاب اسلامی است و نشان دادن این‌ها به مردم باعث امیدواری آن‌ها می‌شود. وقتی مردم می‌بینند رزمندگان در حوزه اقتصاد اسلامی به میدان جنگ می‌روند، به آینده امیدوار خواهند شد که ان شاء الله اتفاقات خوبی رقم خواهد خورد.



راهکار اقتصادی اسلامی برای عدالت چیست؟

آیا در مقابل این ایده که برای اجرای عدالت، یک را به یک عده بدهیم تا آن را بزرگ کنند و از آن‌ها مالیات بگیریم و از سرریز این یک به فقرا بدهیم، مدل جایگزینی وجود دارد؟

بله، اصل ۴۳ قانون اساسی که باید تمام ابزار تولید در اختیار مردم قرار بگیرد و یا اصل ۴۴ و به خصوص بند (ب) سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که بحث تعاونی‌سازی ۲۵ درصد از اقتصاد ایران است دو تا از راهکارهایی است که دقیقاً در مقابل تفکر لیبرال سرمایه‌داری نوشته شده است. هم قانون اساسی و هم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و اصل ۴۴ که تبدیل به قانون نیز شده و لازم‌الاجرا هستند در راستای تحقق عدالت با قرائت اسلامی است و چون تبدیل به قانون شده‌اند دولت‌ها باید آن‌ها را اجرا کنند و مطالبه‌گری ما باید همین اصول بر زمین مانده باشد.^۱

هفده سال است که دولت‌ها این را کنار گذاشته‌اند و این امر ولی جامعه بر زمین مانده است؛ لذا طبیعی است که در عدالت اقتصادی عقب‌ماندگی داشته باشیم. اگر می‌خواهیم در حوزه عدالت جلو بیفتیم تنها راه این است که در مسیر ولایت حرکت کرده و اوامر او را اجرا کنیم.

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/133617>



بن مایه‌ها

برای مطالعه بیشتر، منابعی تکمیلی می‌آوریم تا به کمک آن بتوانید محتوای سخن را در گفت‌وگوها و منابع، غنی‌سازی و دست‌عمل را در عملیات تبلیغی پر کنید.

۱. ابر طبقه: نخبگان قدرت جهانی و جهانی که می‌سازند / دیوید راتکاف؛ ترجمه احمد عزیزی، تهران: کویر، ۱۳۸۹.
۲. اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری / ماکس وبر؛ مترجم انگلیسی تالکوت پارسنز؛ با پیشگفتاری از آر. اچ. تانی؛ مترجم فارسی عبدالمعبود انصاری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷.
۳. استراتژی‌های رشد و توسعه اقتصادی / محمدقلی یوسفی؛ ویراستار ساقی جهانشاهی قاجار، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸.
۴. اقتصاد ایران در دوره تعدیل ساختاری؛ فرشاد مومنی، تهران: نقش و نگار، ۱۳۸۶.
۵. اقتصاد سیاسی جهانی: درک نظم اقتصاد بین‌الملل / نویسنده رابرت گیلپین، [جین گیلپین]؛ به اهتمام [صحیح: مترجم] مهدی میرمحمدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۴۰۱.
۶. اقتصاد مقاومتی تفسیر جهاد کبیر / اکبر ابدالی محمدی؛ ویراستار علی کاملی، قم: جهاد دانشگاهی، واحد استان قم، ۱۳۹۶.
۷. اقتصاد: راهنمای کاربردی / هاجون چانگ؛ مترجمین محمدرضا فرهادی پور، امیدرضا فرهادی پور؛ ناظر طرح سارا پارسی، تهران: فرهنگ صبا، ۱۳۹۸.
۸. اقتصادنا/ تالیف محمدباقر الصدر؛ تحقیق مکتب الاعلام الاسلامی. فرع خراسان، قم: بوستان کتاب قم (مرکز النشر التابع الاعلام الاسلامی)، ۱۴۲۵ق. = ۱۳۸۳.
۹. انسان بدهکار، لاتزارتو
۱۰. بهای نابرابری [کتاب] / ژوزف استیگلیتز؛ ترجمه اسماعیل رئیسی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۴.
۱۱. بیست و سه گفتار درباره سرمایه‌داری، پیرامون نکاتی که آن‌ها را بروز نمی‌دهند / ها-جون چانگ؛ ترجمه ناصر زرافشان، تهران: مهر ویستا، ۱۳۹۲.
۱۲. تجزیه و تحلیل اقتصادی و فلسفه اخلاق / نویسندگان دی.ام. هازمن، ام.اس. مک‌فرسن؛ مترجمان یدالله دادگر... [و دیگران]، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۶.



۱۳. تحلیلی بر سیر شناخت و روش‌شناسی علم اقتصاد [کتاب] / سیدمهدی زریباف، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰.
۱۴. تکامل نهادها و ایدئولوژی‌های اقتصادی: مالکیت و رسالت / ای. ک. هانت؛ ترجمه سهراب بهداد، [تهران]: آگاه، ۱۳۸۱.
۱۵. حرف‌هایی با دخترم درباره اقتصاد / نویسنده یانینس واروفاکیس؛ [مترجم] بهاره رستمی، تهران: آسمان نیلگون، ۱۴۰۱.
۱۶. خاکریز اقتصادی: خوانشی بر اقتصاد مقاومتی / محمدجواد توکلی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۶.
۱۷. درسنامه اقتصاد مقاومتی / احمد یوسفی؛ همکاران علمی مجتبی غفاری، ساجد صمدی قربانی؛ ویراستار حسین غفورزاده؛ [به سفارش مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدر]، تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۸.
۱۸. دستبرد ناپیدا / فیلیپ باگوس، آندریس مارکورت؛ ترجمه و تلخیص حسین حسن‌زاده‌سروستانی، علیرضا زمانی؛ با مقدمه مسعود درخشان، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، انتشارات، ۱۴۰۰.
۱۹. دکترین شوک: ظهور سرمایه‌داری فاجعه [کتاب] / نائومی کلاین؛ ترجمه خلیل (مهرداد) شهابی، میرمحمود نبوی، تهران: اختران، ۱۳۹۴.
۲۰. دگرگونی بزرگ [کتاب]: خاستگاه‌های سیاسی و اقتصادی روزگار ما / کارل پولانی؛ ترجمه محمد مالجو، تهران: پردیس دانش: نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۹۱.
۲۱. دولت و بازار: الگویی پویا برای روابط متقابل؛ سید یاسر جبرائیلی، قم: کتاب فردا، ۱۳۹۹.
۲۲. ربا در اسلام و دو جلد اقتصاد اسلامی (مباحث نظری و مباحث کاربردی)؛ آیت‌الله شهید بهشتی
۲۳. ژئوپلیتیک گرسنگی (جغرافیای گرسنگی)، اثر رئیس اسبق فائو و برنده نوبل ادبیات، خوزونه دو کاسترو
۲۴. عدالت: کدام کردار ما نیک است؟ / نویسنده مایکل جی. سندل؛ مترجم علی بازیاری شوراوی؛ ویراستار فاطمه کلانتری آیسردی، تهران: سبزان، ۱۳۹۹.
۲۵. فریب بزرگ: علم اقتصاد یا اقتصاد علم‌نما (به همراه متن انگلیسی) / مسعود درخشان؛ ترجمه و تعلیقات عاطفه تکلیف، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، انتشارات، ۱۴۰۱.
۲۶. لیبرالیسم غرب (ظهور و سقوط) [کتاب گویا] / آنتونی آر بلاستر؛ ترجمه عباس مخبر؛ گوینده پرپوش زاهدی، تهران: مرکز امور توانبخشی نابینایان کشور رودکی، ۱۳۸۴.
۲۷. ماهیت و علل بحران مالی ۲۰۰۸ و تأثیر آن بر اقتصاد ایران / نویسنده مسعود درخشان؛ [برای] گروه پژوهشی اقتصاد پژوهشکده تحقیقات استراتژیک؛ زیر نظر محمداقرا نوبخت، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷.
۲۸. مجموعه آثار یا درآمدی بر اقتصاد تطبیقی؛ شهید مطهری، ج ۳۳
۲۹. مجموعه مقالات عدالت، جمع‌آوری دکتر محمد نعمتی
۳۰. نظام اقتصادی اسلام: مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق / حسین میرمعزی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۳۱. نظری به نظام اقتصادی اسلام / مرتضی مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۹۲.
۳۲. نیکوکاران نابکار: افسانه‌ی تجارت خارجی آزاد و تاریخچه‌ی پنهان سرمایه‌داری / ها چون پنگ؛ ترجمه‌ی میرمحمود نبوی و مهرداد (خلیل) شهابی، تهران: اختران، ۱۳۹۵.
۳۳. یهودیان و حیات اقتصادی مدرن / ورنر سومبارت؛ ترجمه‌ی رحیم قاسمیان، تهران: ساقی، ۱۳۸۴.